

ازدواج اسلامی، ص: ۲

پیشگفتار

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

و از نشانه‌های خداوند است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش (روحی و جسمی) داشته باشید و میان شما مودت و رحمت قرار داد (تا زندگی اجتماعی شما شکل گیرد) در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

(روم: ۲۱)

«نَسَاءَكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»

زنهای شما لباس برای شما است و شما لباس برای همسران تان، یعنی همچنانکه لباس شما را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و عیوب انسان را می‌پوشاند و زینت است برای تن آدمی، دو همسر نیز یکدیگر را از انحرافات حفظ عیوب همدیگر را می‌پوشاند و مایه آرامش و زینت یکدیگرند.

(بقره: ۱۸۷)

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳

اسلام در زندگی درونی و بیرونی

شکی نیست که اسلام دین کامل است و آیه اکمال دین و اتمام نعمت در سوره مائده^۱ ما را به این حقیقت آگاه می‌سازد.

لازمه دین کامل این است که از آنچه نیاز زندگی بشر است غافل نبوده و دستورات نافع برای طرز زندگی در ابعاد مختلف داشته باشد.

و همان طور که می‌دانیم به راستی دین مقدّس، هر چه باید بفرماید، فرموده است. نظری به کتابهای فقهی از طهارت تا دیات بیندازیم و این فقه پر بار را با تأمل در نظر بگیریم، از پیش از ولادت تا پس از ولادت چگونه در طرز زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، راهنماییهای ضروری را ارائه فرموده است.

جامع احکام، توحید خداست

نکته‌ای که باید از آن غافل نبود این است که در رشته‌های

(۱) - «... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» مائده: ۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴

مختلف این احکام متفاوت، حقیقتی نهفته است که همه را به یک معنا پیوند می‌دهد؛ سیاستش عین دیانت و جهادش با نماز و روزه‌اش، با نهی از منکر و داد و ستدش را با امر به معروف و حکومتش را با زراعت

^۱ (۱) - «... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» E\ مائده: ۳ ..

می پیوندند؛ آن حقیقتی که زاهد شب در محراب را شیر شجاعت روز در میدان نبرد و غمخوار ضعیفان و یار مستمندان می سازد، در برابر اشک یتیمی بی تاب؛ ولی در برابر ستمگر، ترحم ندارد و بر کافران، سخت و بر مؤمنان، مهربان^۲ می سازد، آن حقیقت را می بایست یافت.

این حقیقت در عبودیت خدای یکتا نهفته است؛ چون خدا را می پرستم برای من چه تفاوت دارد که به آنچه دستور می دهد، نماز باشد یا جهاد، روزه باشد یا نهی از منکر، حکومت کردن باشد یا فرمانبری، داد و ستد باشد یا کارگری، در هر حال، من برای خدا کار می کنم^۳ و او را در نظر دارم، حکم آنچه تو فرمایی، من بنده فرمانم.

خوشی دنیا و آخرت برای مؤمنین است

راستی! خوشی زندگی در همین است که خشنودی خدا هدف باشد، نه طلب شهرت، شهوت و شکم، باید و به رحمت خدا دلخوش گردید^۴ نه زیادتی مال و منال.^۵

(۱) - «... أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» فتح: ۲۹ ..

(۲) - «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» انشقاق: ۶ ..

(۳) - «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا...» یونس: ۵۸ ..

(۴) - «... وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» حدید: ۲۳ ..

^۲ (۱) - «... أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» E\ فتح: ۲۹ ..

^۳ (۲) - «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» E\ انشقاق: ۶ ..

^۴ (۳) - «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا...» E\ یونس: ۵۸ ..

^۵ (۴) - «... وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» E\ حدید: ۲۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵

این است که زبان معجز نمای پیغمبر گویا می‌شود: «**فالمحیا محیاکم و الممات مماتکم**»؛^۶ زندگی، زندگی شما مؤمنین است و مرگ هم مرگ شما؛ یعنی کسانی که در زندگی، واقعگرا بودند و لذت معنوی زندگی را چشیده‌اند و مرگ، اول راحت آنان و زمان برداشت کشتشان است، شما مؤمنین هستید نه غیر شما.

اینان کارشان به جایی می‌رسد که جز خدا نمی‌خواهند و جز رضای او نمی‌جویند و نه تنها نماز و عبادتشان بلکه سراسر وجود و زندگی‌شان و حتی مرگشان برای خدا می‌شود،^۷ چه بهتر و بالاتر از این؟

ازدواج برای خدا

از جمله شؤون زندگی، ازدواج است که همچون سایر شؤون، فرق مؤمن و غیر مؤمن در آن آشکار می‌گردد. غیر مؤمن جز هدف مادی و شهوانی ندارد و از ازدواج جز دفع شهوت و جهات مادی، چیزی نمی‌فهمد لذا به دنبال جمال و زیبایی، یا مال و ثروت، یا شهرت و مقام می‌رود. یا ازدواجهای سیاسی جهت منافع حزب و گروه انجام می‌گیرد، در برابر همسر و اولاد، جز جهات صوری و مادی، مسؤولیتی برای خود نمی‌بیند؛ اما مؤمنین اند که در ازدواج هم، خواست و رضای خدا را می‌جویند و براساس ادای سنت پیغمبر و طبق برنامه‌های واجب و مستحبی که برایشان معین فرموده است،

^۶ (۱) - مسند احمد: ۲ / ۵۳۸ ..

^۷ (۲) - «... إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ نَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» E\ انعام: ۱۶۲ ..

(۱) - مسند احمد: ۲ / ۵۳۸ ..

(۲) - «... إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» انعام: ۱۶۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶

عمل می نمایند.

از خدا اولاد صالح می خواهند و زحمت تربیتش را به امید خیرات باقیات پس از خود، به جان و دل می خرند. روزی دهنده را خدا می دانند و به خاطر تنگدستی، اولادشان را نمی کشند یا از پیدا شدنش پیشگیری نمی نمایند.^۸

حفظ چشم و تداوم زندگی شیرین خانوادگی

رعایت دستورات شرع مقدس، علاوه بر جنبه آخرتی و معنوی، برای حفظ شؤون مادی در زندگی دنیوی، بی نهایت مؤثر است. به خاطر حفظ کانون گرم و پر مهر خانواده، پوشیدن چشم برای زن یا مرد متأهل کاملاً مؤثر است.

«چون دیده بدید، دل در او آویزد».

نخستین گام انحرافی برای از هم پاشیده شدن خانواده، «چشم چرانی» است و حتی امام معصوم علیه السلام ما را راهنمایی می فرماید که:

^۸ (۱) - «... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَانُكُمْ إِنَّا قَتَلَهُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيراً» E\ اسراء: ۳۱ ..

«النظره، سهم مسموم من سهام ابليس».

«نگاه، تیری زهر آلود، از تیرهای شیطان است».

و: «کم من نظره اورثت حسره طویلۃ»^۹.

«چه بسیار نگاه‌هاست که حسرت طولانی را در پی دارد».

اما اگر انسان، چشم خود را نگهدارد، چشیدن شیرینی ایمان، لذت کفّ نفس، دعا و استغفار ملائکه، پاداشهای ارزشمندی است که بر حسب روایات رسیده بهره‌اش می‌گردد.

(۱) - «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» اسراء: ۳۱ ..

(۲) - فروع کافی: ۵ / ۵۵۹ / ح ۱۲.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲

پس به راستی حفظ چشم از نگاه کردن، شرط اساسی آسایش روان از آفات متعدد است.

چه بسیار مردها یا زنهای هوسرانی که به دنبال یک نگاه، زندگی خانوادگی خود را به اصطلاح به آب و آتش کشیده و ظلمات شهوت، طوری بر دیده‌هایشان پرده افکنده که نه تنها عذاب آخرتی را اگر باور داشته باشند، از یاد می‌برند بلکه صدمات دنیوی را نیز نمی‌بینند.

^۹ (۲) - فروع کافی: ۵ / ۵۵۹ / ح ۱۲.

دستورات شرع در مورد شوهرداری

یک زن مؤمن و متعهد به اسلام از نظر قرآن «... حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ ...» است. در نبودن شوهرش همچون وقتی که او هست، مال و ناموس و آبروی شوهرش را نگه می‌دارد.

در ستایش حوریان بهشتی «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ ...»^{۱۰} و «قَصِرَاتُ الطَّرْفِ ...»^{۱۱} می‌فرماید: «چشمانشان از نگاه به غیر همسرشان کوتاه است». و به تعبیر دیگر، تنها چشمشان به شوهرشان است.

اسلام، خوب شوهرداری کردن و پا بر جا داشتن کانون گرم خانوادگی را جهاد زنها بر می‌شمرد و می‌فرماید:

«جهاد المرأة حسن التبعل»^{۱۲}.

«وظیفه عمده و نخستین یک زن متعهد، نگهداشتن دین شوهر و تربیت نیکوی فرزندانش می‌باشد».

آیا تربیت و پرورش صحیح اولاد، از کار کردن در اداره یا مؤسسه‌ای کمتر است؟

(۱) - الرحمن: ۷۲.

(۲) - صافات: ۴۸.

^{۱۰} (۱) - الرحمن: ۷۲.

^{۱۱} (۲) - صافات: ۴۸.

^{۱۲} (۳) - فروع کافی: ۵ / ۹ / ح ۱ ..

(۳).- فروع کافی: ۵/۹/ح ۱..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸

«الجنة تحت اقدام الامهات».^{۱۳}

«بهشت، زیر پای مادران است».

این واقعیتی است که زبان معجز نبوت آن را بیان فرموده. این مادران دلسوز و با ایمان، فرزندانی مؤمن و مجاهد به اجتماع تحویل می‌دهند و افراد بهشتی می‌سازند؛ اما مادران لایبالی نیز با بی‌بندوباری خود، آتشگیره دوزخ بار می‌آورند.

در تبلیغات رژیم طاغوتی چنین بود که حجاب و عفت و خانه‌داری و پرورش مذهبی بچه‌ها را عقب ماندگی و رکود زن می‌شمردند؛ ولی برهنگی و رقاصی و هر گونه لایبالی‌گری را تمدن و ترقی به حساب می‌آوردند.

اثر حرص و فریفته شدن به تبلیغات

خانمی را می‌شناسم با این که شوهرش دارای حقوق مکفی بود، در اثر تبلیغات پوچ، به استخدام آموزش و پرورش رژیم گذشته درآمد و طبق برنامه ناچار، بایستی مدتی در روستاها خدمت کند.

برای اداره خانه و تهیه خوراک و نظافت بچه‌هایش، مستخدمه‌ای گرفت و خودش چند روزی یک بار به شهر و خانه‌اش می‌آمد، خسته و کوفته با اعصاب خرد شده و در نتیجه، داد و فریاد و جنگ و جدال با شوهر و

^{۱۳} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵/۱۸۰/ح ۴..

بچه‌ها به خاطر چیزهای پیش پا افتاده به راه می‌انداخت و دوباره با فکر پریشان‌تر و اوقات تلخ‌تر به روستا بر سر کارش می‌رفت.

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۰ / ح ۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۹

پس از مدّتی متوجّه شد بچه‌هایش حرفهای زشت و فحشهای رکیکی می‌دهند و کمتر در خانه قرار می‌گیرند و با بچه‌های ولگرد برنامه‌هایی دارند و مستخدمه نیز نه تنها سروسری با شوهرش پیدا کرده بلکه از دوری خانم حدّاكثر سوء استفاده را نموده و وسیله آشنایی آقا را با زنهای هر جایی فراهم می‌نماید و چون خرید مایحتاج خانه و وسایل زندگی در اختیارش بود و با برنامه‌هایی که داشت، بر آقای خانه نفوذ داشت، خانواده را با کسر خرجی ماهیانه روبه رو ساخت.

خانم به خود آمد که چگونه به خاطر چند هزار تومان اضافی، زندگی خود و شوهر و بچه‌هایش را تباه کرده است و باید نصف این حقوق را یکجا به مستخدمه بپردازد که این فاجعه را به وجود آورده و بخش دیگرش را صرف هزینه رفت و برگشت و لباس و خوراک گرداند و رفتار ناجورتری نسبت به خانه و شوهرش داشته باشد. آیا از دست دادن اعصاب و راحتی خیال و آسایش بدن، همسر و فرزندان صالح، با این باقیمانده پول ارزش دارد؟

بالأخره استعفا داد و در کاشانه‌اش قرار گرفت و خواست دوباره برنامه زندگی آرام خود را از سر بگیرد؛ اما آخرش را بشنوید؛ شوهر بیمار و

عصبانی از برنامه زناشویی و ناتوان، پسر، روانه تیمارستان و پسر دیگر، به اصطلاح عقده‌ای با بیماری مزمن و خودش نیز افسرده و پژمرده.

اگر دستورات اخلاقی قرآن مجید را مورد نظر و عمل قرار می‌داد که جهاد زن، خوب شوهرداری است و وظیفه عمده‌اش پرورش

ازدواج اسلامی، ص: ۲۰

صحیح کودکان است با مهر و عطوفت مادری - که لازم‌ترین غذای روان کودک است - این ابتلا را نداشت.

البته ما منکر کار کردن زن در خارج از خانه با رعایت حجاب و عفاف نیستیم، بویژه وقتی که ضرورت تأمین معیشت اقتضا نماید؛ اما منکر این هستیم که بدون ضرورت و تنها به خاطر حرص، یا فریفته شدن به عنوان و مقام، یا پست، از وظیفه اصلی خود باز ماند و به چیز فرعی بپردازد و در نتیجه اصل را فدای فرع نماید.

حکمت برای حفظ خانواده

نمونه دیگر از دستورات اسلام را در مشروعیت حکمت و به اصطلاح داوری میان زوجین می‌بینیم. بستگان زن و شوهر نباید خودشان را از زندگی آنان بر کنار بدانند بلکه تا چرخ زندگی زناشویی بر روش عادی نیفتاده، بدون دخالت‌های بی‌جا و ناروا، از اندرز و خیرخواهی، کوتاهی ننمایند. و وقتی به واسطه اختلاف سلیقه یا خودخواهی یکی از طرفین، زندگی زناشویی‌شان مورد تهدید قرار می‌گیرد، طبق دستور قرآن مجید:

«... فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا...»^{۱۴}

«یک نفر داور از خانواده مرد و یک نفر از خانواده زن، مسائل مورد اختلاف را بررسی می نمایند تا مانع جدایی گردند».

با این ترتیب، متوجه می شویم که چقدر شرع مقدس برای زندگی

(۱) - نساء: ۳۵ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۲۱

خانوادگی و سرنوشت بچه ها - که مردها و زنهای اجتماع آینده اند - اهمیت قابل شده است.

طرز تربیت فرزندان و کمک به آنان

در طرز پرورش کودکان چقدر سفارش شده و به ویژه امر شده که آنها را در نیکی کردن به پدر و مادر و عاق نشدن به آنان یاری نمایند.

در پیش روی بچه به مادرش تندی نکنید؛ چون به واسطه علاقه شدید به مادر، ناراحت می شود و چون نمی تواند تلافی نماید، برایش عقده می گردد. احترام بچه و محبت به او باعث می شود که در انجام یکی از بزرگترین واجبات الهی - که نیکی به پدر و مادر است - او را یاری کرده باشد. پدر و مادری که با بداخلاقی و تندخویی و توهین کردن به بچه او را از خود می رنجانند و به طور طبیعی از خود متنفر می سازند، چگونه توقع نیکی کردن از او را دارند؟

^{۱۴} (۱) - نساء: ۳۵ ..

خدمات ارزشمند شهید آیه الله دستغیب رحمه الله

از جمله خدمات ارزشمند شهید بزرگوار آیه الله دستغیب، کتاب «گناهان کبیره» و «قلب سلیم» است که می فرمود: «حاصل زندگی من است». راستی کتابی پر مطلب و کم نظیر که به درد عالم و عامی می خورد و هر کس به اندازه بضاعتش از آن بهره مند می گردد.

همچنین سخنرانیهایی که لابلای تفسیر آیات قرآن و تذکرات لازمه به اجتماع بیان می فرمود، مسائل خانوادگی و دستورات شرع مقدس را با بیانی جالب و رسا پیاده می کرد و شکر خدای را که توفیق

ازدواج اسلامی، ص: ۲۲

تنظیم و تصحیح عمده این مطالب که بجا مانده از روی نوار، یا یادداشتهای گذشته، نصیب بنده گردید و عمده آن نیز در چاپهای مختلف و قطعهای گوناگون حتی به زبانهای خارجی، ترجمه و منتشر شده و می شود.

خدمت دیگر که اخیراً به انجام رسید، جمع آوری و نشر آثار موضوعی آن بزرگوار است که تاکنون چندین جلد منتشر شده است.

کتاب حاضر، مجموعه فرازهایی از سخنان و نوشته های آن شهید بزرگوار درباره ازدواج و محیط خانواده و وظایف زوجین و پدر و مادر و اولاد است که جناب آقای «محمد شب زنده دار» زحمت جمع آوری و چاپ آن را به عهده گرفتند و به نظر این جانب رساندند و پس از تصحیح مجدد، منتشر می نمایند. زحماتشان قابل تمجید و قدردانی است.

امید است این اثر نفیس، همچون سایر آثار شهید بزرگوار آیه الله دستغیب، مورد استفاده همگان قرار گیرد. و مؤلف و ناشر و دیگر دست اندر کاران را از دعای خیر فراموش ننمایند و این زحمات مورد نظر قبول خداوند متان قرار گیرد بمنّه و کرمه.

شیراز - دیماه ۱۳۶۴

سید محمد هاشم دستغیب

ازدواج اسلامی، ص: ۲۳

اهمیت ازدواج

ازدواج نکردن بسیار ناپسند و در شرع مقدس از آن نهی شده است. از قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«ازدواج، سنت و روش پسندیده من است، پس کسی که از سنت من رویگردان باشد، از من نیست».^{۱۵} ترک کلی ازدواج، تفریط است. خداوند قوه شهوت جنسی را در انسان قرار داده تا آن را در تولید نسل به کار اندازد. در این باره نیز روایت شریفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرماید:

^{۱۵} (۱) - النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (بخارالأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ ح ۲۳) ..

«نکاح کنید (و تولید مثل نمایید) تا زیاد شوید، پس من فردای قیامت به زیادی شما در میان سایر امتها افتخار می‌کنم».^{۱۶} پس تکثیر نسل، مطلوب است.

(۱) - النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (بحارالأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ ح ۲۳) ..

(۲) - تناکحوا تکثروا فانی اباهی بکم الامم یوم القیمة ... (بحارالأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ ح ۲۴) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۲۴

رعایت اعتدال و شهوت جنسی

البته در مساله شهوت جنسی و غریزه تماس با جنس مخالف و در دفع شهوت، باید حدّ وسط را رعایت نمود؛ به این که مطابق دستور شرع - که طبق طبیعت و غریزه انسانی است - ازدواج نماید و در عمل زناشویی، بر حسب وضع مزاج و توانایی جسمی اش دفع شهوت نماید.

منظورم این است که: مزاجها و نیروهای افراد یکنواخت نیست و حدّ وسط در مواقع، بسته به افراد مختلف، فرق می‌کند. برای برخی، هفته‌ای یک بار و برای برخی دیگر، دوبار یا دو هفته یک بار، حدّ وسط به حساب می‌آید.

بنابراین، همان طور که تکثیر نسل، مطلوب است، افراط در آن هم غلط است. کسانی که از عهده یک زن ناتوانند، با تجدید فراش، خود و

^{۱۶} (۲) - تناکحوا تکثروا فانی اباهی بکم الامم یوم القیمة ... (بحارالأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ ح ۲۴) ..

دیگران را به زحمت می اندازند. یا از لحاظ عمل جنسی، افراط در آن موجب بیماریهای مختلف و ضعف فوق العاده و موجب کوتاهی عمر می شود.

سختگیری در ازدواج

بعضی از جوانها می گویند: در دوره ای که ازدواج مشکل است، تکلیف جوانی که می خواهد دینش را نگهدارد چیست؟ دخترها هم همین طور. با این اشکالها، ایراد گیرهای طرفین، مهرهای سنگین، خرجهای بیهوده، تکلیف پسر و دختر چیست؟ آیا راهی ذکر شده؟ به همین مناسبت این مطلب را عرض کنم.

ازدواج اسلامی، ص: ۲۵

در دو آیه از قرآن، یکی تکلیف پدر و مادرها را معین کرده، دوم تکلیف خود عزبها را.

آیه اول: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ...»^{۱۷} «ایامی» جمع «ایم» به معنای عزب، دختر بی شوهر و پسر بی زن است. دخترهای بی شوهر را شوهر دهید: «... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»^{۱۸} نگو فقیر است. حقوقش کم است، بهانه گیری مکن، مگر می خواهی خرید و فروش کنی؟ همین که طرف، دین داشته باشد کافی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «این جوانی که برای ازدواج نزد تو به خواستگاری آمده و از لحاظ دین و اخلاق مناسب است، به او

^{۱۷} (۱) - نور: ۳۲ ..

^{۱۸} (۲) - نور: ۳۲ ..

دختر بده و گرنه از کسانی هستی که فساد را در زمین نشر داده‌ای».^{۱۹}
لذا بعضی از فقها، مثل محقق اردبیلی در کتاب زبدۀ البیان در احکام
قرآن می‌فرماید: «ظاهر امر، وجوبی است (انکحوا) و ایرادهای زیادی
در امر ازدواج، بی‌جاست».^{۲۰} دستور خود این جوانها، پسرها و دخترها،
یک آیه هم برای آنها:

«وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...».^{۲۱}

ای دختری که چهارده یا پانزده سال داری و هنوز به شوهر نرسیده‌ای،
بر تو عفت واجب است، مبادا خدای نکرده در حرامی بیفتی.

(۱) - نور: ۳۲ ..

(۲) - نور: ۳۲ ..

(۳) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۷۶ / ح ۱ ..

(۴) - زبدۀ البیان فی احکام القرآن: ۵۰۵.

(۵) - نور: ۳۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۲۶

ای جوان بیست ساله! حالا که برایت عیال میسر نشد، عفت را از کف
نده. نسبت به مقدماتش، امر، استحبابی و نسبت به خود عفت از حرام،
امر، وجوبی است.

^{۱۹} (۳) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۷۶ / ح ۱ ..

^{۲۰} (۴) - زبدۀ البیان فی احکام القرآن: ۵۰۵.

^{۲۱} (۵) - نور: ۳۳ ..

عفت نسبت به نتیجه، امر، وجوبی است، اگر خدای نکرده زنی را دید و دنبالش افتاد و کار را به جاهای باریک رسانید، خلاف امر وجوبی مرتکب شده است؛ اما مقدماتش. عفت نفس، مقدمات دارد و یکمرتبه، عفت نفس پیدا نمی‌شود. تا هنوز زن نگرفتی، از هر چه موجب تهییج می‌شود، ماده شهوتی را زیاد می‌کند، باید کناره‌گیری.

تکلیف پدر و مادرها

خداوند، زن را قرار داده است برای انس مرد: «... لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»^{۲۲} آیا عدل است که دختر و پسر در سن بیست سالگی ازدواج کنند؟ دختر و پسر در اول بلوغ، حق ازدواج دارند.

قرآن کریم می‌فرماید: «اگر تهدست باشند، خداوند آنان را از بخشش خود بی‌نیاز می‌فرماید».^{۲۳}

سابق هر جا که برای عقد می‌رفتید گفتگویی که می‌شد عمده‌اش این بود که: آیا این جوان دین دارد یا نه؟ ایراد گیرهای بی‌جا در امر ازدواج، تمام غلط است. فقط تکیه شما تقوا باشد.

بنابراین، تکلیف پدر و مادرها این است که در ازدواج فرزندان‌شان کوتاهی نکنند. دختر هنگامی که موقع شوهر کردنش

(۱) - روم: ۲۱.

(۲) - «... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» نور: ۳۲..

^{۲۲} (۱) - روم: ۲۱.

^{۲۳} (۲) - «... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» E\ نور: ۳۲..

ازدواج اسلامی، ص: ۲۷

است، اگر خواستگاری پیدا شد، بر تو واجب است ایراد نگیری و گرنه ظالم هستی.

روایتی که در کتاب نکاح وسائل است که: «دختر به منزله میوه سر درخت است؛ وقتی که رسید، باید آن را چید و گرنه فاسد می شود»^{۲۴} (میوه رسیده را رها کردن تا فاسد شود، ظلم است).

دختری که به حدّ رشد و بلوغ رسیده و جوانی مناسب پیدا شده، حق نداری به بهانه این که هنوز دیپلمش را نگرفته، مانع ازدواجش شوی. چه بسا خود دختر در دلش غوغاست. به دخترت ظلم می کنی همان طور که به پسر ت ظلم می کنی. چه دخترها و پسرهایی هستند که به واسطه ظلم پدر و مادرها به انحراف کشیده شدند.

نشانه‌های بلوغ از نظر شرع

بلوغ به یکی از این سه چیز شناخته می شود:

۱- تمام شدن پانزده سال قمری در پسر و نه سال در دختر.

۲- روئیده شدن موی زبر، بر عانه.

۳- خارج شدن منی به احتلام یا غیر آن.

سادگی در ازدواج

^{۲۴} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۶۱ / ح ۲ ..

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن که وحی رسید دخترت را با علی عقد کن، خود امیرالمؤمنین هم حیا می کند و از حیث جهات مادی هیچ چیز ندارد، بالأخره رسول خدا صلی الله علیه و آله خودش عقد را منعقد کرد. پس از

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۶۱ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۲۸

آن فرمود: «یا علی! برای عروسی دخترم فاطمه چه داری؟».

گفت: «یا رسول الله! زرهی دارم که موقع جنگ می پوشم و شمشیری دارم که در جبهه جنگ به کار می برم و شتری هم دارم برای آبکشی».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی! شمشیر که لازم است، در جبهه جنگ باید داشته باشی و شتر هم برای کسب معیشت لازم است، ولی زره فعلاً لزومی ندارد، زرهت را بفروش و خرج عروسی ات کن».^{۲۵} نظرم نیست احتمالاً سیصد درهم فروخت. آن وقت جهیزیّه حضرت فاطمه را از پول علی قرار داد و فرمود: «کیست برود و وسایل زندگی برای فاطمه بخرد».

ابوذر و سلمان و چند نفر دیگر رفتند وسایل را خریدند. از همان پول زره، همه را بردند منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد هم شب زفاف.

^{۲۵} (۱) بحارالانوار ۳۴ / ۱۲۷ / ح ۳۲.

روایتی دارد در بحار که: «فرش حجله، تخته پوست بود. مابقی فرش حجره آن شب، رمل؛ یعنی شن نرم که به رنگ قرمز بوده است».^{۲۶}

غرض، رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را به کی و به کجا داد؟ مسلمانها! شما این قدر دنبال مال نگردید. چشمتان را به دنیا نیندازید. دنبال تقوا بروید. دنبال اسم و رسم نباشید. جوانها! زن که می گیرید برای خدا بگیرید. برای حفظ دینتان بگیرید. برای حفظ عفتتان بگیرید. دختر هم کفو باید باشد. اگر تمام شؤون برای خدا باشد، آن وقت لذت زندگی را می فهمی.

(۱) بحارالانوار ۳۴ / ۱۲۷ / ح ۳۲.

(۲) همان / ۱۷۷ / ح ۲۵.

ازدواج اسلامی، ص: ۲۹

نمونه‌هایی از ازدواجهای تاریخ صدر اسلام

۱- ازدواج مقداد با ضباعه

قبیله قریش، اشرف قبایل عرب بود. پیغمبر صلی الله علیه و آله دختر زیر پسر عبدالمطلب (ضباعه)؛ یعنی دختر عموی خودش را برای مقداد - که از قریش نیست، سیاه چهره و در اجتماع شأنی ندارد - عقد بست و فرمود: «این کار را کردم برای این که امّتم یاد بگیرند و فامیل من و او کجا، نگویند».^{۲۷} موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست دخترش

^{۲۶} (۲) همان / ۱۷۷ / ح ۲۵.

^{۲۷} (۱) - قال [رسول الله صلی الله علیه و آله]: أیها الناس انما زوجت ابنة عمی المقداد لیضع النکاح (عیون اخبار الرضا: ۱ / ۲۸۹ بحار الأنوار: ۳۱ / ۳۵) ..

فاطمه را شوهر دهد، عبدالرحمان بن عوف، قارون امت به خواستگاری آمد و گفت: «اگر فاطمه را به من دهی، چنین و چنان می‌کنم، از درب خانه‌ات تا خانه خودم را حریر زیر پای زهرا علیها السلام فرش می‌کنم!»^{۲۸}.

(۱) - قال [رسول الله صلى الله عليه و آله]: أيها الناس انما زوجت ابنة عمي المقداد ليتضع النكاح (عيون اخبار الرضا: ۱ / ۲۸۹؛ بحار الأنوار: ۳۱ / ۳۵) ..

(۲) - دلائل الامامة: ۸۲ (نقل به مضمون) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۳۰

پیامبر فرمود: «فاطمه علیها السلام امرش با خداست»^{۲۹}. عجیب این جاست که ابوبکر و عمر هم تقاضا (ی ازدواج با فاطمه را) داشتند. از همه تهیدست‌تر به حسب ظاهر علی علیه السلام بود.

بعضی اصرار کردند و علی علیه السلام را آوردند تا رسیدند به این جا که پیامبر فرمود: «یا علی! دخترم را که می‌خواهی بگیری چه داری؟».

عرض کرد: «شتی، شمشیری و زرهی».

پیامبر فرمود: «شتی برای آبکشی و شمشیر، اسلحه‌ات می‌باشد و هر دو لازم است، پس زره را بفروش»^{۳۰}. با آن تفصیل که کم و بیش شنیده‌اید. پول زره را به بازار بردند، ظرف، کوزه، دستاس، پیراهن و اسباب مختصری

^{۲۸} (۲) - دلائل الامامة: ۸۲ (نقل به مضمون) ..

^{۲۹} (۱) - بحار الأنوار: ۴۳ / ۹۲ (با اندکی اختلاف) ..

جلو پیغمبر گذاردند. شب زفاف که دست فاطمه را به دست علی علیه السلام گذاشت، فرمود: «این امانت من است از او مواظبت کن».^{۳۰}

۲- ازدواج جویبر با ذلفا دختر رئیس قبیله

«جویبر» مرد جوان تازه مسلمانی است که در مدینه مانده تا دینش را نزد پیغمبر درست کند و در صفّهای که کنار مسجد بود، در میان فقرا جا داشت. گاهی نان و گاهی خرما و گاهی هر دو از طرف پیغمبر به او می‌رسید.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مورد لطف بیشتری قرار داد و پرسید:

(۱) - بحار الأنوار: ۹۲ / ۴۳ (با اندکی اختلاف) ..

(۲) - همان: ۹۲ - ۱۳۳.

ازدواج اسلامی، ص: ۳۱

«آیا میل ازدواج داری؟».

عرض کرد: «یا رسول الله! بلی امّا کی به من دختر می‌دهد؟ من که نه مال دارم و نه شأن و نه شکل».^{۳۱} حاصل روایت شریف این است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام، همه چیز را جبران می‌کند.

^{۳۰} (۲) - همان: ۹۲ - ۱۳۳.

^{۳۱} (۱) - الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة: ۲۴ / ۷۳ ..

مؤمن همشأن مؤمنه است (المسلم كفو المسلمه)^{۳۲} سیاه و سفید ندارد، عرب و عجم ندارد، همه یکنواخت است و میزان تقواست».

حضرت او را نزد زیاد بن لبید، - که از اشراف قبیله‌ای از قبایل اطراف مدینه بود - فرستاد و فرمود: «به او بگو پیغمبر مرا فرستاده که دخترت را به عقد من درآوری».

جویر اطاعت کرد و رفت در مجلس زیاد بن لبید چند نفر دیگر هم حضور داشتند و گفت: «پیغامی از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله برایت دارم، آیا در حضور دیگران بگویم یا خصوصی».

زیاد گفت: «زهی شرف از پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله مانعی ندارد در حضور دیگران بگویی».

گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترت ذلفا را به عقد من درآوری».

زیاد، یکه خورد و آنچه در دلش بود گفت: «تو همشأن ما نیستی، چگونه به تو دختر بدهم؟».

جویر برخاست که برود، گفت: «به خدا سوگند! آنچه تو

(۱) - الحقائق الناضرة فی احکام العترۃ الطاهره: ۷۳ / ۲۴ ..

(۲) - جواهر الکلام: ۱۰۷ / ۳۰ ..

^{۳۲} (۲) - جواهر الکلام: ۱۰۷ / ۳۰ ..

می گویی راه و روش اسلام نیست». آنگاه حرکت کرد.

دختر از پدرش پرسید: «کی بود؟ و جریان چه بود؟».

زیاد گفت: «جوان فقیری آمده بود و می گفت از پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و او را فرستاده است که تو را به او تزویج نمایم».

دختر گفت: «پدر! زود دنبالش برو تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت نکرده است او را بیاور».

عجب ایمانی داشت! نپرسید آیا مهندس است یا دکتر؟ حقوقش در ماه چقدر است؟ بلکه دین و تقوا را میزان می داند.

زیاد به دنبال جویبر رفت و گفت: «برگرد تا من خودم به مدینه بروم و ببینم آیا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده است یا نه؟!».

به مدینه آمد و جریان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«آری من او را فرستاده‌ام». برگشت و لباس مناسبی برای جویبر فراهم کرد، وسایل زندگی اش را نیز تهیه و خانه‌ای نیز برایش آماده کرد.

جویبر، شب عروسی نگاه به صورت دختر کرد و جمالش را دید در حجله، عدل را رعایت کرد و گفت: «ای خدایی که تو به من نعمت دادی، شکر تو مقدم بر هر چیزی است». و تا صبح، نماز و سجده شکر بجا

آورد و فردا نیز به شکرانه این نعمت، روزه گرفت، سه شبانه روز وضعش چنین بود.

روز سوّم زیاد خیلی ناراحت بود، خدمت پیغمبر آمد و گفت مثل این که این داماد اقتضای ازدواج ندارد.

پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی را به دنبالش فرستاد و از او پرسید: «مگر میل به زن نداری؟».

ازدواج اسلامی، ص: ۳۳

گفت: «چرا خیلی هم مایل هستم».

فرمود: «پس چرا از همسرت کناره گرفته‌ای؟».

عرض کرد: «به خاطر شکر این نعمت بزرگ، خواستم سه شبانه روز، شبها به طاعت به سر برم و روزها روزه بگیرم؛ اما از امشب به سراغش می‌روم».^{۳۳}

۳- ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام

وقتی که زهرا علیها السلام به مسجد آمد تا خطبه بخواند، چادری بر سر داشت که بر زمین کشیده می‌شد. داخل مسجد آمد. فوراً پرده زدند.

ملکه مجلّله اسلام پشت پرده خطابه می‌خواند؛ خطابه آتشین می‌خواند؛ موعظه می‌فرماید. با تمام رعایت عفت، در سنّ هیجده سالگی چه می‌کند. زن نمونه عالم است.

^{۳۳} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۴۰ - ۳۴۳ ح ۱ ..

حال که حرفم به این جا کشید به شما خانمها بگویم ببینید چه خبر است. برای ازدواج زهرا علیها السلام هر کس مال و ثروتی داشت، می آمد تا شاید این گوهر گرانهای اسلام نصیبش گردد تا جایی که عبدالرحمان بن عوف - که قارون آن زمان بود - آمد پیش رسول الله عرض کرد: «یا رسول الله! اگر دختری را به من بدهی، من از در حجره اش تا منزل خودم، فرش حریر می کنم، زهرا روی فرش حریر حرکت کند و بیاید خانه من، چنین و چنان می کنم، مهرش را چنین و چنان می کنم» و دیگران و همین طور.

(۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۴۰ - ۳۴۳ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۳۴

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اختیار دختر من با خداست، تا خدا چه خواهد؟!».

حالا علی چه داشت؟

ای آنهایی که وقتی خواستگار می آید می گویند: آیا مهندس است یا دکتر؟ از حال تصمیم بگیرد که اگر خواستگار آمد، اول پرسید که آیا نماز می خواند یا نه؟ سرمایه اش تقوا باشد. سعی کنید دخترتان را به شرابخوار ندهید. اگر کسی دخترش را به شرابخوار دهد، مثل این که به فاحشه گری داده است. نکند شرابخوار باشد. نکند قمارباز باشد، نکند تارک الصلوة باشد.

ازدواج اسلامی، ص: ۳۵

برکات معنوی تشکیل خانواده

تشکیل خانواده برای تربیت روحی انسان، ضروری است. با تحمل زحمت همسر داری و بچه داری، انسان تکامل می‌یابد. دستور شرع در این مورد، طبق طبیعت و غریزه است. کسانی که راه افراط و تفریط را می‌پیمایند، علاوه بر این که از دستورات شرع، سرپیچی نموده‌اند، خود را مبتلا به ناملایمات روحی و بدنی نموده، از برکات زندگی خانوادگی و تکامل معنوی - که خداوند در این امر قرار داده است - محروم نموده‌اند.

همسر نعمت خداست

از نعمتهای خدا «همسر» است که در چند جای قرآن، این نعمت را تذکر فرموده است. در کافی روایت شده است که: «پس از ایمان، هیچ نعمتی بالاتر از همسری که ایمان شخص را نگه دارد، نیست».^{۳۴} این زن، آیت خداست که اسباب آرامش و انس مرد است. زندگی

(۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۲۹ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۳۶

با زنی که با مهر باشد، نعمت بزرگی است. اما بعضی از کفران کنندگان، نعمت را از خدا ندیده و از همان اوّل، کفران می‌کنند. در مجلس عقد و همچنین عروسی که محلّ دعا و اجابت آن است، چون هنگام ریزش نعمت خداست، با گناهانی که مرتکب می‌شوند، خدا را کفران می‌کنند.

^{۳۴} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۲۹ / ح ۲ ..

لزوم پابندی به خانواده

سابقاً، وقتی دختری را شوهر می دادند، مادر، این حرف را به گوشش می خواند: «زن با چادر عروسی می آید، با کفن از خانه شوهرش بیرون می رود».

اما حالا می بینیم که به خصوص در کشورهای اروپایی مخصوصاً در آمریکا ازدواجها به سال کشیده نمی شود. اگر کسی آنچه در روزنامه ها نوشته می شود، جمع کند درباره حوادث زنان، تا سر سال، یک کتاب قطور هزار صفحه ای می شود. فقط کتابی بنویسند که امسال چند تا زن مورد جنایت واقع شده، چندین خانواده از هم جدا شده اند.

پاره ای از آداب شب زفاف

آدمی هر کاری می کند، باید برای خدا باشد؛ حتی پهلوی زنت هم که می روی، برای خدا باشد.

در فقه نوشته شده است که: «هنگام جماع، اول بگو: **بسم الله الرحمن الرحیم**».^{۳۵}

(۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۰۴ / ح ۴۴۱۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۳۷

جوانها! دیگر از ما گذشته است و نوبت شماست. هر کدامتان زن نگرفتید، شب عروسی تان خیلی کار می شود کرد. عروس مستحب است با

^{۳۵} (۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۰۴ / ح ۴۴۱۴ ..

وضو باشد. داماد باید با وضو برود در حجله. نه به عنوان دو حیوان نر و ماده به هم بچسبند. پیش از مواقعه مستحب است سجاد بگذارند که داماد، اول دو رکعت نماز بخواند، نماز شکر نعمت. این زن نعمت است که خدا به تو داده است: «... جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...»^{۳۶} خدای تعالی قرار داده است برای انس تو. برای بقای نسل تو. حفظ دین تو. اگر زن حلال نبود، چکار می کردی؟

نماز ليله زفاف را بخوان که یکی از مواقف اجابت دعاست. دعا مستجاب است.^{۳۷}

مناسب ترین وقت جماع

در مورد مسأله همبستری، حدیث ذیل از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نقل شده است:

«در ابتدای شب به بستر زنان نروید، چه در تابستان و چه در زمستان. عمل نزدیکی با زنان در آغاز شب زیان آور است؛ زیرا در آن هنگام، معده و رگها گرم فعالیت اند و عمل جماع، موجب قولنج و لقوه و فلج و لغزش خواهد شد و سنگ مثانه و فتق و اختلال ادرار و

(۱) - روم: ۲۱ ..

(۲) - حلیۃ المتقین: ۱۷۰ - ۱۷۱.

ازدواج اسلامی، ص: ۳۸

^{۳۶} (۱) - روم: ۲۱ ..

^{۳۷} (۲) - حلیۃ المتقین: ۱۷۰ - ۱۷۱.

ضعف چشم پدید خواهد آورد. اگر خواستی با زنی همبستری کنی، بگذار شب به آخر برسد. در سحرگاهان عمل جماع برای قوای بدنی، ملایم‌تر و سازگارتر و به خاطر انعقاد نطفه، مناسب‌تر و در تکوین جنین، اثری شایسته خواهد داشت؛ زیرا کودک را هوشیارتر به بار خواهد آورد.

پیش از آن که عمل جماع شروع شود، سزاوار است با همبستر خویش به بازی پردازی. سینه‌هایش را نوازش کنی و بر سینه و پهلوی با لطف، دست بمالی تا او نیز از نظر امیال جنسی آماده شود.^{۳۸} مقرر است که تا زن از آرایش (رگل) پاک نشود، به او نزدیک نشوی و پس از انجام جماع، از جا برنخیز و کمر راست مکن بلکه از پهلوی راست خود به بستر فرو غلط و لحظه‌ای آرام باش و بعد برخیز و ادرار کن. ادرار در این هنگام، مثانه را از آلودگی مواد رسوبی بشوید و تو را از ناراحتی مثانه در امان دارد، سپس حمام بگیر و فریضه غسل را ادا کن.

در مورد افزایش قوه باه و تقویت نیروی جماع، امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش می‌فرماید: «پیاز را خرد کرده و در روغن زیتون سرخ کن، تخم مرغ را شکسته در ظرفی بریز و نمک بر آن پاش و روی پیاز و زیتون ریخته مختصری بجوشان و سپس تناول کن».

امام موسی بن جعفر علیهما السلام نیز می‌فرماید: «هر که تخم مرغ و پیاز و زیتون بخورد، نیروی آمیزش او زیاد گردد».

(۱) - رسالة الذّهیّیه: ۶۴ - ۶۵ ..

^{۳۸} (۱) - رسالة الذّهیّیه: ۶۴ - ۶۵ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۳۹

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر که کدو با عدس بخورد، چون یاد خدا کند، قلبش به رقت آید و بر نیروی جماعش افزوده شود». علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، خوردن هویج نیز جهت تقویت قوه باه، توصیه شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «هویج، به نیروی آمیزش کمک می کند».

و در حدیثی دیگر می فرماید: «سرمه، به قوه باه و نیروی آمیزش کمک می کند».^{۳۹}

آداب آمیزش

«در زمستان و تابستان در اول شب، با زنان آمیزش نکن؛ زیرا که در این وقت، معده و عروق و روده ها پر بوده و جماع با این حال نیکو نمی باشد. و ممکن است عدم رعایت این دستور، موجب قولنج و فلج و سکتة خفیف و لرزش بدن و نقرس سنگ مثانه و کلیه و آمدن قطرات ادرار و فتق و ضعف چشم بشود. اگر خواستی جماع کنی، باید که در آخر شب باشد؛ زیرا که برای بدن سالمتر و برای منعقد شدن نطفه فرزندی، مؤثرتر و برای ذکاوت فرزندی که ممکن است از این جماع، متولد شود، مفیدتر باشد».

^{۳۹} (۱) - حلیۃ المتقین: ۶۷ ..

و با زن جماع نکن مگر آن که با او بازی کرده و ملاعبه زیاد بنمایی و پستانهای او را به خوبی مالیده و فشار دهی؛ زیرا اگر این کار را انجام دادی، شهوت بر او غلبه کرده و آب شهوتش تحریک و جمع می شود

(۱) - حلیۃ المتقین: ۶۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۰

برای این که عمده آب شهوت زن از پستانهای او بیرون می آید و در این حال است که آثار شهوت، در چهره او ظاهر گشته و به آمیزش تو رغبت پیدا می کند. همان طور که تو به او رغبت داری. و با زنان آمیزش مکن مگر که در حال پاکی (از حیض و امثال آن) باشند.

پس زمانی که از آمیزش فراغت پیدا کردی، باید برنخیزی و ننشینی و باید به پهلوی راست بخوابی، یا تکیه کنی و چون مقداری به این حالت باقی ماندی، باید از جایت برخاسته و بول کنی که ان شاء الله از بیماری مثانه و کلیه، محفوظ خواهی ماند. سپس باید غسل کرده و در همان زمان بنوشی از مومیایی با شربت عسل و یا بنوشی عسل خالص و صاف که این روش، باعث می شود آبی که از تو رفته است، دوباره در تو، تأمین شود.

بدان ای خلیفه! بهترین زمان برای جماع با زنان، زمانی است که قمر در برج حمل یا برج دلو باشد و بهتر از این زمان، زمانی است که قمر در برج ثور باشد؛ زیرا شرافت قمر در این برج است.

باری، هر که عمل کند به این دستوراتی که در نامه‌ام ذکر و بیان کردم، در امان مانده و تندرست خواهد شد به حول و قدرت الهی.

همانا خداوند است که عافیت می‌دهد به هر که بخواهد. سپاس و ستایش بر خداوند باد در اوّل و آخر و ظاهر و باطن».^{۴۰}

(۱) بحارالانوار ۲۶ / ۲۷.

ازدواج اسلامی، ص: ۴۱

اختلاط زن و مرد

در بیرون رفتن زن، یا کار کردنش در مواردی که جایز باشد، باید سعی کرد اختلاط و آمیزش با مردها پیش نیاید. دوش به دوش هم و درهم شدن با مردها خودش حرام نیست بلکه مکروه است.

در کتاب وسائل الشیعه چندین روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام است که می‌فرماید: «من به زن جوان ابتدا به سلام نمی‌کنم؛ چون می‌ترسم ضرری به من برسد بیش از ثواب سلام». ^{۴۱} علی علیه السلام که عین عصمت و ولیّ حقّ است، چنین می‌فرماید.

بالآخره غریزه جنسی جاذبه عجیبی دارد، ناگهان نظر به ریه و شهوت در کار می‌آید، از همان اوّل، سخن گفتن را ترک کن، سلام و تعارفات را کنار بگذار. دست دادن با زن بیگانه یقیناً حرام است؛ اما از روی دستکش

^{۴۰} (۱) بحارالانوار ۲۶ / ۲۷.

^{۴۱} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۲۳۴ ح ۳ ..

و حایل، هر چند جایز است اما آن را هم شخص باید برای جلوگیری از مفاسد بعدی ترک نماید.

البته اگر زن سلام کرد، جواب دادنش واجب است.

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۲۳۴ / ح ۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۲

سخن گفتن زن در جمع افراد نامحرم

سخن گفتن زن و به طور کلی صدای زن در جمع افراد نامحرم، عورت و ممنوع نیست. چیزی که حرام است، نازک کردن صدا و با عشوه و ناز سخن گفتن است که صریحاً در سوره احزاب می‌فرماید:

«... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...»^{۴۲}؛ ولی اگر زن به طور عادی حرف بزند، مانعی ندارد.

کار کردن زن در خارج از منزل

از نظر کار کردن در خارج از خانه، مانعی ندارد و زن می‌تواند در خارج از منزل کار کند؛ البته در صورتی که مزاحم حق شوهر نباشد و رعایت حجاب و عفاف را بنماید. اسلام امر فرموده که زن، زندانی در چهار حصار خانه باشد و آیه: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...»^{۴۳} که خطاب به زنهای پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در خانهایتان قرار بگیرید»، اشاره به حکم بعدش می‌باشد که می‌فرماید: «... وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

^{۴۲} (۱) - احزاب: ۳۲.

^{۴۳} (۲) - احزاب: ۳۳ ..

الأُولَى ...»^{۴۴} و بیرون نیاید برای خودنمایی و جنگجویی مانند زمان قبل از اسلام.

بنابراین، بیرون آمدن زن از خانه و کار کردن او در بیرون از منزل، اشکالی ندارد، آنچه اشکال دارد و حرام است، زینت خود را جلوه دادن و بیرون آمدن از خانه با زینت و آرایش است که موجب تحریک جوانها می شود. در روایت می فرماید:

(۱) - احزاب: ۳۲.

(۲) - احزاب: ۳۳ ..

(۳) - احزاب: ۳۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۳

«زنی که عطر بزند و از خانه اش بیرون بیاید تا برگردد، قدم به قدم و لحظه به لحظه لعنت خداوند بر اوست و بر شوهرش اگر به این وضع راضی باشد».

از صدر اسلام تاکنون زنها بیرون می آیند. در بعضی مسافرتها و غزوات، خود پیغمبر صلی الله علیه و آله بعضی از زوجات را همراه خود می برد و با این که جهاد بر زنها واجب نیست، در جبهه های جنگ حاضر می شدند و در کارهایی که از آنان بر می آمد مانند: مداوای زخمیها شرکت

^{۴۴} (۳) - احزاب: ۳۳ ..

می کردند و گاه نیز در تشویق مردها به هجوم و در سرزنش فراریان، نقش عمده‌ای را ایفا می کردند.

بنابراین، اگر زن به وجهه الهی بیرون بیاید، مانعی ندارد. با خدا باش و بیرون یا نه با شیطان.

زن و زیبایی

زن، نوعاً فکرش در زیبایی است. اصلاً در زیبایی و دنبال زیبایی رفتن، پرورش پیدا کرده است؛ بنابراین، حدّ ذکرش در این امور خلاصه می شود. اما مرد آن است که زن را بالا بیاورد، مثل خودش بنده خدا کند و از بندگی نفس و شیطان بیرونش بیاورد.

مروی است که: «خداوند مباحثات می فرماید به مردی که برای نماز شب برخیزد و همسرش را هم با خودش رو به خدا بیاورد».

زینت و آرایش

«زینت»، عبارت است از آن جمالی که زاید بر معمول و موجب

ازدواج اسلامی، ص: ۴۴

دلربایی باشد؛ یعنی چیزی که آدمی به آن علاقه پیدا می کند. هر چیزی که دل بشر را ربود، خواه زینت در لباس باشد یا در مسکن و شکل، می شود «زینت». وای از زینت در لباس! خصوصاً که تقلیدی باشد.

یادم افتاد در زمان جاهلیّت، می گویند دو هزار سال قبل، اعیان عرب، قبایی که می پوشیدند باید یک وجب خاک بلند کن داشته باشد مثل حالا. آن وقت غلام مخصوص داشتند که دمشان را بالا بگیرد تا خاک

بلند نکند، زینت برای مرد برخلاف عقل است بلکه زینت مخصوص زن، آن هم برای همسرش می‌باشد. مرد بزرگتر از آن است که بخواهد دلربایی کند. زینت زن هم اگر برای شوهرش شد ثمره آخرتش می‌شود و اگر برای دنیا شد، لعنت خدا بر زنی که زینت کند و در خیابان بیاید و نمایش دهد.

دو سه جمله‌ای گفته می‌شود، این روایت را از خاتم انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نقل کنم:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه بیرون آید تا برگردد، متصل لعنت ملائکه بر اوست تا برگردد».^{۴۵} هر چند عطر بزند و بخواهد بیاید در مسجد نماز بخواند. باید زن عطر بزند موقعی که می‌خواهد نزد شوهرش برود. تو که می‌گویی: «و القرآن کتابی» قرآن می‌فرماید:

«... لَا يُدِينُ زَيَّنَّهِنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...».^{۴۶}

(۱) - خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که این صحبتها را مؤلف شهید در سال ۱۳۷۹ ه. ق یعنی حدود بیست سال قبل از انقلاب ایراد فرموده‌اند.

(۲) - نور: ۳۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۵

«حرام است زن زینتش را آشکار کند مگر برای شوهر و جلوی محرم».

^{۴۵} (۱) - خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که این صحبتها را مؤلف شهید در سال ۱۳۷۹ ه. ق یعنی حدود بیست سال قبل از انقلاب ایراد فرموده‌اند.

^{۴۶} (۲) - نور: ۳۱ ..

روایتی دارد که: «دوره آخر الزمان، زمانی می آیند که چند صفت برایشان ذکر شده: یکی سرهایشان و موهایشان مثل کوهان شتر است.

آن وقت کاشفات عاریات؛ لباس پوشیده اند؛ اما مثل این که نپوشیده اند، نازک است. فی الفتن داخلات؛ به شهوات مایلند. در فتنه ها سر درمی آورند، آخرش هم فی جهنم خالداً، در دوزخ ماندگانند».^{۴۷} زینت خوب است، اگر جهت الهی باشد که چنین امر شده است.

زن هر چه بتواند زینت کند برای شوهرش. خانمها، واجب است بر شما با شوهرانتان آنقدر دلربایی بکنید که هیچ زنی نتواند دل او را ببرد. لعنت خدا بر زنی که شوهرش را برنجاند. تا رنجید، کسی دیگر دلش را می برد. زینت تو برای شوهرت مثل زینتهای منحوسه نیست.

تمام ثواب اخروی برای تو نوشته می گردد که خودت را زینت کرده ای برای شوهرت تا مبادا شوهرت در حرام بیفتد. از آن طرف هم مستحب است هر مردی هم زن جوانی گرفت، او هم زینت بکند؛ چون هدف صحیح است، به غرض صحیح است که زنش میل به مرد دیگر نکند، از اجنبی، تا می توانی خودت را نگه دار.

زینت کردن زن

زن، هر چه زینت است رخصت دارد؛ اما به شرطی که اسراف

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۵ / ح ۵ ..

^{۴۷} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۵ / ح ۵ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۶

نکند و برای غیر شوهر و محارمش زینتش را آشکار نکند. آرایش نکند بلکه امر هم شده است که آرایش کند؛ ولی برای شوهرش.

لعنت خدا به آن زنی که آرایش کند برای بیگانه، به خیابان بیاید، چشمهای ناپاکی را به دنبال خود بیاورد. زینت، بر زن حلال است اما به شرطی که مفسده نداشته باشد و گر نه رخصت نیست، جای نهی است.

نوعاً از غلطهایی که در میان زنان رایج است عوض این که آرایش برای شوهرشان باشد وقتی که جایی می خواهند بروند، زینت می کنند!!

از غلطهای دیگر، آرایش کردن عروس و در خیابانها گرداندن است. این دختر را برای یک نفر آرایش کرده اند، او را در مجلس عقد در حضور یک عده جوانهای نامحرم می آورند، این حرام است.

چشم چرانی

در مورد عفت نفس از جهت فرج؛ یعنی امور جنسی، شخص باید از میزان شرع و عقل، رد نشود. کسانی که دسترسی به عیال ندارند، باید خودشان را نگه دارند. در روایت می فرماید: «پشت سر زن بیگانه هم نگاه نکن. اگر به چشم تو خورد، تکرار گناه مکن. شوخی با زن بیگانه مکن. مصافحه با زن بیگانه مکن».

از حضرت داوود است که: «نگاه پشت سر شیر بکن؛ ولی پشت سر زن بیگانه نگاه مکن».^{۴۸}

^{۴۸} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۲۷۵ / ح ۶ (در مأخذ به جای نگاه کردن، راه رفتن دارد) ..

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۲۷۵ / ح ۶ (در مأخذ به جای نگاه کردن، راه رفتن دارد) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۷

چون پشت سر شیر احتمال دارد که خطری به تو نرسد؛ ولی زن را که بنگری حتماً بلایی بر سرت می‌آید. اگر بخواهی چشم چرانی بکنی، حیوانی هستی.

بانوان و لزوم پرداخت صدقه

در روایت دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو کرد به زنهای صدر اسلام و فرمود:

«تصدقن فإنَّ اکثرَ كنَّ حطب جهنم».^{۴۹}

«شما زن‌ها باید خیلی صدقه بدهید تا سپری بشود برای جهنمتان. چرا؟ زیرا که بیشتر شما جهنمی هستید».

یکی از زن‌ها گفت:

«یا رسول الله! مگر ما زن‌ها چکار کرده‌ایم که بیش از مردها جهنمی باشیم؟».

رسول خدا صلی الله علیه و آله دو جمله فرمود: «اول آن که: شما زن‌ها خیلی از خداوند ناراضی و شاکی هستید».

^{۴۹} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۷۵ / ح ۲ ..

کدام زن (یا مرد زن صفت) است که شکر خدا بکند؟ خیلی از خدا غافل هستید. این همه خدا نعمت داده است، نمی بینید. مثل حالت بچگی مثلاً بچه پنج- شش ساله چقدر پدر برایش زحمت کشیده، یک دفعه می گوید پول به من بده مثلاً چاقو بخرم که شاید دعوایم بشود یا بچه دیگر، پدر نصیحتش می کند و اگر به او پول نداد،

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۷۵ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۸

ناراحت می شود.

در روایت دارد: «هر گاه زنی به شوهرش بگوید من در خانه تو خیری ندیدم، تمام کارهایش حبط (و باطل) می شود».

برای چه کفران نعمت می کنی؟ خدا به توسط شوهرت چه خیرها به تو رساند. دیگر قهر کردن و بچه ها را بی سرپرست گذاشتن برای چه؟

برگردیم به روایت:

علت جهنمی شدن بیشتر زنها کفران نعمت و شکر خدا نکردن است.

دومین چیزی که برای زنها فرموده در این روایت: «انکن تکفرن العشیر»^{۵۰} «عشیر» به «شوهر» ترجمه شده است. از معاشرت است.

شوهرهایتان به شما حق دارند. نسبت به شوهرهایتان ادای حق نمی کنید، آن طوری که سزاوار است، لذا مستحق عذاب هستید؛ مثلاً در

^{۵۰} (۱) - مسند احمد: ۳ / ۳۱۸ ..

غیاب شوهر، نگاه به مرد اجنبی کردن. لعنت خدا بر زنی که دست به دست مرد اجنبی بدهد! فرمود: «هر زنی که چشمش را پر کند از غیر شوهرش، روز قیامت دو میخ آتشین در دو چشمش خواهند کرد». به هر حال؛ اجمالاً باید حق شوهر را ادا کرد. مال (و ثروت) شوهرتان، زیر دستتان امانت است. وای اگر یک درهم بدون رضای شوهر تصرف کنی! نعوذ بالله!

(۱) - مسند احمد: ۳ / ۳۱۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۴۹

حرمت ازدواج با شرابخوار

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که شراب را پس از آن که خداوند به زبان من حرام فرمود، بنوشد شایسته نیست هنگامی که به خواستگاری بیاید، با او ازدواج شود و شفاعتش پذیرفته نیست و گفتارش نباید مورد تصدیق و گواهی واقع شود و نباید او را امین دانست و کسی که او را مورد اطمینان دانسته و چیزی به دستش بسپارد، از خداوند برای او ضمانی یا عوض و پاداشی نیست». ^{۵۱} و فرمود: «کسی که دخترش را به شرابخواری بدهد، پس با دخترش قطع رحم کرده است». ^{۵۲}

^{۵۱} (۱). وسائل الشیعة: ۲۵ / ۳۱۱ ح ۵.

^{۵۲} (۲). همان / ۳۱۲ ح ۷.

نیز فرمود: «کسی که دخترش را به شرابخواری تزویج کند، مثل این است که دخترش را برای زنا دادن از خانه بیرون کرده است».^{۵۳} و نیز فرمود: «اگر شرابخور مریض شد، به دیدنش نروید و اگر بمیرد به جنازه‌اش حاضر نشوید».^{۵۴}

(۱). وسائل الشیعة: ۲۵ / ۳۱۱ / ح ۵.

(۲). همان / ۳۱۲ / ح ۷.

(۳). من لا یحضر الفقیه: ۴ / ۵۸ / ح ۵۰۹۱.

(۴). وسائل الشیعة: ۲۵ / ۳۱۲ / ح ۸.

ازدواج اسلامی، ص: ۵۰

وظایف زن و شوهر نسبت به همدیگر و حکم طلاق

وظایف زن نسبت به شوهر

زنی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:
«حقوق شوهر چیست؟».

حضرت فرمود: «آن است که در هر حال از اطاعت او بیرون نباشد.
بدون اذن و رضایتش از خانه‌اش بیرون نرود. بدون رضایتش از مال او
خرج نکند».

^{۵۳} (۳). من لا یحضر الفقیه: ۴ / ۵۸ / ح ۵۰۹۱.

^{۵۴} (۴). وسائل الشیعة: ۲۵ / ۳۱۲ / ح ۸.

همین طور پیغمبر صلی الله علیه و آله شمرد که این زن گفت: «یا رسول الله! عهد کردم با خدای خودم که زیر بار این تکلیف نروم. شوهر نمی‌کنم و خود را گرفتار این حقوق نمی‌سازم».^{۵۵} و راستی کمتر زنی است که در مدت عمر زناشویی‌اش، حقوق شوهر را کاملاً ادا کرده باشد؛ مثلاً از جمله حقوقش، حفظ مال اوست. تفریط نکند. مال شوهرش را ضایع نسازد. حضور و غیابش فرق نکند. بدون اجازه‌اش از مالش چیزی به کسی ندهد یا تصرف

(۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۳۸ / ح ۴۵۱۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۵۱

نکند و دیگر حق شوهر آن است که برایش آرایش کند، بدون شک بر زن حرام است که برای غیر شوهرش و مردان بیگانه آرایش کند و حق شوهرش را ضایع سازد.

چندین روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که: «زن قبل از آمدن شوهرش، خودش را آرایش کند». این حق خاص، مربوط به عنوان زوجیت است.

مروی است: «اگر زنی تمام مدت عمرش خدمتگذاری و تمکین از شوهرش بکند ولی به شوهرش بگوید: در خانه تو خیری ندیدم، همه آن خدماتش را ضایع ساخته است».^{۵۶} زن باید احترام شوهرش را نگهدارد. شوهرش را بزرگ بدارد.

^{۵۵} (۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۳۸ / ح ۴۵۱۳ ..

^{۵۶} (۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۴۰ / ح ۴۵۲۴ ..

شکایت شوهرش را به پدر و مادرش نبرد که نزاع راه بیندازد. باید گذشت داشته باشد. مبادا راز شوهرش را فاش کند و گرنه ظالم است. عدل در زندگی با شوهر را باید رعایت کند. مال شوهر را ضایع نکند. آبرویش را حفظ نماید و گرنه ظالم است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی به زنها خطاب می‌فرماید: «صدقه بدهید که آتش را برای خودتان آماده کردید، چون شما کافرید به حق همسرانتان».^{۵۷} نمی‌خواهم تفصیل حق زوج و زوجه را عرض کنم بلکه خواستم عرض کنم چه زن و چه مرد باید مواظب باشند حقوق طرف مقابل را ضایع ننمایند.

(۱) - من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۴۴۰ / ح ۴۵۲۴ ..

(۲) - مسند احمد: ۳ / ۳۱۸؛ وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۷۵ - ۱۷۶ / ح ۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۵۲

عذر خواهی حضرت زهرا از علی علیهما السلام

در رأس تمام زنان عالمیان سیده نساء حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خانه علی علیه السلام آمد و نه سال هم ماند و هیجده ساله بود که از دنیا رفت.

همه شما از زندگی زهرا در خانه علی علیه السلام و آخر کارش اطلاع دارید. نسبت به بچه داری و مواظبت خانه و زحمتهایی که متحمل

^{۵۷} (۲) - مسند احمد: ۳ / ۳۱۸؛ وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۷۵ - ۱۷۶ / ح ۳ ..

می شد، کم و بیش آگاه هستید. با فقر علی علیه السلام می ساخت و صبر می کرد.

در آخرین ساعات عمرش، رو به علی علیه السلام کرده و عرض می کند: «در این مدّتی که در خانهات بودم هر نوع خلاف حقّی از من سر زده است، مرا حلال کن».

آیا زهرا علیها السلام می خواهد تعارف کند؟ نه، بلکه دقّت در حساب است. می بیند آن طوری که سزاوار بود حقّ علی علیه السلام را ادا کند، شاید نکرده باشد. لذا دست به دامنش می شود. از آنچه کوتاهی احتمالی داشته است، پوزش می طلبد.

اطاعت زن از شوهر

از جمله کسانی که اطاعت امرشان، اطاعت خدا و رسول است، چون امر ایشان می باشد اطاعت زن از شوهر است؛ چنانچه در قرآن مجید می فرماید:

«مردان قیام کنندگان و کارگذاران بر امور زنانند و این به سبب زیادتی است که خدا به مردان نسبت به زنان داده است (که آن عبارت است از زیادتی عقل و حسن تدبیر و زیادتی قوّه و فهم و غیر اینها) و

ازدواج اسلامی، ص: ۵۳

به واسطه آن چیزی که نفقه می نمایند بر زنها (از مهر و خوراک و مسکن و لباس)، پس زنهای صالحه اطاعت کنندگان خداوند و در قیام نمودن به حقوق شوهران خود، در غیاب شوهر نگاه دارنده اند، (عفت و عصمت و

حفظ خود از مرد اجنبی و در ضبط و حفظ مال شوهر)^{۵۸}. و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مروی است که: «جایز نیست برای بشری که بشر دیگری را سجده نماید و اگر جایز بود، هر آینه زن را امر می‌کردم که شوهر خود را سجده نماید».^{۵۹}

وجوب تمکین در امر زناشویی

اخبار وارده در لزوم اطاعت زن از شوهر بسیار است، ولی باید دانست هر چند تحصیل خشنودی شوهر در جمیع امور، مستحب و مرغوب و برای زن، بهترین عبادات است لکن قدر مسلم از وجوب اطاعت شوهر در آنچه راجع به بهره‌برداری زناشویی و با اجازه او از خانه بیرون رفتن است (هر چند برای دیدن یا عیادت والدین باشد) و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود تا وقتی که بر می‌گردد، ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب، او را لعنت می‌نمایند.^{۶۰}

انفاق زن با اذن شوهر

نیز تحصیل اذن شوهر در انفاقهای مستحبی که از مال خودش

(۱) - نساء: ۳۴. ۲- فروع کافی: ۵/۵۰۸/ح ۶..

(۲).

(۳) - من لا یحضره الفقیه: ۳/۴۳۸/ح ۴۵۱۳..

^{۵۸} (۱) - نساء: ۳۴. ۲- فروع کافی: ۵/۵۰۸/ح ۶..

^{۵۹} (۲).

^{۶۰} (۳) - من لا یحضره الفقیه: ۳/۴۳۸/ح ۴۵۱۳..

ازدواج اسلامی، ص: ۵۴

می‌کند لازم است و در نذر زن به طور کلی، شرط صحّتش اذن شوهر است. بلی در انفاقهای واجب از قبیل: حجّ واجب، زکات، خمس، نیکی به والدین و ارحام، اذن شوهر لازم نیست بلکه اگر نهی هم بکند، به نهیش لازم نیست ترتیب اثر بدهد.^{۶۱} و بالجمله هر گاه زن، برای اطاعت امر پروردگارش، از شوهر اطاعت نماید، در اموری که گذشت، واجب یا مستحب، قطعاً از خدا و رسول پیروی کرده و بهترین عباداتش می‌باشد.

آزار به همسر

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر که زنی دارد که او را می‌آزارد، خداوند نمازها و کارهای نیک آن زن را نمی‌پذیرد تا وقتی که حقّ شوهرش را ادا کند و او را از خود خشنود سازد هر چند تمام روزها، روزه باشد و بنده‌ها را آزاد کند و مال فراوان صدقه دهد، او اوّل کسی است که داخل جهنّم می‌شود».

سپس فرمود: «هر مردی که زن خود را آزار رساند، برای اوست آنچه درباره زن گفته شد و هر کس بد رفتاری زنش را تحمّل کند و مزد صبر خود را از خدا بخواهد، برای اوست در هر مرتبه‌ای که صبر می‌کند، مثل آنچه به حضرت ایوب برای صبرش داده شده و برای آن زن است از وزر در هر شبانه روزی مانند ریگهای بیابان. و اگر بمیرد پیش از آن که شوهر را از خود راضی سازد، سرنگون وارد جهنّم می‌شود و با منافقین در پایین‌ترین درکات جهنّم. و هر که زنی دارد که

^{۶۱} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۳ / ۳۱۵ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۵۵

با او موافقت نمی کند و بر آنچه را که شوهر نفقه می کند، صبر نمی نماید و بر شوهرش سخت می گیرد و او را وادار به آنچه طاقت ندارد می کند، خداوند از او کار خیری که آتش را از او دور می سازد، نمی پذیرد و تا وقتی که چنین است بر او غضب می فرماید».^{۶۲}

حرمت سقط جنین

بچه ای که در رحم مادر باشد و کشته شود، در حکم قتل نفس، با دیگران مساوی است. و دیه قتل او مانند بزرگسالان است هر چند کشته شده، پدر یا مادر باشد؛ مثل این که مادر، دوايي بخورد یا کاری بکند که بچه را بیندازد. در این صورت، تمام عقوبت های مزبور، برای او خواهد بود و دیه قتل نفس؛ یعنی هزار مثقال طلا باید پردازد؛ البته خودش به سبب جنایتی که مرتکب شده، از این پول سهمی نمی برد و به سایر ورثه طفل می رسد.

از بین بردن نطفه

از آنچه ذکر شد دانسته می شود که در شرع مقدس اسلام، چقدر درباره زندگی و حیات انسانی، ارزش و اهمیت قایل شده است که درباره هیچ موضوعی این قدر سفارش فرموده و تأکید نکرده حتی از بین بردن ماده تکوین انسانی؛ یعنی نطفه پس از استقرار در رحم را حرام فرموده و

^{۶۲} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۶۳ - ۱۶۴ / ح ۱ ..

برای آن دیه معین کرده به این تفصیل که اگر نطفه باشد، شصت مثقال طلا و اگر استخوان بندی شده باشد، هشتاد

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰/۱۶۳ - ۱۶۴ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۵۶

مثقال و اگر جنین شده؛ یعنی گوشت آورده ولی روح هنوز در او دمیده نشده، صد مثقال و اگر روح در او دمیده شده باشد و پسر بوده، هزار و اگر دختر بوده، پانصد مثقال طلا بر کسی که سبب سقط گردیده، هر چند پدر یا مادر باشد، واجب می شود.

و در صورتی که زن آبستن بمیرد و بچه اش زنده باشد، واجب است فوراً پهلوی او را شکافته، بچه را بیرون آورند و مسامحه کردن حرام است و اگر به واسطه تأخیر در بیرون آوردن، بچه تلف شود، بر کسی که سبب تأخیر شده، دیه واجب است.

وظایف شوهر نسبت به زن

وظیفه شوهر نسبت به زن این است که به او نفقه بدهد. خوراک و لباس و مسکن را مطابق عرف و شأن زن بپردازد. به حسن خلق با او رفتار نماید. نباید سر به سر زن بگذارد و او را زجر دهد. او هم حق دارد که با او خوش رفتاری شود.

مردها چطور می توانند اطمینان داشته باشند حق عیال را رعایت کرده اند، در معاشرت، با تندی و حدّت سرو کار پیدا کردی یا نه؟ به

جای این که به دستور قرآن با آنها با حسن سلوک رفتار نمایی؟ کیست
بتواند ادعا کند حالا که می‌خواهم بمیرم حق عیالم بر عهده‌ام نیست؟

عدل با همسر خیلی مشکل است. باید با زن رفیق و مدارا کرد. زن لطیف
و رقیق است. نباید سر به سرش گذاشت. سوء ظن به او نبرد.

مبادا رنجشی پیدا شود. خدا زن را اسباب انس تو قرار داده است. اگر
برخلاف محبت و رفیق، با او رفتار کردی، ظالم هستی. زن سزاوار

ازدواج اسلامی، ص: ۵۷

رحمت و محبت است. غیر از این، «وضع شیء فی غیر محلّه» است.

طلاق قبل از اسلام

در زمان جاهلیت قبل از اسلام، اگر مردی به زنش می‌گفت: «انت علیّ
کظهر امّی؛ تو نسبت به من، مثل پشت مادرم هستی»، این سخن، به منزله
طلاق بود. آن هم با اثر عجیبی که در عرف آن روز بر آن مترتب بود؛
یعنی برای همیشه زن بر شوهرش حرام می‌گردید.

وجه مناسبتی هم برای طلاق بودن این جمله ذکر شده است.

بعضی گویند: وقتی به همسرش بگوید تو مانند عضو مادر من هستی،
همان طور که مادر بر شخص حرام است، او هم حرام می‌گردد.

یا تعبیر از «پشت» به مناسبت مرکب است. مرکب بودن تو مثل مرکب
بودن مادر است که حرام و قبیح است.

به هر حال، این نوع طلاق در جاهلیت، شدیدترین طلاق به شمار می‌رفته است و انواع دیگر نیز داشته که اظهار طلاق ابدی بوده است و مرد، دیگر هرگز به زنش دسترسی نداشته است.

حکم اسلام درباره طلاق

اما با طلوع نور اسلام و بعثت حضرت خاتم الانبیاء، تدریجاً و به مناسبت موقعیتهای مختلف، احکام اسلام نازل گردید و همچنین حکم اظهار که در سه آیه از سوره شریفه «مجادله» بیان شده است.

در این آیات، نخست خداوند تبارک و تعالی این معنا را از ذهنها بیرون می‌فرماید که با گفتن تنها، حقیقت پیدا نمی‌شود. این که شخص به همسرش بگوید: «تو به منزله پشت مادر من هستی»، آیا

ازدواج اسلامی، ص: ۵۸

واقعاً چنین می‌شود؟

این عادت جاهلیت، حرف غلطی بوده است. کسی که به زنش اظهار می‌کند و می‌گوید:

«انت علیّ کظهر امّی؛ تو مثل پشت مادر من هستی»، زن کجا و مادر کجا؟ زن بر شوهرش حلال ولی مادر حرام است، به حرف گفتن و به منزله مادر من هستی که مادر نمی‌شود.

«الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ...».^{۶۳}

^{۶۳} (۱) - مجادله: ۲ ..

«کسانی که از شما با همسرانتانظهار می کنید، ایشان مادرانشان نیستند (مگر به گفتن تنها، مادر می شود و حرام ابدی؟)».

«... وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا...»^{۶۴}.

«و به درستی که ایشان گفتار زشت و دروغی را می گویند».

این حرفی که می زنند راستی زشت است، نه عقل آن را می پسندد و نه شرع. کی گفت این حرف را بزنید؟ و کی گفت این اثر بر آن مترتب است؟ یعنی زن به خانه شوهرش حرام ابدی می شود؟

این عادت زمان جاهلیت را که خداوند امضا نفرمود، چرا مسلمان چنین کاری بکند؟

طلاق که از نظر اسلام اثر داشته باشد، محدود و مشخص است و در تحت شرایط خاصی بیان شده، نه طلاق جاهلیت که با این جمله زشت از هم جدا شوند، آن هم جدایی همیشگی که دیگر رجوع و بازگشتی در کار نباشد.

این گفتار ناشایست و دروغ، از نظر اسلام هر چند موجب طلاق

(۱) - مجادله: ۲ ..

(۲) - مجادله: ۲ ..

ابدی و حتی طلاق حقیقی موقتی نیز نمی‌شود؛ ولی گفتاری حرام است که اگر مسلمان مرتکب شد، باید تنبیه شود و با دادن کفاره جبران این غلط را بنماید.

به واسطه گفتن این جمله، زن بر شوهرش موقتاً حرام می‌گردد مانند حرام بودن در حال حیض که آمیزش جنسی در آن حال با او حرام است؛ اما نظر کردن به او مانعی ندارد؛ چون ظاهر، طلاق نیست.

باید با پرداختن کفاره، این گفتار زشت و دروغ را جبران نماید، آن وقت همسرش بر او حلال می‌شود و می‌تواند آمیزش جنسی کند.

نکته مهمّ که باید دانست این که: آنچه از حرام شدن زن بر شوهرش به واسطه ظاهر ذکر شد، به شرطی است که شرایط طلاق در آن جمع باشد؛ یعنی در حضور دو نفر عادل که این جمله را بشنوند، در وقتی که زن در حال حیض باشد و در طهر لایجامع باشد؛ یعنی در آن پاکی که در آن با او جمع نشده باشد. در صورتی که این شرایط جمع بود، آن وقت به واسطه این جمله: «**انت علیّ کظهر امّی**» زن بر مرد حرام می‌شود تا وقتی کفاره بدهد و گرنه این گفته، لغو و بیهوده است و اثری بر آن مترتب نیست.

ازدواج اسلامی، ص: ۶۰

ازدواج در بهشت

در بهشت هم نکاح و مواقعه هست؛ ولی نه مثل دنیا که کثافتکاری باشد. لذّت بیشتر هست اما لذّت روحانی. این جا غفلت است و آن جا تمام ذکر است. چه لذّتهایی که خداوند برای مؤمنین ذخیره فرموده است.

بی خود نیست که در دعاها این طور رسیده که خداوندا! حور را به من تزویج فرما:

«و زَوْجَنی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ».^{۶۵}

بعضی از زنها می گویند که برای مردها «و زَوْجَنی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ» است، برای زنها چیست؟

پاسخشان این است که تزویج به معنای اتصال و جفت شدن است. خدایا! مردان را به حور پاکی که یاد تو در وصال آن است، برسان. برای زنها هم همین است. تزویجی که آنها را به یاد خدا می اندازد.

مروی است پیره زنی نزد پیغمبر آمد و عرض کرد: «یا رسول الله!

(۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۷۶ / ح ۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۱

دعا بفرمایید بهشتی شوم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان مزاح فرمود: «پیره زن به بهشت نمی رود».

پیره زن بیچاره ناراحت شد و التماس کنان عرض کرد: «پس من چکنم؟».

^{۶۵} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۳۷۶ / ح ۷ ..

حضرت فرمود: «پیر جوان می‌شود و وارد بهشت می‌گردد».^{۶۶} وقتی وارد بهشت می‌شود، زن در سنّ شانزده سالگی و مرد ۳۳ ساله، در این حدّ الی الأبد می‌ماند.

تزوید با حور؛ یعنی همنشینی با او؛ بنابراین، برای زنها هم خواندن این دعا مانعی ندارد. خدایا! پاکم کن و به مقامی مرا برسان که بتوانم همنشین حور گردم.

اگر زنی بگوید: زن با حور نمی‌تواند ازدواج کند، پس تکلیف زنها چه می‌شود؟ زنها هم اگر بهشتی شوند و شوهرانشان هم بهشتی باشند، می‌توانند در آن جا نیز با هم باشند. و مروی است که عاقد آنها علیّ بن ابی طالب علیهما السلام است.

امّ المؤمنین ام سلمه از همسران پیغمبر در این باره چند روایت نقل می‌نماید که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: «زنهایی که دو شوهر کرده‌اند، در بهشت چه می‌شوند؟».

حضرت فرمود: «اختیار با خود زن است، با هر کدام از این دو شوهر می‌تواند ازدواج کند».

استیناس با همسران بهشتی، شغل و سرگرمی بهشتیان است.

(۱) - مستدرک الوسائل: ۸ / ۴۱۰ / ح ۹ (با اندکی اختلاف) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۲

^{۶۶} (۱) - مستدرک الوسائل: ۸ / ۴۱۰ / ح ۹ (با اندکی اختلاف) ..

حالا با حوریان یا زنهای مؤمنه که بهشتی هستند. هر زنی که بهشتی شد، در بهشت با شوهرش اگر بهشتی باشد، ازدواج می کند. حقیقت وصال و مواجهه در بهشت است. حورالعینی که خداوند او را مدح فرموده چشمهایشان از غیر شوهرانشان کوتاه است؛ یعنی نظری به غیر شوهر ندارند. شوهر دوست و شوهر خواه و شوهر شناسند.

نکته مهم این است که فرق است بین ازدواج در بهشت و دنیا.

کسی خیال نکند مثل هم است کاملاً متفاوت است. اولین تفاوت، مواجهه در دنیا علاوه بر کثافت دفع شهوت، غفلت آور است؛ اما مواجهه در بهشت، ذکر و یادآور است. غنا و آواز خوانی در بهشت، ذکر و تسبیح خداست. بهشتیان و همسرانشان و مخصوصاً اگر همسر دنیایش هم باشد؛ چنانچه خدا وعده داده است، همسران مؤمن به یکدیگر می رسند و از بعضی روایات چنین بر می آید که هر چند زن و فرزند در مقام پایین تر باشند، آنان را به شفاعت مؤمن به او ملحق می کنند. بهشتیان و همسرانشان در سایه ها یا بر روی تختها تکیه زنندگانند.

مروی است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که: «مؤمن در یک روز صد دختر باکره را در بهشت تصرف می نماید و (عجیب این است که) بلافاصله باکره می شود بدون این که برای دختر ناراحتی باشد»؛^{۶۷} چنانچه نسبت به خوراکش می فرماید: «برابر صد نفر در دنیا اشتها دارد بدون ناراحتیهای دنیوی».

از جمله چیزهایی که خداوند برای مؤمن در بهشت قرار داده و

^{۶۷} (۱) - لمالی الأخیار: ۴ / ۳۶۶ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۳

آن را به بزرگی ذکر فرموده، «حور العین» است و در این آیه شریفه که می‌فرماید:

«... وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینٍ».^{۶۸}

یعنی: «تزوج نمودیم حور عین را برای مؤمنین».

در ضمن آیه فهمانده شده که تزویج حور العین با مؤمنین، غیر از تزویج این دنیا است. من باب نمونه حدیث شریفی عرض کنم:

در بحار ذکر می‌کند از سعید بن مصیب که گوید: «دیدم در کوفه حضرت زین العابدین علیه السلام را که از حمام درآمده خود را پاک و پاکیزه نموده و با حنا محاسن شریف را خضاب کرده، لباس فاخری پوشیده و خود را معطر فرمود. عرض کردم کجا می‌روی؟ فرمود: می‌روم مسجد النبی نماز کنم. عرض کردم حالا موقع نماز نیست. فرمود: می‌خواهم خواستگاری حور العین نمایم».

بله انسان اگر از هر آلودگی ظاهری و باطنی و از هر گناهی و خلق زشتی پاک شد، شایستگی تزویج با آنها را پیدا می‌کند.

وصف حوریان بهشتی

«حور» به معنای «شدّت سفیدی چشم» است و سیاهی چشم حور العین هم مانند سفیدی چشم آنها شدّت دارد. و اما درباره لطافت جمال حورالعین روایات کثیره‌ای است.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر زنی از حوریان بهشتی در این عالم

(۱) - دخان: ۵۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۴

بیاید، تمام مردم هلاک می‌شوند؛ چون طاقت دیدنش را ندارند»، مگر در آن دنیا که ان شاء الله چشم لطیف و لطیف بینی از این جا با خود ببرند.

می‌فرماید: «اگر حور بهشتی در عالم دنیا بیاید، نور ماه را محو می‌کند».

دیگر از لطافت حور می‌فرماید که: «هفتاد حله بپوشد که هر حله‌ای بویی جداگانه دارد و آن قدر این حله‌ها و بدن حور لطیف است که از پشت آن، پوست بدن بلکه مغز استخوانش همه پیداست به مانند درهمی که در قعر آب صافی دیده می‌شود. هر حوری برای تجلیل مؤمن معین کرده‌اند و هر کدام تاجی به سر دارد».

بیچاره اهل عالم که به این زنهای عالم طبیعت دلخوش کرده‌اند.

حوریان به قدری به مؤمنین مشتاقند که خدا می‌فرماید: «... قاصراتُ
الطَّرَفِ...»؛^{۶۹} «چشمانش از غیر همسرشان نگهداشته شده است». و اگر
مؤمن دیر بیاید، حوریان طاقت ندارند.

«وقتی حور، تبسم می‌کند، نور دندانهایش قصر را روشن می‌کند».
خلاصه آن جا شهوترانی و کثافتکاری نیست، آن جا وضع دیگری است.
خداوند، ذخیره‌های زیادی برای مؤمن قرار داده است. آن وقت یک
زن با این لطافت، می‌داند چه شوهری می‌خواهد. یک زنی که از
تبسمش نور می‌جهد، شوهری می‌خواهد که لااقل نور ایمان داشته

(۱) - صافات: ۴۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۵

باشد. مؤمن، نور دارد. چطور خداوند برای حوری که زن تو می‌شود،
نور قرار داده اما تو ظلمت داشته باشی. این نمی‌شود. به این آسانی هم
که بعضی خیال می‌کنند نیست. تا ایمان نباشد، نمی‌شود. آن قدر مطلب
عظیم است که معصومین علیهم السلام از خداوند درخواست دیدن آن
را می‌کردند.

موضوع دیگر این که: «در بهشت نفس و هوا و هوس؛ یعنی غفلت از خدا
نیست؛ همه ذکر خدا را می‌کنند».

^{۶۹} (۱) - صافات: ۴۸ ..

موضوع دیگر این که: «کثافت، عادت زنانه و زحمت حمل آن جا نیست. همیشه مانند حور در حالت بکر هستند. صدها مرتبه با شوهر خود جمع می شود و باز باکره است».^{۷۰}

(۱). لئالی الاخبار ۴ / ۳۶۴ / ۳۶۵.

ازدواج اسلامی، ص: ۶۶

حکم زنا در اسلام

یکی از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده «زنا» است؛ چنانکه حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام فرموده اند و برای کبیره بودنش به سوره فرقان متمسک شده اند که می فرماید:

«از جمله صفات بندگان خدا آن است که نپرسند و نخوانند با خدای به حق، خدای دیگری را (یعنی مشرک نباشند) و آن نفسی که خدا کشتنش را حرام فرموده، نکشند و زنا نکنند. و کسی که اینها را بجا آورد (شرک، قتل و زنا) برسد و ببیند جزای خود را که شکنجه اش در روز قیامت دو چندان است و همیشه به خواری در آتش است».^{۷۱}

معانی ااثام و غی

در منهج است که «اثاما» در این آیه شریفه، نام یک وادی در دوزخ است که زناکاران را در آن عقوبت می کنند و گفته اند: «چیزی

^{۷۰} (۱) لئالی الاخبار ۴ / ۳۶۴ / ۳۶۵.

^{۷۱} (۱) - فرقان: ۶۸ - ۶۹ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۲

است که سیلان کند از اجسام دوزخیان مانند چرک و خون».^{۷۲} و در روایات آمده است که: «اثام در این آیه و غی در آیه دیگر، دو چاه در دوزخ است که اگر سنگی را از کنارش رها کنند، در مدت هفتاد سال، به قعر آن می‌رسد».^{۷۳}

و در سوره بنی اسرائیل می‌فرماید: «و نزدیک زنا مشوید و گرد آن نگردید به درستی که آن خصلتی زشت و کاری فجیع و بد راهی است».^{۷۴}

زیرا که زنا سبب قطع نسبها و هیجان فتنه‌ها و باطل کردن مواریث و صله رحم و حقوق پدران بر فرزندان و حقوق فرزندان بر پدران است.

زنا بدترین راه دفع شهوت

در کتاب «بلاهای اجتماعی» در شرح این آیه شریفه چنین می‌نگارد:

«یعنی که گرد زنا نروید؛ زیرا این کار، یک کردار پلید و راه گمراه کننده‌ای است. شاید دقیق‌ترین تعبیری که در قرآن مجید از زنا شده، همین جمله «... وَ سَاءَ سَبِيلًا»^{۷۵} باشد؛ زیرا این جمله‌ای است که اساسی‌ترین منطق اسلام درباره مخالفت و مبارزه با فحشا را روشن

^{۷۲} (۱) - تفسیر منهج الصادقین: ۶ / ۴۲۰.

^{۷۳} (۲) - تفسیر منهج الصادقین: ۶ / ۴۲۰.

^{۷۴} (۳) - اسراء: ۳۲ ..

^{۷۵} (۴) - اسراء: ۳۲ ..

می‌کند. این جمله می‌گوید: عمل شنیع زنا یک راه طبیعی و خالی از خطر برای اطفای شهوت نیست.

جامعه‌ای که شهوت خود را از طریق زنا اشباع می‌کند، در یک

(۱) - تفسیر منهج الصادقین: ۶ / ۴۲۰.

(۲) - تفسیر منهج الصادقین: ۶ / ۴۲۰.

(۳) - اسراء: ۳۲ ..

(۴) - اسراء: ۳۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۸

جاده ناهموار و خطرناکی افتاده که عاقبت آن، دوری از مقصد و افتادن در پرتگاههای هولناک است. نیروی خدادادی شهوت، برای ابقای نسل انسانی و ایجاد یک سلسله هیجانات روحی و عاطفی در مرد و زن است که این هیجانات، ضامن تشکیل کانون خانواده و اطفای شهوت از یک طریق محدود و قانونی است؛ اما ارتکاب زنا نه تنها اجتماع را به مقصد ابقای نسل نزدیک نمی‌کند بلکه اجتماع را در هزاران درّه مخوف، پرت می‌کند که دهها میلیون بیماران مقاربتی و میلیاردها دلار بودجه، برای معالجه آنها و میلیونها کودک بی‌سرپرست، تنها گوشه‌ای از این پرتگاهها را نشان می‌دهد.^{۷۶} باز در همان کتاب چنین می‌نگارد:

^{۷۶} (۱) - پلاهای اجتماعی: ۱۴۳ ..

«هزاران مفاسد مختلفی که از توسعه فحشا و روابط نامشروع به وجود آمده، راستی آن چنان حیرت‌انگیز و ناراحت کننده است که نسبت دادن آن به بشر قرن بیستم، بی شباهت به تناقض نیست.

آدم فکر می‌کند بشری که دل ذره‌ها را با هزاران زحمت می‌شکافد تا از نیروی درون آن بهره‌مند شود، چرا نیروهای خدادادی خود را در کثیف‌ترین وضعی به انواع فحشا تباه می‌کند و در حالی که از یک طرف، قوای طبیعت را به کمک خود می‌طلبد، از طرفی، عوامل نیستی و اضمحلال خود را فراهم می‌سازد؛ مثلاً امروز برای استفاده از یک سلسله اشعه سودمند و یا نیروی اتم در عالم پزشکی، میلیاردها دلار مصرف می‌شود و صدها هزار مغز متفکر به فکر و فعالیت می‌پردازد و این تلاش‌های دسته جمعی نتیجه بخش شده، در

(۱) - بلاهای اجتماعی: ۱۴۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۶۹

عالم بهداشت و پزشکی واقعاً تحولات و پیشرفتهای شگفت‌انگیزی به وجود می‌آورد، ولی به موازات این پیشرفتها، هر سال آمار بیماران مقاربتی و فداییان این بیماریها از میلیونها نفر بالا می‌رود و در نتیجه صدها هزار نفر در هر کشور به گوشه‌های بیمارستانها پناه برده، به صورت اعضای معطل و فلجی، بار دوش اجتماع می‌گردند. یا مثلاً با هزاران کوششهای دامنه‌داری که برای بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی هر کشوری به عمل می‌آید، در نقطه مقابل، میلیونها کودک بی‌سرپرست که همگی در نتیجه یک خوشگذرانی کوتاه و یک ملاقات موقت‌اند، در

سراسر جهان چرخ اقتصادی کشورها را مواجه با مشکلات عظیم می‌کند و تازه پس از آن که دولتها وسایل تربیت و نگهداری این کودکان را فراهم نمودند، یک عده افراد شرور و خطرناکی می‌شوند که اجتماع را به انواع جرایم و جنایات مختلف تهدید می‌کنند و بالأخره دستگاه قضایی کشور از وجود این افراد، دائماً هراسان است».^{۷۷}

آثار دنیوی و اخروی زنا

امام باقر علیه السلام فرمود: «زنا شش اثر دارد: سه اثر در دنیا، سه اثر در آخرت؛ اما آثار دنیویّه زنا، آبرو را می‌برد، رزق را کم می‌کند و مرگ و نیستی را نزدیک می‌نمایند؛ اما آثار اخرویّه آن، پس غضب پروردگار و سختی حساب و دخول در آتش و جاودان ماندن آن را ایجاب می‌نماید».^{۷۸}

(۱) - بلاهای اجتماعی: ۱۳۱.

(۲) - فروغ کافی: ۵ / ۵۴۱ / ح ۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۷۰

عذاب برزخی زناکار

نیز فرموده است: «کسی که با زن مسلمانی، یا یهودی، یا نصرانی، یا مجوسی، آزاد یا کنیز زنا کند، پس توبه نکند و با اصرار به این گناه از دنیا برود، خداوند در قبرش سیصد در عذاب را باز می‌فرماید که از هر

^{۷۷} (۱) - بلاهای اجتماعی: ۱۳۱.

^{۷۸} (۲) - فروغ کافی: ۵ / ۵۴۱ / ح ۳ ..

در، مارها و عقربها و افعی‌هایی از آتش بیرون می‌آیند (سپس می‌فرماید):
و تا روز قیامت می‌سوزد.

و چون از قبرش بیرون شود، از بوی گندش مردم اذیت می‌شوند، پس به این بوی زننده شناخته می‌شود و دانسته می‌گردد که زناکار است تا این که امر کرده می‌شود او را به آتش برند. زینهار به درستی که خداوند محرمات را حرام فرموده و حدودی را تعیین فرموده، پس هیچ کس از خداوند غیرتمندتر نیست و از غیرت الهیه است که فواحش را حرام فرموده است».^{۷۹}

لعنت شدن زناکاران توسط اهل محشر

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «در روز قیامت به امر خدا، بوی گندی وزیده می‌شود که تمام اهل محشر ناراحت می‌شوند، تا این که نفس کشیدن بر آنها مشکل می‌گردد، پس منادی ندا می‌کند که آیا می‌دانید این بوی گند چیست؟ گویند نمی‌دانیم و سخت ناراحتمان کرده، پس گفته می‌شود: این بوی عورت زناکاران است که بدون توبه از دنیا رفته‌اند، پس آنها را لعنت کنید که خدا آنها را لعنت کرده، پس نمی‌ماند در محشر کسی مگر این که آنها را نفرین می‌کند و می‌گوید:

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۲۱ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۷۱

خدایا! زناکاران را لعنت فرما».^{۸۰}

^{۷۹} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۲۱ / ح ۱ ..

^{۸۰} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۲۲ / ح ۱ ..

زنا، عامل فقر و مرگ ناگهانی

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه پس از من زنا شود، مرگ ناگهانی، زیاد خواهد شد».^{۸۱}

و فرمود: «زنا مورث فقر است و آبادیها را ویران خواهد کرد».^{۸۲}

فساد نسب و تربیت طفل

و در مکتوب حضرت صادق علیه السلام است که: «خداوند، زنا را حرام فرموده برای این که سبب فسادهایی مانند: قتل نفس و از بین رفتن نسبه‌ها و ترک تربیت اطفال و بهم خوردن ارث می‌شود».^{۸۳}

کیفر زنای محصنه

اگر با زن شوهردار زنا شود، حرمت و عقوبت آن شدیدتر خواهد بود؛ چنانچه حدّ زنا صد تازیانه؛ ولی حدّ زنای محصنه، قتل و سنگسار کردن است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «روز قیامت سه طایفه‌اند که خداوند با ایشان سخن نمی‌گوید و ایشان را پاکیزه نمی‌فرماید و بر ایشان عذاب دردناکی است. از این سه طایفه زنی است که بر فراش شوهرش زنا دهد».^{۸۴}

^{۸۱} (۲) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۱ / ح ۴.

^{۸۲} (۳) - همان: ۵۴۲ / ح ۹.

^{۸۳} (۴) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۳۲ / ح ۱۲ ..

^{۸۴} (۵) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۳ / ح ۱ ..

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۲۲ / ح ۱ ..

(۲) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۱ / ح ۴.

(۳) - همان: ۵۴۲ / ح ۹.

(۴) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۳۲ / ح ۱۲ ..

(۵) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۳ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۷۲

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود: «کسی که با زن شوهردار زنا کند، پس در جهنم از عورت هر دو چرک خارج می شود به مقدار پانصد سال راه و اهل جهنم از بوی گند آن دو در اذیت خواهند بود و عذابشان از همه شدیدتر است».^{۸۵}

پیش بینی همه جانبه اسلام

در کتاب «برهان قرآن» در این بحث، چنین می نگارد:

«در موضوع حدّ زنا، اسلام نیروی جنسی و سرکشی از غریزه را در نظر گرفته و برای اقناع و اشباع آن، طرق مشروع و سهلی تعیین کرده و پیروان خود را به ازدواج در آغاز جوانی مأمور ساخته و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: نکاح سنت من است، پس هر که از سنت من اعراض کند از من نیست».^{۸۶}

^{۸۵} (۱) - ثواب الأعمال وعقاب الأعمال: ۳۳۸ ...

^{۸۶} (۲) - بحارالأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ / ح ۲۳

به همین جهت، مقررات شرع، برای امر زناشویی انواع تسهیلات را مقرر داشته و حکومت را موظف ساخته که در صورت عدم تمکین شخص، به وسیله انفاق از بیت المال برای انجام این منظور، به تهیدستان مساعدت کند. و به علاوه دستور اکید داده تا محیط اجتماع از موجبات اغرا و علل انگیزش شهوت، پاک و پیراسته شود. آنگاه برای مصرف نیروی سرشار و قوای جبار جوان، هدفهایی عالی از قبیل: مبارزه با فساد، تعلیم مردم بی سواد، کمک به فقرا و ینوایان، کوشش در بالا بردن سطح زندگی و در راه عمران و آبادی جهان برقرار

(۱) - ثواب الأعمال وعقاب الأعمال: ۳۳۸ ...

(۲) - بحار الأنوار: ۱۰۳ / ۲۲۰ / ح ۲۳

ازدواج اسلامی، ص: ۷۳

ساخته و از طرفی، روزه‌های واجب و مستحب و نمازهای واجب و نافله، اعتکاف و امثال عبادات را برای فرو کاستن از طغیان غریزه و منصرف ساختن ذهن و خیال، از اندیشه‌های شهوانی و وسوسه‌های شیطانی و توجه دادن فکر به اندیشه‌های عالی الهی مقرر دانسته، تا با همگی این وسایل از پدید آمدن موجبات و علل گناه جلوگیری شود و با وجود این همه تدبیر که در این باره برای حفظ نفس و صیانت غریزه به کار برده، باز در اجرای حد و کیفر گناهکار شتاب روا نداشته و اجرای حد را برای موقعی گذاشته که کار عنان گسیختگی و بی‌اعتنایی به نظامات اجتماع و سقوط در منجلاب فساد و شهوترانی به جایی منتهی شود که شخص گنهکار، بدون هیچ گونه ملاحظه و آزر می در حضور جمعی از چهار نفر

عادل در میانشان باشد به عمل منافی عفت مبادرت نماید و مانند چهارپایان به کار وقاع زنا پردازد و آن چهار نفر شاهد عادل از روی یقین و قطع و با صراحت تمام گواهی دهند که صدور آن عمل را آشکارا از او دیده‌اند. در این صورت اسلام مقرر داشته است که هر گاه کسی مرتکب زنا شود و عفت عمومی را لکه‌دار کند، حدّ شرعی درباره‌اش اجرا شود و حتّی در این مرحله نیز، جانب رأفت را رعایت کرده و اوضاع و احوال شخص گناهکار را منظور نموده و مقرر داشته که هر گاه مرتکب زنا، مجرد و عذب باشد، تنها به صد ضربه تازیانه درباره او اکتفا شود و حدّ رجم (سنگسار کردن) درباره زناکاری اجرا گردد که متأهل باشد و در عین حال تأهل و بدون هیچ گونه ضرورت و حاجتی بلکه به صرف هوسبازی و شهوترانی، چنین عمل زشت و ناروایی را مرتکب شده باشد.

در این جا نخستین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که اوضاع اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی موجود در عصر حاضر،

ازدواج اسلامی، ص: ۷۴

جوانان را از ازدواج، گریزان و به ارتکاب فحشا راغب بلکه مجبور می‌نماید.

البته این مطلب صحیح است؛ ولی علت پدید آمدن این وضع ناهنجار این است که قوانین و مقررات اسلامی به طور کامل رعایت و اجرا نمی‌شود و الا هر گاه این قوانین و مقررات به طور شایسته اجرا می‌شد، مسلماً از انتشار این همه عوامل فساد و موجبات انگیزش شهوت، جلوگیری می‌کرد و وسایل ازدواج و شرایط رفاه و آسایش زندگی را

فراهم می‌ساخت و جوانان را که طبعاً آمال آینده مملکت‌اند از سقوط در این درّه وحشتناک، مصون می‌داشت.

هر گاه نظامات اسلامی بر خلق حکومت داشت، این فیلمهای شهوت‌انگیز و نشریه‌های بی‌عفت و آهنگهای غیرت‌کش و شهوت‌پرور و میخانه‌ها و عرق‌فروشیها و کاباره‌ها و رقاصخانه‌ها و سایر موجبات و مظاهر فسق و فجور وجود نداشت و از طرفی فقر و تهیدستی، جوانان را به تحمل عزوبت مجبور نمی‌کرد و محیطی به وجود می‌آورد که من جمیع الجهات مردم را به پاکدامنی و تقوا بار می‌آورد و به همین جهت، حدّ زنا در قانون کیفری اسلام نظر به ظروف ارتکاب گناه و اوضاع و احوال مرتکبین، به هشت درجه، طبقه‌بندی شده است:

«سنگسار کردن، جمع میان تازیانه زدن و سنگسار کردن، صد ضربه تازیانه و تراشیدن موی سر و اخراج از شهر، پنجاه ضربه تازیانه، ۷۵ ضربه تازیانه، ضغث؛ یعنی به دست گرفتن چند تازیانه و زدن یکباره، جمع بین حدّ و تعزیر».

ازدواج اسلامی، ص: ۷۵

اسباب ترک زنا

چون زنا موجب فساد و اختلال نظام اجتماعی بشری و هلاکت است، خداوند به حکمت بالغه‌اش چند امر را معین فرموده که اگر مسلمانان این امور را رعایت نمایند، هیچ گاه به چنین گناه بزرگی مبتلا نخواهند شد.

۱- وجوب رعایت حجاب

خداوند متعال در چند جای قرآن مجید، زنها را امر به حجاب فرمود، از آن جمله در سوره نور می‌فرماید:

«و باید بزنند (یعنی فرو اندازند) زنها مقنعه‌های خود را بر گریبانهایشان (گردن خود را به مقنعه سر بپوشانند تا مو و بناگوش و سینه‌شان پوشیده بماند) و زینت و جمال و آرایش خود را جز برای شوهران و محارمشان یعنی پدر، پدر شوهر و پسر و پسر شوهر و برادر و پسر برادر و پسر خواهر و زنهای مسلمان و کنیز ملکی و خدمتگذاری که میل به زنا ندارد و آنها زنانی هستند که پیرند یا ابلهانی که از شهوت مباشرت خبر ندارند و طفلی که هنوز به حدّ تمیز نرسیده و از حال مباشرت با زنان بی‌خبرند و نمی‌دانند عورت زنان چیست. و زنان آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود».^{۸۷} و در آیه ۵۹ از سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «ای پیغمبر گرامی! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنین بگو تا فرو گذارند بر خود

(۱) - نور: ۳۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۷۶

چادرهای خویش را و رویشان و کتفهای خود را با آن بپوشانند که این کار نزدیکتر است به این که به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آسوده باشند».

و در آیه ۳۲ از سوره احزاب می‌فرماید: «ای همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله! شما مانند سایر زنها نیستید، اگر می‌خواهید تقوا داشته باشید،

^{۸۷} (۱) - نور: ۳۱ ..

پس با بیگانه با صدای نازک و مهیج سخن نگوید تا آنان که دلشان بیمار است، در شما طمع نکنند و بگویند گفتاری نیکو و پسندیده و دور از ریب و تهمت و در خانه‌هایتان ساکن شوید و خودنماییها و حرکات دوران جاهلیت را کنار گذارید».

و در آیه ۵۳ از همین سوره می‌فرماید: «هنگامی که برای کاری با زنهای پیغمبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند در میان شما و ایشان حجابی باشد، این کار برای پاکی دلهای شما و آنها نیکوتر است».

طبق این دستور، زنهای مسلمان موظفند خود را از مردان بیگانه که با آنها محرمیت ندارند بپوشانند و در قیافه و لباسی در ملاعمومی ظاهر شوند که اندام و تن آنها در معرض نگاههای مسموم و شهوت‌آمیز هوسرانان و تجاوزکاران نباشد، این وظیفه زن است که از این راه، هم شخصیت و ارزش خود را حفظ کند و هم از پدید شدن منظره مهیجی که قهراً مردها را دچار تحریک و در نتیجه آلوده شده به افکار خطرناک نامشروع می‌کند، مانع شوند؛ بنابراین، نباید زن در همه جا در اختیار عابریں و چشم‌چرانان قرار بگیرد، چرا این قدر ارزش او ناچیز باشد و چرا این گونه علناً مبتلا به انحراف فساد شود، پس از آن که اندام لخت و نیمه لخت زنان در کوچه و بازار و خیابان در برابر دیدگان مردان قرار گرفت، کار به یک نظر تمام می‌شود، دیگر

ازدواج اسلامی، ص: ۷۷

هیچ فسادى پیش نمی‌آید و اصلاً کار به صدها جای باریکتر و ناگفتنی نمی‌کشد؟ اگر چنین است، پس این همه روابط نامشروع زنان شوهردار و دختران که در سراسر جهان بی‌حجابی را گرفته از کجاست؟ عشقهای

نامقدسّی که متّصلًا کانونهای خانوادگی را از هم می‌پاشد، چگونه تولید می‌شود؟ چرا مردم دنبال زنان دیگر می‌افتند و گاهی چندین نفر بر سر یک زن، کارشان به کشت و کشتار می‌کشد؟

مگر در همین کشور ما از روزی که کشف حجاب شده، کم فحشا و فساد به وجود آمده. مگر در این مدّت کوتاه، سیل روابط نامشروع و اغفال دختران و زنان شوهردار، سراسر تهران را فرا نگرفته و هر روز دهها زن شوهردار و بچه‌دار از محیط خانواده فراری و بیزار شده و عاقبت سر از خانه‌های کثیف شهر نو در می‌آورند و بر تعداد پنج هزار نفر ساکنین این جهنّم هول‌انگیز اضافه می‌کنند. از سند این وضع ننگین، هزاران بچه بی‌صاحب است که شهردار تهران درباره آنها می‌گوید:

«روزانه به طور متوسط هفت کودک بی‌صاحب در تهران سر راه می‌گذارند».

همه می‌دانند این کودکان بی‌صاحب، نتیجه شوم خوشگذرانیهای موقت است که زنان اغفال شده به آن تن داده‌اند و غیر از این نیست که نخستین جرّقه این همه آتش خانمانسوز، از یک نگاه ساده تولید می‌شود و در چنان نقطه خطرناکی که هزاران زن را فاحشه نموده و هزاران طفل بی‌سرپرست را انگل اجتماع ساخته است، پایان می‌پذیرد. برای جلوگیری از چنین وضع شرم‌آوری است که اسلام دستور می‌دهد زنها تن و اندام خود را از نگاههای مسموم

ازدواج اسلامی، ص: ۷۸

هوسرانان و تجاوزکاران پیوشانند و در قیافه‌ای که تمایلات مردان را تحریک می‌کند، ظاهر نشوند.

۲- عدم نگاه به بیگانه

دیگر امر فرمود که زنان مسلمان، چشمان خود را از نگاه به مرد بیگانه نگهدارند و مردان مسلمان را امر فرمود که از نگاه به زنان اجنبیه خودداری کنند. در سوره نور می فرماید: «ای پیغمبر! مردان مؤمن را بگو که چشمان خود را از نگاه به اجنبیه بپوشانند و زنان مؤمنه را هم بگو تا چشمهای خود را از مردان بیگانه بپوشانند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت و تماس نامشروع) نگهدارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار ن سازند».^{۸۸}

نگاه، تیر زهر آلود شیطان

از حضرت صادق علیه السلام است که: «نگاه ناروا، تیری است زهر آلود از تیرهای شیطان که به قلب صاحبش می خورد و چه بسیار نظرهای ناروا که حسرت طولانی در پی دارد».^{۸۹}

زنای اعضای بدن

نیز از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام است که فرمودند: «نیست کسی مگر این که بهره ای از زنا دارد، پس زنای چشم، نگاه

(۱)- نور: ۳۰-۳۱.

(۲)- فروع کافی: ۵/۵۵۹ ح ۱۲ ..

^{۸۸} (۱) - نور: ۳۰-۳۱.

^{۸۹} (۲) - فروع کافی: ۵/۵۵۹ ح ۱۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۷۹

نارواست و زنای دهان، بوسه حرام است و زنای دست، مس بیگانه نمودن است.^{۹۰} نیز مروی است: «کسی که چشمان خود را از حرام پر کند، خداوند روز قیامت چشمانش را از آتش پر می‌فرماید».^{۹۱}

هم زنجیر با ابلیس

«کسی که زن بیگانه‌ای را در بر بگیرد، در قیامت با شیطان هم زنجیر است به زنجیر آتشین و با هم در دوزخ خواهند بود».^{۹۲}

«و کسی که چشمش به زن بیگانه‌ای بیفتد و برای خدا تکرار نظر نکند و چشم بر هم گذارد یا به آسمان بنگرد خدا در دلش امن و ایمانی قرار می‌دهد که لذتش را می‌چشد و او را با حورالعین تزویج می‌فرماید».^{۹۳}

«و هر زنی که شوهر داشته باشد و چشمش را از نگاه به غیر شوهر و محرمش پر کند، خشم خدا بر او شدید است».^{۹۴} و در چند روایت است که: «از نگاه کردن به پشت سر زنها- هر چند با حجاب باشند- نهی شده است»^{۹۵} که البته حمل بر کراهت می‌شود.

اخباری که در این زمینه است، بسیار و همین مقدار کافی است.

(۱)- وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۹۱ / ح ۲ ..

^{۹۰} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۹۱ / ح ۲ ..

^{۹۱} (۲) - من لا یحضره الفقیه: ۴ / ۱۴ / ح ۴۹۶۸ ..

^{۹۲} (۳) - من لا یحضره الفقیه: ۴ / ۱۴ / ح ۴۹۶۸ ..

^{۹۳} (۴) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۹۳ / ح ۹ و ۱۰ ..

^{۹۴} (۵) - همان: ۲۳۲ / ح ۲ ..

^{۹۵} (۶) - همان: ۱۹۹ / ح ۱ و ۲ ..

(۲) - من لا يحضره الفقيه: ۴ / ۱۴ / ح ۴۹۶۸ ..

(۳) - من لا يحضره الفقيه: ۴ / ۱۴ / ح ۴۹۶۸ ..

(۴) - وسائل الشيعه: ۲۰ / ۱۹۳ / ح ۹ و ۱۰ ..

(۵) - همان: ۲۳۲ / ح ۲.

(۶) - همان: ۱۹۹ / ح ۱ و ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۸۰

۳- تحریم خلوت با بیگانه

اسلام خلوت با بیگانه را با احتمال و ترس وقوع در حرام، تحریم فرموده هر چند مشغول عبادت شوند.

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مروی است: «کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، در جایی نمی ماند که نفس بیگانه را می شنود».^{۹۶}
«وقتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله از زنهای مسلمان بیعت و عهد می گرفت، شرط می فرمود که با مردان بیگانه در جای خلوت ننشینند».^{۹۷}

و مراد از خلوت، آن است که مکان، جوری باشد که دیگری نتواند داخل شود؛ مانند اتاقی که درش بسته باشد، یا خانه ای که کسی به آن آمد و شد نکند.

۴- وضع حدود شدید

^{۹۶} (۱) - امالی شیخ طوسی: ۶۸۸ / ح ۶.

^{۹۷} (۲) - فروع کافی: ۵ / ۵۱۹ / ح ۶ ..

حدودی که در اسلام برای این عمل شنیع تعیین شده، یکی از موجبات جلوگیری از شیوع آن است که مجملًا در ضمن پنج فرع بیان می‌شود:

۱- اگر کسی با یکی از محارم نسبی خود مانند: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر زنا کند، باید او را کشت.

۲- اگر کسی شخصی را ببیند که با زنش زنا می‌کند و از ضرر ایمن باشد، می‌تواند هر دو را بکشد (اگر ایمن نباشد یا باشد و نکشد، آن زن بر او حرام نمی‌شود).

(۱)- امالی شیخ طوسی: ۶۸۸/ح ۶.

(۲)- فروع کافی: ۵/۵۱۹/ح ۶..

ازدواج اسلامی، ص: ۸۱

۳- هر گاه کافری با زن مسلمانی زنا کند، یا مسلمانی که سه دفعه حدّ زنا خورده، در مرتبه چهارم باید کشته شود.

۴- مردی که زن عقدی دایمی حاضر دارد و او را در حال بلوغ و عقل، وطی کرده و هر وقت هم بخواهد می‌تواند با او نزدیکی نماید، با این وصف، اگر با زن عاقله بالغه‌ای زنا کند، باید او را سنگسار نمود و بعضی بر آنند که اول باید صد تازیانه به او زد و سپس او را سنگسار کرد.

۵- هر گاه زنا کننده محصن نبوده (یعنی مرد زن‌دار با شرایطی که در فرع گذشته گفته شد) و با غیر محرم خود زنا نموده، حدّش یکصد تازیانه

است و همچنین زن زانیه‌ای که شوهر نداشته باشد، حدّش یک صد تازیانه است.

در مجموعه انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی چنین می‌نویسد:

«در این جا دو مطلب بزرگ علمی درباره زنا و دستور اسلامی آن یادداشت می‌شود: در سوره نور، آیه دوّم می‌فرماید: زن و مرد زناکار را هر کدام یک صد شلاق بزنید و در اجرای این دستور الهی، به آنها محبّت روا ندارید اگر شما به خدا و روز جزا ایمان آورده‌اید. و باید در موقع شکنجه آنها گروهی از مؤمنین حاضر باشند».

اولین فلسفه که در این باره به نظر می‌رسد این است که شلاق زدن زانی و زانیه، یکی برای عبرت گرفتن سایرین است که گرد این عمل زشت نگردند که اگر چنان کنند، گذشته از مجازات اخروی، مجازات دنیوی هم دارند و آخر آیه که تأکید می‌کند باید عده‌ای از

ازدواج اسلامی، ص: ۸۲

مؤمنین در شکنجه آنها حاضر باشند، این موضوع را تأیید می‌کند.

موضوع دیگری که به نظر ما رسیده ولی هنوز صحت علمی آن صددرصد واضح نشده، این است که با شلاق زدن زانی و زانیه، یک معالجه طبّی در آنها انجام می‌گیرد، میکربهای سفلیس و سوزاک، خیلی دیر معالجه می‌شوند و مهمترین طریق معالجه آنها معالجه با حرارت است مخصوصاً وقتی که این میکرب تازه به بدن وارد شده و نموّ نکرده باشد، حرارت در کشتن آنها خیلی تأثیر دارد و شلاق زدن، یکی از بهترین وسایل تولید حرارت در موضعی است که میکربها بدانجا وارد شده و در

اثر حرارت فوق العاده‌ای که پس از یک صد ضربه شلاق پدید می‌آید، میکربها بکلی کشته می‌شوند.

نکته دوم، راجع به سرایت است. از آن جا که بیشتر اعمال زنا تولید ناخوشیهای مسری مانند: سفلیس و سوزاک می‌کند، دین اسلام، برای تحدید ضررهای امراض مزبور، دستور بزرگی می‌دهد که امروز علمای فن نیز همین دستور را می‌دهند که هر کس می‌خواهد ازدواج کند، باید از طرف طبیب معاینه شود و تصدیق گردد که عاری از امراض مقاربتی مسری است و کسی که امراض مقاربتی مسری دارد، نباید ازدواج کند مگر این که همسر آتی او هم دارای این مرض باشد و تازه باید نسل نداشته باشد.

علّت این کار این است که از عمومی شدن امراض خانمانسوز جلوگیری شود و نسلهای ناقص و خراب به وجود نیاید، دین اسلام در این باره بزرگترین دستور را می‌دهد؛ دستور عملی که رعایت آن

ازدواج اسلامی، ص: ۸۳

سلامت جامعه و مصون ماندن افراد و نسلها را تأمین می‌سازد.

در آیه سوم از سوره نور می‌فرماید:

«الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ».

یعنی: «مرد زناکار به زنی نگیرد مگر زن زناکار یا مشرکه و زن زناکار، شوهر نکند مگر با مردی که زناکار یا مشرک است و این بر مؤمنین حرام است».

ضمناً باید متوجه بود که اجرای این حدود، هنگامی است که شرعاً زنا ثابت شده باشد که آن هم دارای شرایط خاصی است که از آن جمله: گواهی چهار نفر شاهد عادل مرد است به این که در یک وقت و یک جا مرد زنا کننده را با زن خاصی که او را می‌شناسند و در همان حال ارتکاب، مشاهده کرده‌اند.

دو نکته قابل توجه

۱- اگر کسی با زنی که شوهر نداشته و در عده رجعیه (یعنی عده‌ای که شوهر می‌تواند بدون عقد برگردد) نبوده، زنا کرد، بعد می‌تواند با او ازدواج نماید؛ ولی اگر شوهر داشته یا در عده رجعیه بوده، بر او حرام همیشگی است؛ یعنی اگر شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد، باز هم نمی‌تواند او را بگیرد.

۲- اگر کسی با زنی زنا کرد، مادر و دختر آن زن بر او (بنابر شهر) حرام می‌شود؛ یعنی نمی‌تواند با آنها ازدواج نماید و محرم هم نیستند و همچنین زن مزبور بر پدر زنا کننده حرام می‌شود.

ازدواج اسلامی، ص: ۸۴

اینک نظر خوانندگان گرامی را به مطالب جالبی که در کتاب «برهان قرآن» تذکر داده است جلب و سخن را در همین جا خاتمه می‌دهیم.

«موضوعی که در خور مناقشه است، اختلاط و آمیزش زن و مرد است؛ زیرا مخالفین اسلام در این باره جنجال و غوغای بسیار به پا می‌کنند. گاهی از اجتماع آزاد فرانسه سخن به میان می‌آورند و از آزادی کامرانی و عیاشی زن و مرد و حتی از آزادی بوس و کنار در معابر و

شوارع آن جا یاد می کنند و زمانی از تمدن آمریکا گفتگو می کنند و می گویند: در آن سرزمین مردم، با فکر و غریزه خود، دورویی و نفاق روا نمی دارند؛ زیرا به خوبی دریافته اند که کامرانیهای جنسی از ضرورتها و احتیاجات حیاتی بیولژی است و به همین جهت، راه را برای اشباع این غریزه باز گذاشته اند و هر جوانی، دوست و رفیقی از دختران اختیار کرده و هر دوشیزه ای رفیقی از جوانان برگزیده است که در بیشتر ساعات روز و شب با هم به خوشی و شادی، وقت می گذرانند و در تفرجگاهها و گوشه های خلوت، از یکدیگر کام می گیرند و به یکدیگر کام می دهند و از فشار غریزه جنسی، آسوده و فارغ می شوند و هر بامداد، به یاد عیش و نوش شب دوش، با دلی شاد و روحی خرم از پی کارهای خود روان می شوند و در کارهای روزانه خود توفیق و پیروزی می یابند و به این وسیله، ملت با گامهای بلند و سریع، راه ترقی و تعالی را طی می کند!!

این خلاصه مقال و زبده گفتار سفسطه آمیز این گروه است، ولی گویا این جماعت، خاطرات تلخ و حزن انگیز جنگ گذشته را خیلی

ازدواج اسلامی، ص: ۸۵

زود از یاد برده اند و فراموش کرده اند که، چگونه همین کشور فرانسه که از بردن نامش آب در کام ایشان می گردد؛ زیرا با اولین ضربت و نخستین هجوم سپاه به زانوی عجز و ذلت در آمده و با آن که از نظر ساز و برگ جنگ، مجهز بود، بر اثر شهوترانیاها و به علت از کف دادن روح عزت و

خشونت مقدّس مردانگی، از خراب شدن عمارت‌های فاخر و رقاصخانه‌های پاریس، ترسید و شرف و تاریخ و مجد خود را وقایه آن قرار داد.

اکنون ما از این جماعت می‌پرسیم که آیا منظور ایشان این است که جوانان ما را به عنوان مبارزه با ارتجاع و طرفداری از تجدد و ترقی به چنین ورطه هولناکی در افکنند؟

آیا این گروه، خطبه حکیمانه «مارشال پتن» را از یاد برده‌اند که گفت: «بزرگترین علّت شکست ما، فرو رفتن در گردابهای شهوت و ابتلای تن پروری و عیّاشی بود».

آیا در کتاب: «چرا فرانسه شکست خورد» نخوانده‌اند که «آندره موروا» نویسنده بزرگ فرانسه می‌نویسد:

«در آن موقع که هواپیماهای بمب افکن دشمن، شهرهای ما را زیر بمبهای آتش‌زا و مخرب خود، به صورت جهنمی درآورده بود، نخست وزیر وقت «پل رینو» می‌خواست به وسیله تلفن از مرکز ستاد مشترک نیروی هوایی متفقین برای مبارزه با دشمن، تقاضای چند فروند هواپیما کند؛ ولی با هر یک از سه تلفن روی میز خود می‌خواست صحبت کند، صدای مادام دویی؛ محبوبه‌اش بلند بود که

ازدواج اسلامی، ص: ۸۶

با استفاده از عشوه خود و دل‌باختگی نخست وزیر در شؤون سیاسی و لشکری، دخالت و توصیه می‌کرد».

آیا این اعترافات از طرف رجال شمشیر و قلم فرانسه برای پایان دادن به هرزه‌دریهای این جماعت کافی نیست؟

و اما در خصوص آمریکا و تبلیغاتی که این گروه درباره اوضاع آن کشور و آزادی زن و مرد در آن سرزمین می کنند، شاید تذکر این نکته کافی باشد که اخیراً در نتیجه اجرای عملیه احصا و تهیه آمار در یکی از شهرهای این مملکت، معلوم شد که ۳۸٪ از دختران مدارس متوسطه آبستن هستند و این نسبت در میان دختران دوره های عالی کمتر بود؛ زیرا ایشان در نتیجه تجربه و ممارست، طرق جلوگیری از حمل را دریافته بودند.

شک نیست که خلاصی و راحتی از فشار نیروی غریزه جنسی بر اعصاب، هدفی صحیح و مطابق با حکم فطرت و مقتضای طبیعت است و به همین جهت اسلام، این موضوع را مورد توجه و عنایت دقیق قرار داده؛ زیرا اسلام پیش از آن که آمریکا به این موضوع توجه کند، دانسته و متوجه بوده است که محرومیت از مسائل جنسی، به علت تأثر و افسردگی، از کار و انتاج صحیح، باز می ماند، ولی البته برای میل به هدف صحیح و عقلایی، اتخاذ وسیله و تدبیر صحیح و عقلایی، لازم است، نه آن که به این بهانه اجتماع را به لوث بی عفتی بیالاید و دختران و پسران را آزاد و عنان گسیخته بگذارند که مانند چهارپایان با هم معاشرت و شهوترانی کنند.

ازدواج اسلامی، ص: ۸۷

اما موضوع شادی و نشاطی که از تماشای زنان زیبا و معاشرت با گلچهرگان آراسته و طنّاز دست می دهد، مسلماً جای انکار نیست، همان طور که استفاده از خوان و سفره ای که با الوان و انواع طعامها آراسته است، بدون شک از سفره ای که به جز یک رنگ مکرر از غذا در آن نیست، مطلوب تر و دلپذیرتر است، ولی ما باید قبل از هر چیز، هدفهای

اساسی خود را تعیین کنیم و ببینیم آیا وظیفه ما در جهان زندگی این است که از حداکثر شادی و کامرانی و بهجت و مسرت استفاده کنیم و فکر سود و زیان و تبعات و عواقب آن را از مغز برانیم؟

آیا هیچ کس در روزگار قدیم و عصر جدید، منکر این معنی شده است که کامرانی و عیاشی، لذت بخش و مسرت‌انگیز است؟ مسلماً موضوع گوارایی لذات و کامرانیها چیزی نیست که در قرن بیستم کشف شده باشد بلکه قرن‌ها پیش از این، یونانیها و ایرانیان قدیم و رومیان آن را شناخته و تا گلوگاه در آن فرو رفته بودند. و در اثر همین کامرانیها، قدرت و صلابت خود را از دست داده و سرانجام از کارهای سودمند و افکار روشن و همتهای عالی و روح سربازی و فداکاری، محروم ماندند و حکومت و استقلال خود را از دست دادند.

جای تردید نیست که ملل اروپایی از نظر نیروی مادی و علمی و از جهت کار و کوشش و سعی در تولید و انتاج، بسیار قوی و مجهز بوده و هستند؛ ولی اندک اندک، کرمهای شهوترانی و عیاشی در پیکره درخت حیات اجتماعی ایشان رخنه کرده و بعضی را از پای در آورده و بعضی دیگر را ضعیف ساخته و همچنان در راه زوال و فنا پیش

ازدواج اسلامی، ص: ۸۸

می‌برد؛ ولی ما مردم مشرق که در اثر ناسازگاری اوضاع اجتماعی و ظروف سیاسی، خاصه در دو قرن اخیر، آن نیروها را فاقدیم، چگونه رواست که در گردابهای وحشتزای شهوت درافتیم و این گونه هرزه گیها را تمدن و ترقی بنامیم و اجتناب از این گونه منکرات را جمود و ارتجاع بخوانیم؟

با توجه به این حقایق، پیدا و هویداست که هر نویسنده یا مصلح آزادی خواهی که ما را به فرو گذاشتن آداب و اخلاق باستانی خود دعوت کند- تحت هر عنوان که باشد- او مبعوثی از دستگاه استعمار و فرومایه‌ای جیره خوار از خوان بیگانگان و دشمنی جانکاه و بدخواه ماست. معاشرت و آمیزش زن با مرد بیگانه، بر دلربایی و قدرت نفوذ و تصرف در احساسات او افزوده است، ولی اکنون جای این سؤال به میان می‌آید که آیا این دلربایی و طنّازی، شخصیت و حیثیت زن را از نظر وظایفی که در نظام طبیعت بر عهده دارد افزوده است یا به همین نسبت که بر این جهات افزوده، از آن جنبه‌اش فرو کاسته است.

و آیا این افزایش، کفّ حیثیت و آبرو و سعادت اجتماع را سنگین ساخته یا از سنگینی و وزن آن کم کرده است؟

شک نیست که زن در دنیای غرب برای مرد، رفیقی شایسته و برای مغالّه و معاشقه و اشباع کام جنسی او مجهّز و آماده گشته و در حلّ بعضی از مشکلات مرد به کمک و معاونت او برخاسته؛ ولی در عین حال از انجام وظیفه یک همسر صالح و مادر شایسته فرو مانده است و جنجالها و مغالطه‌های مجامع زنان و طرفداران ایشان قادر

ازدواج اسلامی، ص: ۸۹

نیست که این حقیقت را انکار کند؛ زیرا آمارها و احصائیه‌های مضبوط و دقیق، آن را تأیید می‌کند و بهترین دلیل بر صدق این مدعا بالا رفتن نسبت طلاق در آمریکا به ۴۰٪ است و این بالا رفتن نسبت طلاق از خطری عظیم و از انحلال وحشتناکی در روابط زناشویی و خانوادگی حکایت می‌کند.

اما در اروپا هر چند سطح طلاق به این درجه بالا نرفته؛ ولی کار معشوقه بازی در آن سرزمین به رسوایی کشیده است و جای تردید نیست که هر گاه زن همسری شایسته می بود و می توانست در آشیانه مقدس خانواده استقرار یابد و آن را از نور و حرارت قلب خود برخوردار سازد، این رسوایها هرگز به وجود نمی آمد.

اما در موضوع وظیفه مادری، اساساً اشتغال زن به کارهای خارج از منزل چه از نظر وقت و چه از نظر جهات روحی، فرصت و مجال اشتغال به وظیفه مادری را از او سلب می کند؛ زیرا زنی که در اثر چند ساعت کار متوالی، خسته و فرسوده شده و در اثر معاشرت و برخورد با مردهای مختلف، فکر و حواس او متشتت و پریشان گشته، نه در اعصاب خود طاقت و نیروی قیام به وظیفه مادری دارد و نه در فضای روح و دل خود محیط مساعد و مناسبی برای پذیرفتن طفل و پرورش عواطف و احساساتی متناسب با این وظیفه می یابد و ما می بینیم اجتماع بشری با صرف نظر از لذت، مسرتی که بر اثر آمیزش با زنان آراسته و طناز برده، چه نتیجه عقلایی و فایده در خور ذکری از این وضع برداشت کرده است؟ اما وجود این عده از زنان در پارلمانهای

ازدواج اسلامی، ص: ۹۰

جهان و وزارتخانه ها و ادارات کشورها و یا وجود چند میلیون زن در کارخانه ها و تجارتخانه ها و مراکز فسق و فجور، کدام مشکل از مشکلات بشریت را حل کرده است.

آیا قیام زن به این امور او را عنصری مفید و مؤثر در اجتماع می سازد؟ ولی قیام به تربیت فرزندان و پرورش مردان و زنان صالح و مفید و ایجاد

افرادی خداشناس و متقی و با ایمان، او را به وجودی بی فایده و عنصری بی خاصیت تبدیل می کند؟

ممکن است زن در برابر کف زدنهای شنوندگان در پارلمان یا در مقابل شنیدن تملق و تحسین در سالنها و در معابر، شاد و مسرور شود؛ ولی این مسرت و شادی موقت که نتیجه آن پدید آمدن نسلی بدون مادر و محروم از عواطف و تربیتهای عالی مادری باشد، چه ارزشی دارد و آیا جز مادر، کدام کس می تواند عنصر محبت را که جلوگیری از خوی سببیت و خودخواهی بشریت است در روح و قلب فرزندان تزریق کند؟

البته منظور ما از این بحث این نیست که زن را تحت فشار و مورد قساوت و آزار قرار دهیم و او را از لذتهای زندگی و پا برجا ساختن شخصیت و حیثیتش محروم سازیم؛ ولی کی و کجا عرضه زندگی به بشر چه زن باشد و چه مرد، مجال و اجازه می دهد که بر وفق دلخواه خود از لذات حیات کامیاب شود و چنان که پسند و خاطر اوست شخصیت و حیثیتش را پا برجا سازد؟

آیا در صورتی که ما در اثر غلبه خودخواهی، هوای نفس و

ازدواج اسلامی، ص: ۹۱

خواهش دل را عنان گشاده رها کنیم و در پی شهوات و لذات خود روان شویم، وضع اجتماع و سرنوشت زندگی ما چگونه خواهد بود؟

آیا نه چنین است که در اثر این افراط، نسلهایی بدبخت و ضعیف و ناقص از ما باقی خواهد ماند که مسؤولیت بدبختی و ضعف و نقص آن بر عهده وجدان ما خواهد بود.

آیا در میان آن نسل و طبقه شوربخت و تبه روزگار، عده بی‌شماری از زنان نخواهند بود؟ و آیا برای زن از نظر جنس و نوع ثابت و دایمی که در جهان دارد، شایسته و رواست که بعضی از افرادش در قسمتی از زمان و کامرانی افراط کنند و در نتیجه بقیه افراد را در نسلهای بعد و قرنهای آینده بدبخت و بینوا سازند؟ و آیا برای اسلام عیب و نقصی است که نوع بشر را مانند یک زنجیر و حلقات متصل، قرن‌ها و نسل‌ها را پیوسته به یکدیگر می‌داند و روا نمی‌دارد که یک نسل، سعادت و مصلحت نسل دیگر را فدای هوا و هوس خود سازد؟

بلی در صورتی جای ایراد و انتقاد بود که اسلام کلیه انواع تمتع و لذت را مسدود ساخته و فطرت و غریزه را عاطل و باطل گذاشته و غرایز و فطریات بشری را تحت فشار قرار داده باشد؛ ولی آیا اسلام چنین کاری را کرده است؟».

ازدواج اسلامی، ص: ۹۲

حرمت لواط در اسلام

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که:

«حرمت لواط از زنا بیشتر است. به درستی که خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود (قوم لوط)؛ ولی کسی را برای زنا هلاک نفرمود». ^{۹۸} از رسول اکرم صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود: «کسی که با پسری لواط کند، روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و

^{۹۸} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۳ / ح ۱.

آب دنیا او را پاک نمی کند و خشم خدا بر اوست و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می فرماید و بدجایگاهی است».

سپس فرمود: «هر گاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه در آید و خداوند لواط کننده را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می فرماید لواط دهنده را در کنار جهنم نگه می دارد تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می اندازند و در طبقات دوزخ، همیشه معذب خواهد بود».^{۹۹}

(۱) - فروع کافی: ۵/ ۵۴۳ ح ۱.

(۲) - همان: ۵/ ۵۴۴ ح ۲..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۳

کفر بودن لواط

امیرالمؤمنین فرمودند: «لواط (که از گناهان کبیره است و این عقوبتها را دارد) مادامی است که دخول در مخرج نشود؛ اما حکم دخول در دبر، اگر کسی آن را حلال بداند، کفر است؛ زیرا منکر ضروری دین گردیده و اگر آن را حلال نداند، در شدت و طول عذاب مانند کفر است».^{۱۰۰} حذیفه بن منصور گفت از حضرت صادق علیه السلام از لواط - که از گناهان کبیره است - پرسیدم، حضرت فرمود:

^{۹۹} (۲) - همان: ۵/ ۵۴۴ ح ۲..

^{۱۰۰} (۱) - بحار الأنوار: ۱۲/ ۱۶۷ ح ۲۱.

«ما بین دو ران است. پرسیدم از کسی که در دبر دخول می نماید، فرمود: این عمل کفر و انکار است نسبت به آنچه که خدا بر پیغمبرش فرستاده، (یعنی انکار قرآن است)».^{۱۰۱}

سنگ عذاب هنگام مرگ لواط کار

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «بنده ای که عمل قوم لوط را حلال بداند (و در روایت دیگر، کسی که بر لواط کردن اصرار داشته باشد) نمی میرد مگر این که در آن ساعت، خداوند بر او سنگی از همان سنگهای عذابی که بر قوم لوط بارید، می اندازد و مرگ وی در خوردن همان سنگ است و برای این که رسوا نشود، خداوند آن سنگ را از نظر خلق پوشیده است».^{۱۰۲}

(۱) - بحار الأنوار: ۱۲ / ۱۶۷ / ح ۲۱.

(۲) - تهذیب الاحکام: ۱۰ / ۵۳ / ح ۱۹۷ ..

(۳) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۸ / ح ۹ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۴

عذابهای قوم لوط بر ظالمین

در قرآن مجید، سه نوع عذاب برای قوم لوط بیان فرموده:

«صیحه، باریدن سنگ عذاب بر آنها، زیر و رو شدن شهرهای آنها».

^{۱۰۱} (۲) - تهذیب الاحکام: ۱۰ / ۵۳ / ح ۱۹۷ ..

^{۱۰۲} (۳) - فروع کافی: ۵ / ۵۴۸ / ح ۹ ..

بعد می‌فرماید: «عذابی که بر قوم لوط نازل شد، از ظلم‌کنندگان دور نیست».^{۱۰۳} و این تهدید سختی است به کسانی که عمل آنها را مرتکب شوند.

کشته شدن مولا توسط غلام

در زمان عمر، غلامی که مولای خودش را کشته بود پس از اقرار، عمر امر به کشتن نمود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از غلام پرسید: «چرا مولای خود را کشتی؟».

عرض کرد: «او به زور با من لواط کرد، پس او را کشتم».

آن حضرت از اولیای مقتول پرسید: «آیا او را دفن کرده‌اید؟».

گفتند: «آری، هم اکنون از دفنش می‌آییم».

«غلام را تا سه روز نگهدار و پس از سه روز، اولیای مقتول حاضر شوند».

پس از گذشتن سه روز، آن حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند و از اولیایش پرسیدند: «این قبر صاحب شماست؟».

(۱) - هود: ۸۲-۸۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۵

گفتند: «آری».

^{۱۰۳} (۱) - هود: ۸۲-۸۳ ..

سپس فرمود: «قبر را بشکافید تا به لحد برسید». چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند، جنازه را ندیدند. پس آن حضرت تکبیر گفت و فرمود: «به خدا قسم دروغ نگفتم. شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از امت من، عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود، پس در قبرش بیش از سه روز نمی ماند تا این که زمین او را فرو می برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده اند، ملحق می نماید، پس در زمره ایشان محشور می شود».^{۱۰۴}

لواط، کاری زشت و فاحشه است

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «بترس و ترک کن زنا و لواط را که لواط بدتر از زناست و این دو گناه، موجب ۷۲ گونه درد در دنیا و آخرت برای صاحبش می شود».^{۱۰۵}

در قرآن مجید، چنانکه از «زنا» به «فاحشه» تعبیر فرموده این عمل شنیع را هم فاحشه خوانده؛ چنانکه در سوره اعراف می فرماید:

«لوط به قوم خود گفت: آیا کاری را می کنید که در نهایت زشتی است؟ پیش از شما کسی از افراد بشر گرد چنین کار زشتی نگشته. آیا شما با مردان جمع می شوید در هنگام شهوت و زنان را رها می کنید بلکه شما اسراف کنندگانید».^{۱۰۶} چه اسراف بدتر از این که نطفه ای که به منزله بذر است برای

^{۱۰۴} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۴۵ / ح ۹.

^{۱۰۵} (۲) - فقه الرضا علیه السلام: ۲۷۷ ..

^{۱۰۶} (۳) - اعراف: ۸۰ - ۸۱ ..

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۴۵ / ح ۹.

(۲) - فقه الرضا علیه السلام: ۲۷۷ ..

(۳) - اعراف: ۸۰ - ۸۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۶

بقای نوع و نسل انسان و باید در رحم زن قرار گیرد، در غیر محلی که خدا قرار داده، بریزد.

برای تهدید دیگران از نزدیک شدن به این عمل خلاف انسانی، در سوره‌های اعراف، هود، نمل، عنکبوت، قمر و نجم، قوم لوط را یادآوری و کیفیت عذاب ایشان را متذکر می‌شود، باشد که دیگران اندرزی بگیرند.

برای جلوگیری از پیش آمدن چنین عمل شنیعی، چند چیز - که مقدمات قریبه و بعیده آن است - را تحریم فرموده.

۱ - حرمت نگاه شهوتی به پسر

نگاه کردن از روی شهوت به جوان امرد (پسری که هنوز مو به صورتش در نیامده) حرام است و سوء اثر و شدت عقوبت نظر حرام در بحث زنا مفصلاً ذکر گردید، بلکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که:

«فتنه جوان زیبای امرد، از فتنه دختر باکره بیشتر است».^{۱۰۷} پس بر هر مسلمانی واجب است از چشمان خود نهایت مواظبت را بکند که به چنین گناه بزرگی مبتلا نشود.

۲- لجام آتشین برای بوسه شهوت

بوسیدن جوانی از روی شهوت، حرام است؛ چنانچه از حضرت صادق علیه السلام است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد، خداوند او را در قیامت به لجامی از آتش لجام

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۰ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۲

می فرماید».^{۱۰۸} و از حضرت رضا علیه السلام مروی است که: «هر گاه مردی، جوانی را از روی شهوت ببوسد، ملائکه های آسمان و ملائکه های زمین و ملائکه رحمت و ملائکه غضب او را لعنت کنند و جهنم برایش آماده شود و مکان بدی جایگاهش می باشد».^{۱۰۹}

و نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله مروی است: «کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد، خداوند او را در آتش جهنم، هزار سال معذب می فرماید».^{۱۱۰} و اگر مسلم شد که کسی، جوانی را از روی شهوت

^{۱۰۷} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۰ / ح ۲ ..

^{۱۰۸} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۰ / ح ۱ ..

^{۱۰۹} (۲) - فقه الرضا علیه السلام: ۲۷۸ ..

^{۱۱۰} (۳) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۵۱ / ح ۴ ..

بوسیده، باید حد بخورد و حدّش از سی تا نود تازیانه است، هر قدر که حاکم شرع صلاح بداند او را می‌زند.

۳- خوابیدن دو مرد یا دو زن زیر یک لحاف

دو مرد در یک بستر و زیر یک لحاف در صورتی که هر دو عریان باشند، حرام است. و همچنین است حکم دو زن، و فرقی بین محرم و بیگانه نیست.

و در چند روایت است که باید آنها را حد زد و برایش هم حدّ زنا معین شده؛ یعنی آنها را یک صد تازیانه بزنند.^{۱۱۱}

و بعضی از علما فرموده‌اند: «چون برای خوابیدن دو مرد عریان زیر یک لحاف، حد معین شده، پس از گناهان کبیره است».

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۰ / ح ۱.

(۲) - فقه الرضا علیه السلام: ۲۷۸ ..

(۳) - مستدرک الوسائل: ۱۴ / ۳۵۱ / ح ۴.

(۴) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۱ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۸

^{۱۱۱} (۴) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۳۴۱ / ح ۱ ..

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که: «بستر فرزندان خود را از سنّ ده سالگی جدا سازید؛ یعنی دو برادر، یا دو خواهر، یا برادر و خواهر، زیر یک لحاف از همان کوچکی ن خوابند».^{۱۱۲}

حدّ لواط

چون حرمت و فساد لواط بیشتر از زناست، حدّش شدیدتر است و آن کشتن می باشد. هر گاه لواط کننده و دهنده هر دو عاقل و بالغ باشند، هر دو را باید کشت و فاعل را به وسیله شمشیر، یا سنگسار کردن، یا زنده به آتش سوزانیدن یا از بالای بلندی مانند کوه پرتاب کردن با دست و پای بسته شده، بایستی کشت و انتخاب نوع قتل، به نظر حاکم جامع شرایط است.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که: «پس از کشتن، بدنش را به آتش بسوزانید».^{۱۱۳}

این گناه بزرگ مانند زنا به یکی از دو چیز ثابت می شود: یکی اقرار است به این که فاعل، یا مفعول، یا هر دو، به این گناه خود چهار مرتبه اقرار کند و اگر کمتر از چهار مرتبه اقرار کند، حد بر او جاری نمی شود و تنها تعزیر (تأدیب) می شود. و بعضی از فقها فرموده اند:

«چهار مرتبه اقرار، باید در چهار مجلس واقع شود و شرط است در اقرار کننده، بلوغ (پس اگر نابالغ باشد، تأدیب باید شود) و کمال عقل و حرّیت و اختیار (پس اگر به اجبار و اکراه بوده، حد ندارد)».

^{۱۱۲} (۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۲۳۱ / ح ۱.

^{۱۱۳} (۲) - تهذیب الأحکام: ۱۰ / ۵۲ / ح ۱۹۳ ..

دوم: شهادت چهار مرد عادل بالمعاینه است؛ یعنی بگوید به

(۱) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۲۳۱ / ح ۱.

(۲) - تهذیب الأحکام: ۱۰ / ۵۲ / ح ۱۹۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۹۹

چشم خود دیدم که فلان با فلان لواط نموده. و اگر گواهی دهندگان کمتر از چهار نفر باشند، گواهی آنها رد می‌شود و حدّ جاری نمی‌گردد بلکه حدّ قذف - که بعداً ذکر می‌شود - بر آن چند نفر باید جاری شود.

و اگر شخص لواط کننده پیش از گواهی شهود، توبه کند، حد بر او جاری نمی‌شود و هر یک از اقرار و گواهی، اگر بر دخول در دبر باشد، حدّ آن کشتن است و اگر بر تفخیز؛ یعنی دخول در الیه و رانها باشد، حدّ آن یک صد تازیانه است.

چرا حدّ لواط قتل است؟

دو نفری که شرم و حیا را از دست داده و از عالم انسانیت سقوط کرده و در نتیجه انحراف جنسی، در جلو چشم چهار مرد با تقوا با هم جمع شوند، جز جرثومه فساد، چیز دیگر نیستند و اگر زنده بمانند، جامعه را بمانند خود آلوده و منحرف خواهند ساخت؛ چنانکه در قوم لوط، ابتدا شیطان یک نفر را به این گناه آلوده ساخت، سپس آن بدبخت، دیگران را به این گناه وادار کرد تا جایی که در برابر چشم یکدیگر، مردان با مردان و زنان با زنان جمع می‌شدند.

نیز کسی که پس از چنین گناه بزرگی، از کار خود پشیمان نشود و توبه نکند، دانسته می‌شود کفر و انکارش به خدا و سرای آخرت. و بالجمله: چنین شخص، جز کشتن و سوختن او چاره دیگری نیست.

نیز می‌گوییم: برای این که این گناه بزرگ در میان مسلمانان شایع نگردد که در اثر اشاعه، اهمّیت و قبح آن از نظرها دور گردد، در دین اسلام، با این که برای اثبات هر موضوعی، گواهی دو مرد عادل کافی

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۰

است لکن در موضوع اثبات زنا و لواط به گواهی دو نفر یا سه نفر ثابت نمی‌شود بلکه بر آنها جایز نیست گواهی دادن و اگر گواهی دادند، بر آنها حدّ قذف (نسبت زنا یا لواط به مسلمان دادن) جاری می‌شود.

بلی اگر چهار مرد عادل به چشم خود ببینند دخول یا تفخیز را می‌توانند گواهی دهند و به گواهی آنها ثابت می‌شود و حدّ فاعل و مفعول جاری می‌گردد به شرط این که پیش از گواهی، از کردار خود پشیمان و تائب نشوند و الاّ حد ساقط می‌گردد.

و اما اقرار به این که در شرع اسلام، هر انسان بالغ از روی اختیار و عمد به موضوعی که به زیان اوست، اگر یک مرتبه اقرار و اعتراف صریح کند، ثابت می‌شود، لکن در موضوع زنا و لواط تا سه مرتبه هم ثابت نمی‌شود، مگر این که چهار مرتبه تکرار کند و احتمال مزاح یا بیماری روانی یا چیز دیگر داده نشود و این سختگیری برای آن است که از اقرار دست بردارد و حد بر او جاری نشود و دانسته شود که این گناه، آن قدر بزرگ و مغبوض است که هیچ مسلمانی به آن آلوده نمی‌گردد و اهمّیت آن باقی بماند و از این بیان دانسته می‌شود سرّ کراهت اقرار.

توضیح مطلب آن که: اگر مسلمانی به گناه زنا یا لواط آلوده شد، فاش کردن کردار ناروای خود و اقرار به آن مکروه است هر چند اگر نزد حاکم شرع چهار مرتبه اقرار کند و حد بر او جاری شود، عذاب آخرتی قطعاً ندارد و خداوند عادل، جمع نخواهد فرمود بین عقوبت دنیوی و عذاب اخروی و گنهکار، پس از اجرای حد، بر او قطعاً از آن گناه پاک شده است، لکن بهتر آن است که سرّ خود را فاش نکند و تنها

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۱

با پروردگار خود این راز را در میان گذارد و از در توبه و تضرّع به سوی او درآید و به راستی از کردار خود پشیمان و از شرمساری نزد پروردگار، سوخته و گداخته و نالان باشد. امید است که خداوند به ناله‌های او ترحّم فرموده و از آن آلودگی پاکش فرماید. و البته باید تا آخر عمر، بین خوف و رجا باشد؛ یعنی هم از عقوبت آخرت بترسد و هم امید به فضل و کرم الهی داشته باشد. و به عبارت دیگر، نه مغرور و بی درد و بی باک باشد بمانند این که کاری نکرده و گناه خود را کوچک شمرده و خود را پاک پنداشته باشد و نه یأس و ناامیدی او را بگیرد و خیال کند گناه او بزرگتر از آن است که آمرزیده شود و از این روی خدا را نخواند و از او طلب آمرزش نکند.

در خاتمه این بحث چند روایت ذکر می‌شود:

۱- امیرالمؤمنین فرمود: «اگر سزاوار بود که کسی دو بار سنگسار شود، هر آینه لواط کننده این چنین سنگسار می‌شد».^{۱۱۴} شریعت‌های آسمانی متّفقاً با این خوی نکوهیده به مبارزه پرداخته‌اند؛ زیرا اساس بقای

^{۱۱۴} (۱) - تهذیب الاحکام: ۱۰ / ۵۳ / ح ۱۹۶ ..

اجتماع، تناسل است و لواط، مانع از آن است و در نتیجه این عمل منکر، اجتماع را در معرض فساد و زوال قرار می‌دهد. به علاوه ارتکاب این عمل موجب آن می‌شود که روح مردانگی انسان از میان برود و سرانجام از قیام به وظایف حیاتی و اجتماع - که مستلزم داشتن روح رجولیت حقیقی است - عاجز ماند و صدمه‌ای عظیم از این راه متوجه اجتماع شود؛ زیرا برای آن که تناسل

(۱) - تهذیب الاحکام: ۱۰/۵۳/ح ۱۹۶ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۲

بر اساس صحیح انجام شود لازم است که مرد و زن در جهت رجولیت و انوئیت کامل و صحیح باشند و لواط یا نسل را از میان می‌برد و یا آن را ضعیف می‌سازد.

توبه و نجات از آتش

در فروع کافی، کتاب الحدود از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در میان جماعت اصحاب بودند. مردی آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین علیه السلام با پسر لواط نموده‌ام پاکم کن (یعنی بر من اجرای حد فرما)».

حضرت فرمود: «برو به خانه‌ات شاید سودایی در طبعت حرکت کرده باشد (چون به سبب احتمال شبهه، حد ساقط می‌شود، لذا فرمود: شاید حواست حاضر نیست و اقرار از روی کمال عقل و شعور نیست)». روز دیگر آمد و همان اقرار را کرد و خواهش اجرای حد را تکرار نمود.

حضرت ثانیاً فرمود: «به منزلت رو، شاید سودایی در طبعت کرده و چنین اقراری می‌کنی»، تا آن که سه مرتبه بازگشته و همان طور اقرار و سپس خواهش را تکرار کرد.

در مرتبه چهارم حضرت فرمود که: «پیغمبر صلی الله علیه و آله در این واقعه سه حکم فرموده، هر یک را می‌خواهی اختیار کن؛ یکی این که دست و پایت را بندند و از کوه پرتابت کنند، یا این که با شمشیر تو را بکشند، یا با آتش تو را بسوزانند؟».

عرض کرد: «یا علی! کدام یک از اینها دشوارتر است؟».

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۳

حضرت فرمود: «سوزاندن با آتش».

گفت: «آن را اختیار کردم».

حضرت فرمود: «تهیه کار را خودت بکن».

گفت: «چنین خواهم کرد». پس برخاست و دو رکعت نماز خواند، سپس گفت: «خدایا! گناهی از من سرزده که تو به آن دانایی و من از گناه خود ترسیدم و به نزد وصی رسول تو آمدم و از او خواهش کردم مرا از گناه پاک کند. او مرا بین سه نوع عقوبت مختار فرمود.

خداوندا! من آن را که سخت‌تر بود انتخاب کردم. از تو می‌خواهم که این عقوبت را از کفاره گناهان من گردانی و مرا در آخرت به آتش خود در جهنم نسوزانی».

پس گریان برخاست و در گودالی پر از آتش که برایش آماده شده بود، نشست. آتش از اطرافش شعله می کشید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر حالش رقت فرمود و گریان شد و اصحاب همه به گریه درآمدند، پس از آن، حضرت فرمود: «برخیز ای مرد! که ملائکه آسمان و زمین را به گریه درآوردی. به درستی که خداوند، توبهات را پذیرفت. برخیز و به آن گناهی که کردی نباید برگردی».^{۱۱۵}

یک حکم فقهی

مشهور بین فقها آن است که اگر گنهکار، پس از اقرار و حاضر شدن برای اجرای حد، توبه نماید، امام مخیر است که حد را اجرا کند

(۱) - فروع کافی: ۷ / ۲۰۱ - ۲۰۲ / ح ۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۴

یا نکند؛ چنانچه در حدیث مزبور، امام علیه السلام از اجرای حد صرف نظر فرمود و این اختیار اجرای حد، مخصوص موردی است که گناه با اقرار گنهکار ثابت شود نه به شهادت شهود که در این صورت توبه گنهکار در اجرا نمودن حد، تأثیری نداشته و حتماً باید حد اجرا شود.

حکم وضعی لواط

^{۱۱۵} (۱) - فروع کافی: ۷ / ۲۰۱ - ۲۰۲ / ح ۱ ..

باید دانست که مادر و خواهر و دختر پیری که لواط داده بر لواط کننده حرام همیشگی است؛ یعنی پس از این عمل زشت، دیگر هیچ وقت نمی تواند مادر و دختر و خواهر لواط دهنده را بگیرد.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۵

حرمت استمنا از نظر اسلام

«استمنا»، عبارت است از بیرون کردن منی خود از راه غیر طبیعی مانند: مالیدن آلت به دست یا سایر اعضای خود یا به اعضای دیگری غیر از همسر.

در آخر کتاب حدود جواهر می نویسد: «هر کس به دستش یا عضو دیگرش، استمنا کند، باید تعزیر شود؛ چون کار حرامی بلکه کبیره ای را مرتکب شده است؛ چنانکه از حضرت صادق علیه السلام از حکم آن می پرسند، آن حضرت می فرماید: گناه بزرگی است که خداوند در قرآن مجید از آن نهی فرموده است و استمنا کننده مثل این است که با خودش نکاح کرده و اگر کسی که چنین کاری می کند بشناسم، با او همخوراک نخواهم شد».

روای حدیث می پرسد: «از کجای قرآن حکم آن فهمیده می شود؟».

حضرت فرمود: «از این آیه که می فرماید: هر کس با غیر از همسر و کنیزش شهوتش را دفع کند ایشان تجاوز کارانند».^{۱۱۶}

^{۱۱۶} (۱) - مؤمنون: ۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۶

راوی پرسید: «گناه زنا بزرگتر است یا استمنا؟».

حضرت فرمود: «استمنا گناه بزرگی است».

از امام علیه السلام حکم استمنا را می پرسند، می فرماید: «از گناهان بزرگ و بسیار زشت است».

و از حکم کسی که با حیوانی آمیزش کند یا به وسیله مالیدن، شهوتش را دفع می کند، پرسیدند، فرمود: «هر کس شهوت خود را به این وسیله و مانند آن دفع کند، در حکم زنا کردن است (یعنی با گناه زنا برابر می باشد)».

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «سه دسته اند که خداوند با ایشان سخن نمی گوید و به نظر رحمت به ایشان نمی نگرد و پاکشان نفرموده و برایشان عذاب دردناکی است: کسی که موی سفیدش را بکند (تا نمایش دهد که جوان است) و کسی که به وسیله عضو خودش، شهوتش را خارج کند و کسی که با او لواط کرده شود».^{۱۱۷} صاحب جواهر می فرماید: «مستفاد از ادله، جواز استمنا با زوجه و کنیز است لکن اولی ترک آن است. و در مسالک نیز قریب به همین را ذکر فرموده لکن طریق احتیاط ترک آن است».^{۱۱۸}

^{۱۱۷} (۱) - جواهر الکلام: ۴۱ / ۶۴۷ - ۶۴۸.

^{۱۱۸} (۲) - همان: ۶۴۹ ..

متأسفانه به واسطه مشکلات بی حد و حساب ازدواج و مجرد جوانان، به قرار مسموع این مرض خانمانسوز و گناه کبیره، شیوع فوق العاده پیدا کرده و دانسته یا ندانسته بسیاری از جوانان عزیز را به انواع

(۱) - جواهر الکلام: ۴۱ / ۶۴۷ - ۶۴۸.

(۲) - همان: ۶۴۹ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۷

و اقسام بیماریها مبتلا می سازد. صرف نظر از عقوبتهای اخروی که دارد، وظیفه پدرها و مادرهاست که فرزندان خود را بیاگاهانند و مواظب جوانان خود باشند. و همچنین در مرتبه دوم وظیفه دبیران و آموزگاران تعلیمات دینی و بهداشتی است که جوانان را به عواقب وخیم روحی و جسمی این بلیه باخبر سازند.

در این جا مقداری از مضرات استمنا را از کتاب «ناتوانیهای جنسی» - که مجموعه ای از نوشته های متخصصین فن است - نقل می کنیم:

مضرات جسمی و روحی استمنا

«این عمل، مبتلایان را به ضعف قوای شهوانی دچار می کند.

جبون و بی حال بار می آیند. شهامت و درستی از آنان سلب می شود.

چه بسا اشخاصی هستند که در عنفوان جوانی، در اثر مبتلا شدن به جلق، چنان دچار ضعف قوای روحی و جسمی می‌شوند که معتادین به تریاک و شیره در مقابل آنان شیر نری به شمار می‌آیند.

عمل غیر طبیعی جنسی؛ یعنی استمنا یا جلق از لحاظ روابط نزدیکی که با حواس پنجگانه دارد، در درجه اول، در چشم و گوش اثر می‌گذارد؛ بدین معنی که دیدن چشم را ضعیف کرده و حسّ سامعه را نیز تا اندازه قابل توجهی از کار می‌اندازد. مبتلایان به جلق، مخصوصاً آنها که از لحاظ جسمانی ضعیف می‌باشند؛ غالباً مگسی جلو چشم خود می‌بینند که به شدّت آنها را ناراحت می‌کند و حتی وقتی چشمهای خود را می‌بندند باز نمی‌توانند از آسیب مگس، در امان

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۸

باشند و چون این عمل، هر بار چندین دقیقه ادامه پیدا می‌کند، چشمان سیاهی رفته و دچار سرگیجه می‌شوند و به زمین می‌افتند.

همچنین به طور مدام صدای ناهنجاری در گوش خود احساس می‌کنند که بسیار ناراحت کننده است.

علاوه بر اینها تحلیل رفتن قوای جسمانی و روحانی، کم شدن خون، پریدگی رنگ، نقصان قوای حافظه، لاغری، ضعف و سستی زیاده از حد، بی‌اشتهایی، کج خلقی، عصبانیت، دوران سر و هزاران آفت دیگر از بیماریهایی است که گریبان مبتلایان به جلق را خواهد گرفت.

البته آنهایی که از لحاظ جسمی، قوی هستند ممکن است قدری دیرتر به این بیماریها دچار شوند؛ ولی به هر حال عدم ابتلا به آنها از محالات است و خواه ناخواه همه باید به چنین مصایبی گرفتار شوند.

از بدبختیهای مبتلایان به جلق یکی این است که قوه اراده آنان به کلی مختل می گردد و لذا وقتی به عمل خود پی می برند، آن قدر اراده ندارند که به ترک آن اقدام نمایند، پس این که می گوییم استمنا از لحاظ روحی نیز قوای انسان را فرسوده می کند، بی علت نیست.

عمل استمنا علاوه بر مضار جسمی، از لحاظ جنسی نیز شخص را فرسوده می کند؛ یعنی غدد مترشحه داخلی را از کار می اندازد از جمله این غدد، غده سازنده منی است که بر اثر جلق، رفته رفته کوچک شده و به صورت نخودی در می آید و چون در آن صورت قادر به فعالیت و ساختن منی یا به قول عربها ماء الحیات؛ یعنی آب زندگانی نیست، شخص مبتلا برای همیشه از لذایذ جنسی محروم می گردد. و اگر به این صورت از مردی نیفتاد، به طور قطع به صورت

ازدواج اسلامی، ص: ۱۰۹

دیگری مثل سرعت انزال، کندی انزال، سیلان منی، عدم نعوظ، نعوظ بی دوام و امثال اینها به ناتوانی جنسی مبتلا خواهد شد. چه بسا دیده یا شنیده شده که جوانان معتاد به جلق در اندک مدتی، دچار چنان حالتی گردیده که به جای ادرار، خون از آنها خارج می شود.

باید دانست اشخاصی که به این حالت دچار می شوند ولو در سنین جوانی باشند، خطر مرگ در انتظار آنهاست؛ زیرا بدون احساس شهوانی و بدون این که لذتی ببرند، بلا انقطاع منی از آنها خارج می گردد و

همین امر باعث می‌شود که در حین راه رفتن، دفعه‌تاً زمین بخورند و از هوش بروند.

سری به تیمارستان تهران بزنید، از هر ده نفر دیوانه‌ای که در آن جا سکونت دارند، نه نفر معتاد به جلق می‌باشند؛ یعنی بر اثر استمنا کارشان به جنون کشیده و به گوشه تیمارستان افتاده‌اند؛ زیرا عمل مذموم و ناپسند جلق، در قوای دماغی تأثیر زیادی دارد. و وقتی قوای دماغی شخص مختل شد، مسلّم است که کارش به دیوانگی خواهد کشید، بدون اغراق از هر ده نفر بیمار مسلولی که در آسایشگاه خوابیده‌اند، چهار نفر به علت ابتلا به این بیماری خطرناک، دچار گردیده‌اند. اینها ادعا نیست بلکه حقیقتی است که علما و دانشمندان با دهها سال تجربه به درک آن موفق شده‌اند.

دنیای امروز می‌گوید: خوب بخور، در هیچ امری افراط نکن، قوی باش تا بیمار نشوی، ولی معتادین به جلق چون اشتهای خوب خوردن ندارند و در امور جنسی آن هم از راه غیر طبیعی افراط می‌کنند، ناچار ضعیف‌اند و چون ضعیف هستند، برای ابتلا به هر نوع

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۰

بیماری، مستعد می‌باشند.

به کرات دیده شده که بعضی از مبتلایان به جلق در اثر افراط در این عمل، به یک نوع بیماری به نام جنون استمنا که شباهت زیادی به سادیسم دارد مبتلا می‌شوند و آن وقت حتی با دیدن سگ و گربه هم به فکر استمنا می‌افتند و بلافاصله مشغول عمل می‌شوند و چون هیچ مردی حتی پرشهووترین اشخاص نمی‌توانند بیش از پنج یا شش ماه از نیروی

جنسی خود، آن هم به صورتی که مورد بحث ماست بهره‌برداری کند، لذا قوای تناسلی آنان به کلی از کار می‌افتد و یا به وضع دلخراشی به آغوش مرگ، پناه می‌برند.

ممکن است بعضی از اشخاص مبتلای به جلق که به علت قویّ الجثه بودن و یا از لحاظ مبتدی بودن در این امر، تاکنون بیمار نشده و به مضار عمل ناپسند خود پی نبرده باشند، مطالبی را که ما در مضرات جلق نوشتیم، اغراق پنداشته و با خود بگویند اگر این طور است پس چرا ما تاکنون به این بیماریها مبتلا نشده‌ایم؟!

در جواب این عده باید گفت: اگر امروز مضار جلق گریبان شما را نگرفته، علتش این است که قویّ الجثه هستید و یا تازه شروع به کار کرده‌اید و الاّ چندی دیگر خواه ناخواه به سراغ شما نیز خواهد آمد وانگهی ما ادّعا نکرده‌ایم که هر کس یک هفته مبادرت به استمنا کرد تمام بیماریها یکباره او را احاطه خواهند کرد؛ زیرا حالات اندرونی در اشخاص فرق می‌کند؛ مثلاً ممکن است یک نفر که برای مدّتی مبادرت به جلق کرد در وهله اوّل فقط به سستی اعصاب یا اختلال حسّ سامعه یا ضعیف شدن حسّ باصره یا سرگیجه مبتلا شود؛ ولی

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۱

بعداً سایر بیماریها یک یک به سراغ او بیایند.

پس جلق از نظر شرعی و هم از نظر عرفی و به طور خلاصه من جمیع الجهات حرام و ناپسند است».

ضررهای استمنا از دیدگاه علم

در کتاب «ناتوانیهای جنسی» - که چکیده نظریات پاره‌ای از اطباء و کارشناسان امور جنسی است - پاره‌ای از زیانهای استمنا را برشمرده است که چکیده‌ای از آن را برای خوانندگان نقل می‌کنیم.

- «این عمل، مبتلایان را به ضعف قوای شهوانی دچار می‌کند و سلامت و تندرستی افراد را به مخاطره می‌اندازد.

- این عمل غیر طبیعی جنسی، از لحاظ روابط نزدیکی که با حواس پنجگانه دارد، در درجه اول در چشم و گوش اثر می‌گذارد؛ بدین معنا که دید چشم را ضعیف کرده و حسّ سامعه را نیز تا اندازه قابل توجهی از کار می‌اندازد.

- مبتلایان به استمنا بخصوص آنها که از لحاظ جسمانی ضعیف هستند غالباً مگس جلوی چشم خود می‌بینند که به شدت آنها را ناراحت می‌کند و حتی وقتی چشمهای خود را می‌بندند، باز نمی‌توانند از آسیب مگس در امان باشند و چون این عمل، هر بار چندین دقیقه ادامه پیدا می‌کند، چشمشان، سیاهی رفته و دچار سرگیجه می‌شوند و به زمین می‌افتند. همچنین به طور مداوم صدای ناهنجاری در گوش خود احساس می‌کنند که بسیار ناراحت کننده است.

- علاوه بر اینها، تحلیل قوای جسمانی و روحانی، کم شدن

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۲

خون، پریدگی رنگ، نقصان قوای حافظه، لاغری، ضعف و سستی زیاده از حد، بی‌اشتهایی، کج خلقی، عصبانیت، دوران سر و هزاران آفت دیگر از بیماریهایی است که به طور قطع گریبان مبتلایان به جلق را خواهد

گرفت؛ البته آنها که از لحاظ جسمی قوی هستند، ممکن است قدری دیرتر به این بیماریها دچار شوند؛ ولی به هر حال عدم ابتلا به آنها از محالات است و خواه ناخواه به چنین مصایبی گرفتار می‌شوند.

- یکی دیگر از بدبختیهای مبتلایان، تزلزل و اختلال در قوه اراده آنهاست، لذا وقتی به این عمل دست زدند، آن قدر اراده ندارند که به ترک آن اقدام کنند.

- استمنا از لحاظ جنسی نیز شخص را فرسوده می‌کند؛ یعنی غدد مترشحہ داخلی را از کار می‌اندازد که از جمله آنها غده سازنده منی است که رفته رفته کوچک شده به صورت نخودی در می‌آید و چون در آن صورت دیگر قادر به ساختن منی نیست، شخص مبتلا برای همیشه از لذت‌های جنسی محروم می‌گردد و اگر از مردی نیفتد به طور قطع به بیماریهایی مانند سرعت یا کندی انزال، سیلان منی، عدم نعوظ، نعوظ به دوام و امثال اینها به ناتوانی جنسی مبتلا خواهد شد.

- مبتلایان به این عمل، علاوه بر ضعف اعصاب، لرزش دست، سستی کمر، اختلال جهاز هاضمه، استفراغ غیر قابل علاج، دوران سر، سلسله البول، سیلان منی، فراموشکاری و ... گاهی حتی ابله و خل بار می‌آیند و برای ابتلا به هر نوع بیماری خطرناک به خصوص سل، مستعد می‌باشند.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۳

- استمنا در قوای دماغی، تأثیر زیاد دارد و وقتی قوای دماغی مختل شد، مسلم است که کار به جنون و دیوانگی می‌کشد.

- بعضی مبتلایان به استمنا، بر اثر افراط در این عمل، به یک نوع بیماری به نام «جنون استمنا» که شباهت زیادی به سادیسم دارد، مبتلا می‌شوند و آن وقت حتی با دیدن سگ و گربه هم به فکر استمنا می‌افتند و چون هیچ مردی نمی‌تواند بیش از پنج- شش ماه از نیروی جنسی خود به این صورت استفاده کند، لذا یا قوای تناسلی آنان به کلی از کار می‌افتد و یا به وضع دلخراشی به آغوش مرگ پناه می‌برند.

به طور خلاصه، جلق هم از نظر شرعی، هم عرفی، هم علمی و من جمیع الجهات، حرام و ناپسند است و معتادین به این عمل خانمانسوز، هر چه زودتر باید از آن دست بردارند و اگر خدای ناکرده گفته خدا و رسول را باور ندارند، لااقل به جسم و جان خود ترحم نمایند.

بعضی از اشخاص به خصوص آنها که انحراف طبع دارند به طور ایستاده عمل جماع را انجام می‌دهند که این عمل، به طور قطع خطراتی در بر دارد؛ زیرا هر عملی که از مجرای طبیعی خود منحرف شود، ضررهایی در بردارد و جماع ایستاده درست مثل این است که کسی غذای سنگینی بخورد و در رختخواب بماند یا به حالت بالانس ایستاده و ادرار کند. همان طور که خوردن غذا در حال خواب، معده را خسته می‌کند و ایستاده ادرار کردن، کلیه و مثانه را ناراحت می‌کند، جماع ایستاده هم اعصاب دستگاه تناسلی و غدد مربوط را خسته کرده از فعالیت باز می‌دارد».

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۴

حرمت مساحقه از دیدگاه اسلام

زنی به حضرت صادق علیه السلام گفت: «زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند (فرج خود را بفرج یکدیگر می مالند) حدشان چیست؟».

امام علیه السلام فرمود: «حدّ زناست (یک صد تازیانه) به راستی چون قیامت شود، آنها را می آورند و لباسهایی که از آتش بریده شده، بر آنها می پوشانند و مقنعه های آتشین بر سرشان می بندند و زیرجامه های آتشین به بدنشان می پوشانند و عمودهای آتشین در جوفشان فرو می کنند و آنها را در جهنّم می اندازند. ای زن! اولین قومی که مساحقه بینشان رواج یافت، قوم لوط بودند که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی شوهر ماندند، پس به یکدیگر مشغول شدند؛ چنانچه مردان با هم مشغول بودند (و هنگام نزول عذاب، همگی به هلاکت رسیدند)». ^{۱۱۹} و در حدیث دیگر فرمود: «به خدا سوگند! مساحقه، زناي بزرگ است». ^{۱۲۰}

(۱) - فروع کافی: ۵ / ۵۵۱ - ۵۵۲ / ح ۲.

(۲) - همان: ۵۵۲ / ح ۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۵

و نیز حضرت در پاسخ زنی که از مساحقه زنان با یکدیگر پرسید، فرمود: «در جهنّم اند؛ چون قیامت شود چادرهایی از آتش بر آنها پوشیده می گردد و عمودهای آتشین در باطن و عورتهايشان داخل می کنند و آنها را در جهنّم می اندازند».

^{۱۱۹} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۵۵۱ - ۵۵۲ / ح ۲.

^{۱۲۰} (۲) - همان: ۵۵۲ / ح ۴ ..

زن گفت: «از این عمل در قرآن مجید یادی نشده؟».

حضرت فرمود: «بلی».

عرض کرد: «کجا؟».

حضرت فرمود: «... وَأَصْحَبَ الرَّسِّ ...».^{۱۲۱}

در تفسیر صافی^{۱۲۳} روایت مفصلی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اصحاب رسّ نقل کرده است.

و همچنین مرحوم مجلسی هم آن را در جلد سوم حیوة القلوب ذکر فرموده است. برای اطلاع از سرگذشت ایشان و گناهای که مرتکب می شدند که از آن جمله مساحقه زنان بوده به کتب مزبور مراجعه شود.

کیفیت هلاکتشان را این طور بیان می فرماید که: «خداوند باد سرخ سختی بر آنها فرستاد و زمین آنها هم آتش فشانی کرد و ابر سیاهی بالای سرشان نمودار شد و بر آن صاعقه بارید به طوری که همه را آب کرده هلاک ساخت».

حدّ مساحقه

هر گاه زن چهار مرتبه به این عمل حرام اقرار کرد، یا چهار مرد

(۱) - فرقان: ۳۸.

^{۱۲۱} (۱) - فرقان: ۳۸.

^{۱۲۲} (۲) - تفسیر قمی: ۲ / ۱۱۳.

^{۱۲۳} (۳) - تفسیر صافی: ۴ / ۱۳ - ۱۶ ..

(۲) - تفسیر قمی: ۱۱۳ / ۲.

(۳) - تفسیر صافی: ۱۳ / ۴ - ۱۶ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۶

عادل شهادت دادند، باید هر یک از آن دو زن را یک صد تازیانه بزنند و در صورتی که پیش از اقرار یا شهادت عدول، توبه کرده باشند، حد ساقط می شود.

همان طوری که قبلاً اشاره شد، خوابیدن دو مرد یا دو زن عریان با هم زیر یک لحاف، به طوری که حائلی بینشان نباشد، حرام است و اگر نزد حاکم شرع ثابت شود، باید آنها را به کمتر از یک صد تازیانه (به هر اندازه که صلاح بداند) تعزیر و تأدیب کند و در چند روایت، حدشان یک صد تازیانه ذکر شده است.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۲

حرمت قیادت و دیانت از نظر اسلام

قیادت

«قیادت»، رسانیدن مرد و زنی برای زنا یا دو مرد برای لواط است و شبهه‌ای در حرام بودن بلکه کبیره بودن آن نیست؛ زیرا از گناهانی است که در نصوص معتبر، بر آن وعده عذاب داده شده و در شرع مقدس، برای آن حد، معین شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس برای وقوع زنا یا مرد و زنی واسطه شود، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید و جایش

دوزخ است و جهنم بد جایگاهی است و همیشه مورد خشم خداست تا بمیرد.^{۱۲۴} حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت فرمود زن زنا کار و زنی که واسطه کار است».^{۱۲۵}

به علاوه شخصی که قیادت می‌کند نه تنها نهی از منکر را ترک

(۱) - ثواب الاعمال و عقاب الأعمال: ۳۳۷.

(۲) - معانی الأخبار: ۲۵۰ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۸

کرده بلکه سعی در وقوع منکر نموده است.

و نیز قیادت از گناهانی است که نزد هر دینداری، کبیره و عظیم است.

شیخ انصاری در مکاسب محرّمه می‌فرماید: «قیادت حرام است و آن سعی کردن در رسیدن دو نفر به وطی حرام می‌باشد و از گناهان کبیره است».^{۱۲۶} و «واصله» که مورد - لعنت است - به معنی «قیادت» تفسیر شده است.

از حضرت صادق علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار دسته را لعنت فرموده است: «اوّل: کننده موی زنان و زنی که حاضر می‌شود مویش را بکنند. دوّم: زنی که دندان زنان را می‌تراشد و

^{۱۲۴} (۱) - ثواب الاعمال و عقاب الأعمال: ۳۳۷.

^{۱۲۵} (۲) - معانی الأخبار: ۲۵۰ ..

^{۱۲۶} (۱) - مکاسب محرّمه: ۲ / ۲۲۴ ..

زنی که برای این کار حاضر می‌شود. سوّم: واصله و مستوصله (زانیه و قواده).

چهارم: زن خالکوب و زنی که خال بر بدنش می‌کوبند.^{۱۲۷} حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: «واصله - که مورد لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است - زنی است که در سنّ جوانی، زانیه بوده و در پیری زنان را برای زنا به مردان می‌رساند».^{۱۲۸}

حدّ قیادت

به دو مرتبه اقرار خود شخص، یا شهادت دو نفر عادل، «قیادت» ثابت می‌شود و پس از ثبوت، باید او را هفتاد و پنج تازیانه بزنند؛ چه

(۱) - مکاسب محرّمه: ۲ / ۲۲۴ ..

(۲) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۱۳۳ / ح ۷ ..

(۳) - فروع کافی: ۵ / ۱۱۹ / ح ۳ (با اختلاف در راوی) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۱۹

مرد باشد و چه زن و بعضی از فقها فرموده‌اند: «اگر مرد باشد، علاوه بر آن، باید سرش را بتراشند و رسوایش کنند و از شهر بیرونش نمایند». و بعضی فرموده‌اند: «در مرتبه دوّم نفی بلد (تبعید) شود». و تفصیل آن در کتاب حدود ذکر شده است.

^{۱۲۷} (۲) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۱۳۳ / ح ۷ ..

^{۱۲۸} (۳) - فروع کافی: ۵ / ۱۱۹ / ح ۳ (با اختلاف در راوی) ..

سخن امام صادق علیه السلام درباره دیوث

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «سه دسته هستند که در قیامت، خداوند با آنها سخن نمی‌فرماید و نظر رحمت به ایشان نفرموده و ایشان را پاکیزه نمی‌کند و بر ایشان عذاب دردناکی است: پیر زنا کار، دیوث و زن شوهردار که با او زنا شود».^{۱۲۹} پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بوی بهشت به مسافت پانصد سال راه می‌رسد؛ ولی عاق والدین و دیوث از او محرومند». گفته شد: «یا رسول الله! دیوث کیست؟».

حضرت فرمود: «مردی که زنش زنا بدهد و او بداند».^{۱۳۰} و نیز فرمود: «خداوند به عزّت و جلالش قسم یاد فرموده که شرابخوار و نمّام و دیوث داخل بهشت نشوند».^{۱۳۱} و حضرت صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «بهشت بر دیوث حرام است».^{۱۳۲}

(۱) - فروع کافی: ۵ / ۵۳۷ / ح ۷.

(۲) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۵۴ / ح ۹ ..

(۳) - همان: ۱۲ / ۳۰۸ / ح ۹.

(۴) - فروع کافی: ۵ / ۵۳۷ / ح ۸ ..

^{۱۲۹} (۱) - فروع کافی: ۵ / ۵۳۷ / ح ۷.

^{۱۳۰} (۲) - وسائل الشیعه: ۲۰ / ۱۵۴ / ح ۹ ..

^{۱۳۱} (۳) - همان: ۱۲ / ۳۰۸ / ح ۹.

^{۱۳۲} (۴) - فروع کافی: ۵ / ۵۳۷ / ح ۸ ..

وجوب اطاعت از والدین

از جمله کسانی که اطاعت آنها اطاعت خداست «والدین اند» که در قرآن مجید، اذیت آنها را تحریم فرموده است و پس از امر به اطاعت خود، امر به احسان به آنها می‌فرماید:

«در حکم پروردگار است که پرستش نکنید مگر او را و به پدر و مادر خود نیکی کنید. اگر یکی از ایشان را پیری برسد یا هر دو پیر شوند و محتاج خدمت تو گردند، پس به ایشان کلمه اف مگو (که به معنی اظهار انزجار و تنفر است) و زجر مکن ایشان را و به ایشان از روی ادب و نیکوئی سخن گوی و فرو گیر بر ایشان، بال تذلل و تواضع را؛ یعنی بر ایشان از روی شفقت فروتنی کن».^{۱۳۳} ضمناً باید دانست که جمیع اوامر و نواهی ایشان واجب‌الاطاعه نیست بلکه مشروط است که امر به حرامی و نهی از واجبی نباشد که در این صورت اطاعت خدا و رسول مقدم است؛ چنانکه صریح قرآن مجید است.

(۱) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

و نیز قدر مسلم از وجوب اطاعت آنها در مواردی است که مخالفتشان موجب اذیت و ناراحتی شان گردد؛ زیرا اذیت آنها به نص قرآن مجید

^{۱۳۳} (۱) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

حرام است، پس اگر امر به چیزی نمودند یا نهی از چیزی کردند که در مخالفت آنها اذیت است؛ البته در این صورت، اطاعتشان واجب می‌باشد.

اما در صورتی که امر به چیزی می‌کنند یا از چیزی نهی می‌کنند بگونه‌ای که اگر اولاد عمل نکنند، اذیت نمی‌شوند، مثل جاهایی که در نظرشان مهم نیست، در این صورت، مخالفت آنها حرام نیست؛ مانند این که: والدین فرزند خود را از مسافرت منع می‌کنند لکن حال آنها جوری است که اگر مسافرت کند، ایشان ناراحت نمی‌شوند، در این صورت سفر مباح است؛ ولی اگر جوری است که مسافرت موجب ایدای ایشان می‌گردد البته سفر، معصیت و نماز در چنین سفری، تمام و روزه هم ساقط نیست.

موارد وجوب اطاعت از والدین

امر و نهی والدین در واجبات عینیّه و محرّمات الهیّه، هیچ تأثیری ندارد و لغو است؛ مثل این که اولاد را امر به شرب خمر کنند، یا او را از نماز واجب نهی کنند، فایده ندارد؛ چنانچه در آیه شریفه گذشته تصریح می‌فرماید.

و در حدیث شریفی که می‌فرماید: «طاعتی برای مخلوق در معصیت خالق نیست»،^{۱۳۴} به این مطلب تصریح می‌شود.

(۱) - وسائل الشیعه: ۱۶ / ۱۵۵ / ح ۱۰ ..

در غیر این دو صورت؛ یعنی در مستحبات، مکروهات و مباحات بلکه واجبات کفائیه، قدر مسلم از وجوب اطاعت امر و نهی ایشان، مواردی است که مخالفت نمودن آنها موجب اذیت و ناراحتی ایشان گردد و خاطر آنان آزرده و قلبشان شکسته شود، در این صورت است که مخالفت کردن ایشان، حرام و گناه کبیره است؛ چون مصداق حقیقی عقوق است؛ مثلاً هر گاه فرزند بخواهد سفر غیر واجبی برود و والدین در اثر ترس از رسیدن ضرری به او، یا در اثر شدت علاقه و نداشتن طاقت دوری فرزند، او را از این مسافرت نهی کنند به طوری که اگر مخالفت کند و به این سفر برود، سخت ناراحت و آزرده خاطر می‌شوند، در این صورت سفر، حرام و معصیت خواهد بود و نماز را در چنین سفری، تمام بخواند و اگر ماه رمضان باشد، روزه‌اش را هم باید بگیرد.

و بالجمله: هر موردی که مخالف والدین، سبب اذیت و خشمناکی و آزرده‌گی ایشان گردد، حرام است، مگر این که اطاعت ایشان، موجب عسر و حرج بر فرزند شود، یا متضمن ضرر فوق العاده دینی یا دنیوی گردد؛ مانند این که پسر را از گرفتن عیال منع کنند در حالی که زن نگرفتن برایش مشکل و حرج است. یا دختر را از شوهر کردن نهی نمایند، در صورتی که ترک شوهر، برایش حرج یا ضرر است، یا مانند این که پسر را امر کند زنش را طلاق دهد که مستلزم زیان فاحشی است، واجب نیست؛ اما سایر امرهایی که می‌کنند و از مخالفت اولاد هیچ گونه اذیت و ناراحتی برای آنها نیست، حرمت مخالفت و وجوب اطاعت معلوم نیست. بلی بهتر بلکه احتیاط آن

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۳

است که تا بشود اوامر ایشان را پیروی و از مخالفت کردن آنها پرهیزد.

خصوصاً در مواردی که والدین به مصلحت اولاد، امر و نهی کرده‌اند نه به ملاحظه مصلحت شخصی خودشان.

حکم تعارض امر و نهی والدین

هر گاه بین امر والدین، تعارض واقع شود؛ مثلاً پدر می‌گوید: فلان کار را بکن و مادر می‌گوید: نکن، در صورتی که بشود جلب رضایت هر دو را کرد، بایستی این کار را بکند؛ ولی اگر رعایت هر دو میسر نمی‌شود، جانب مادر را ترجیح دهد؛ زیرا اولاً: مادر بیش از پدر، استحقاق بر نیکی دارد؛ چون رنج و ناراحتی برای اولاد بیشتر دیده، خصوصاً موقع حمل و زائیدن و ایام شیر دادن؛ چنانچه در روایات گذشته بیان گردید.

ثانیاً: چون مادر، احساساتی و عاطفه‌ای است، در اثر لطافت و کثرت عاطفه، اندک خلاف توقع و میلی که از اولاد ببیند، افسرده خاطر و دلشکسته می‌گردد؛ ولی پدر، در اثر قوت عقلی که بالنسبه به مادر دارد، ممکن است هیچ متأثر نشود، خصوصاً به ملاحظه این که می‌بیند فرزند برای رعایت خاطر مادر، مخالفتش کرده نه از روی عناد و سرپیچی از امر پدر.

لزوم تحصیل اذن والدین

در شرع مقدس اسلام، امر شده که فرزند باید از پدر و مادر یا هر دو، در بعضی از موارد اذن بگیرد. برای ادای بعضی از واجبات کفائیه مانند: جهاد و بعضی از مستحبات مانند: روزه مستحبی و بعضی از

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۴

عقود مانند: عهد و یمین باید تحصیل اذن نماید.

شهید اوّل - علیه الرحمه - در کتاب قواعد در بیان حقوق والدین، ده فرع عنوان نموده که برای تتمیم این بحث، خلاصه و ترجمه آن ذکر می گردد.

فرمایش شهید در سفر مباح و مستحبّ فرزند

۱- سفر مباح و سفر مستحب، بدون اذن والدین، حرام است، اما سفر تجارت و علم، پس اگر به دست آوردن سود و تحصیل علم در شهری که والدین هستند ممکن نباشد، بعضی از فقها قائل به جواز این سفر شده اند.

۲- بعضی از فقها فرموده اند: بر فرزند واجب است اطاعت والدین کند در همه جا، هر چند شبهه ناک باشد، پس اگر فرزند را امر کنند که همراه آنها غذا بخورد و فرزند، شبهه ناکی آن طعام را می داند، واجب است اطاعت کند و با آنها هم خوراک گردد؛ چون اطاعت والدین واجب و ترک شبهات مستحبّ است.

۳- اگر فرزند را برای انجام کاری بخوانند و وقت نماز واجب، داخل شود، باید امر آنها را مقدّم بدارد که نماز در اوّل وقت مستحب و اطاعت والدین واجب است.

۴- اقرب آن است که والدین نمی توانند فرزند را از نماز جماعت منع نمایند مگر در صورتی که حاضر شدن فرزند به جماعت برای ایشان اسباب زحمت و ناراحتی گردد مانند این که در تاریکی شب بخواهد به نماز عشا یا صبح برود، در حالی که والدین بر او ترسانند.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۵

۵- در صورتی که سفر جهاد بر فرزند، واجب عینی نباشد، والدین می‌توانند او را از آن سفر نهی کنند.

۶- در صورتی که انجام واجبات کفائیه توسط دیگران، معلوم یا مظنون باشد، والدین می‌توانند فرزند خود را از جمیع واجبات کفائیه منع نمایند.

۷- بعضی از فقها فرموده‌اند: «اگر فرزند در نماز مستحبی باشد و والدین او را بخوانند، باید نماز را قطع نماید».

۸- همان طوری که بر فرزند واجب است به والدین اذیت نرساند، همچنین واجب است که مانع از اذیت رسانیدن دیگران به ایشان گردد و به مقدار قوه‌اش باید آنها را از آزار دیگران حفظ نماید.

۹- روزه مستحبی را بدون اذن پدر ترک نماید.

۱۰- قسم و عهد را بدون اذن پدر ترک نماید.^{۱۳۵}

رعایت احترام به والدین

چون از نیکی به والدین و ادای حقوق ایشان، رعایت ادب و احترام در مصاحبت است، اموری در روایات اهل بیت رسیده که باید در معاشرت با ایشان رعایت شود که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- هر گاه والدین را صدا می‌زند، آنها را به نام نخواند بلکه لقب یا کنیه ایشان را ذکر کند. یا بگوید: بابا! آقا! خانم! و مانند اینها.^{۱۳۶}

^{۱۳۵} (۱) - القواعد و الفوائد: ۲ / ۴۶ - ۴۹ ...

^{۱۳۶} (۲) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۸ ح ۵

۲- جلو آنها راه نرود و پیش از ایشان ننشیند.^{۱۳۷}

۳- قبل از آنها شروع به خوردن طعام ننماید.

(۱)- القواعد و الفوائد: ۲/ ۴۶- ۴۹ ...

(۲)- اصول کافی: ۲/ ۱۵۸ ح ۵

(۳)- اصول کافی: ۲/ ۱۵۸ ح ۵

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۶

حضرت سجاد علیه السلام با مادر خود، هم خوراک نمی‌شد و می‌فرمود:

«می‌ترسم برای لقمه‌ای دست دراز کنم که مادر قصد آن را داشته، پس به این عمل، رعایت حرمت و ادب او را ترک کرده باشم».

۴- در مجلس روی خود را از ایشان بر نگردانند.

۵- در سخن گفتن، صدای خود را بلندتر از ایشان نکند.^{۱۳۸} ۶- دست خود را بالای دست آنها قرار ندهد.^{۱۳۹}

۷- کاری نکند که مردم پدر یا مادرش را بد بگویند و سب و لعن نمایند؛^{۱۴۰} مثل این که پدر کسی را سب کند که او هم بر گردد پدرش را دشنام گوید.

^{۱۳۷} (۳)- اصول کافی: ۲/ ۱۵۸ ح ۵

^{۱۳۸} (۱)- همان: ۱۵۸ ح ۵..

^{۱۳۹} (۲)- اصول کافی: ۲/ ۱۵۷-۱۵۸ ح ۱

^{۱۴۰} (۳)- اصول کافی: ۲/ ۱۵۷-۱۵۸ ح ۱.

۸- مروی است که حضرت سجاد پُری را دیدند که در راه رفتن تکیه به دست پدر نموده، پس آن حضرت بر آن پسر غضبناک شد و تا آخر عمرش با او سخن نفرمود.^{۱۴۱} ناگفته نماند آنچه گفته شد از وجوب نیکی به والدین، قدر مسلم آن نیکی است که در ترکش والدین رنجیده خاطر می‌شوند؛ مانند این که نفقه آنها را ابتدا ندهد تا ناچار شوند مطالبه کنند و آنگاه بدهد؛ چون این مسامحه موجب رنجش آنها می‌شود، واجب است پیش از مطالبه کردن به آنها برساند.

و مانند این که در مجلس ضیافت خود به آنها اعتنا نکند و دعوت نماید، چون رنجیده می‌شوند ترک این برّ حرام است. و همچنین در مواردی تحفه و هدیه دادن. و اما ترک کردن برّی که آنها را نرنجانند،

(۱) - همان: ۱۵۸ / ح ۵..

(۲) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۷ - ۱۵۸ / ح ۱

(۳) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۷ - ۱۵۸ / ح ۱.

(۴) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۸ / ح ۶..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۲

حرمت آن معلوم نیست.

و نیز آنچه گفته شد از لزوم اکرام و احترام آنها قدر مسلم، آن اکرامی است که ترک آن موجب آزار و رنجش آنها شود مانند این که برای

^{۱۴۱} (۴) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۸ / ح ۶..

اهانت و خوار کردن والدین، پشت به آنها کند، صدای خود را بلندتر از صدای آنها نماید، جلو آنها راه رود؛ البته تمام آنها حرام است لکن ترک بعضی از موارد اکرام بدون قصد اهانت به طوری که موجب رنجش آنها نشود، حرمت آن معلوم نیست بلکه پاره‌ای از موارد اکرام والدین از مستحبات شمرده شده است.

عقوق والدین

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین رسیده است که: «از هر گناه کبیره بزرگتر، شرک به خدا و عقوق والدین است»^{۱۴۲} و نیز از گناهانی است که در قرآن مجید و احادیث صحیحه، بر آن وعده عذاب داده شده است.

در قرآن مجید از قول عیسی بن مریم علیهما السلام حکایت می‌فرماید که:

«خداوند مرا نیکوکار به مادرم قرار داد و مرا ستمکار و بد عاقبت قرار نداد به سبب ترک نیکی به مادرم».^{۱۴۳} و سبب این که ذکر پدر نکرده این است که آن حضرت پدر نداشت و لذا قبل از این آیه، در حکایت حضرت یحیی علیه السلام ذکر پدر و مادر هر دو شده است.^{۱۴۴}

و در این دو آیه شریفه، عاق والدین را به سه صفت یاد فرموده:

جبار (گردنکش، ستمگر، شقی و تیره بخت)، عاصی (نافرمانی)

^{۱۴۲} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۹۳ / ح ۱۹.

^{۱۴۳} (۲) - مریم: ۳۲.

^{۱۴۴} (۳) - مریم: ۱۴ ..

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۹۳ / ح ۱۹.

(۲) - مریم: ۳۲.

(۳) - مریم: ۱۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۸

کننده گنه کار) و به هر یک از آنها وعده عذاب سخت داده شده؛
چنانکه درباره جبار می فرماید:

«و نومید شد هر گردنکش کینه ورزی، پشت سر اوست دوزخ و نوشانیده
شود از آب چرک خون آلود، جرعه‌ای از آن به دهان می برد؛ ولی
نتواند فرو برد (او را گوارا نباشد) و مرگ از هر سوی به او رو آورد لکن
مرگ نیست و از پس او است عذابی سخت و انبوه». ^{۱۴۵} و درباره شقی
می فرماید: «اما آنها که بدبختند در آتشند و ایشان را در آتش، ناله‌ای زار
و خروشی سخت باشد، در آن آتش همیشه تا آسمانها و زمین برپاست
جاویدانند، مگر آنچه پروردگارت خواهد». ^{۱۴۶}

و درباره عاصی می فرماید: «و آن کس که نافرمانی خدا و پیغمبرش کند
و بگذرد از مرزهای خدا (و از حدود خویش تجاوز کند) فرو بردش در
آتش که جاودان در آن باشد و عذابی خوار کننده برایش باشد». ^{۱۴۷}

عقوق والدین از دیدگاه روایات

^{۱۴۵} (۱) - ابراهیم: ۱۵ - ۱۷.

^{۱۴۶} (۲) - هود: ۱۰۶ - ۱۰۷ ..

^{۱۴۷} (۳) - نساء: ۱۴.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از آزردن والدین بپرهیزید، به درستی که بوی بهشت از هزار سال راه استشمام می‌شود؛ ولی عاق والدین و قاطع رحم، آن را نمی‌یابند».^{۱۴۸}

از همان حضرت مروی است که فرمود: «کسی که پدر و مادر

(۱) - ابراهیم: ۱۵-۱۷.

(۲) - هود: ۱۰۶-۱۰۷ ..

(۳) - نساء: ۱۴.

(۴) - هود: ۱۰۶-۱۰۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۲۹

خود را به خشم در آورد، خدای را به غضب در آورده است».^{۱۴۹} و همچنین فرمود: «کسی که والدین خود را بیازارد مرا اذیت کرده و کسی که مرا بیازارد، خدای را آزرده و آزار کننده خدا ملعون است».^{۱۵۰} و همچنین فرمود: «عاق والدین هر عملی که می‌خواهد بجا آورد، هرگز داخل بهشت نخواهد شد».^{۱۵۱}

و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه طایفه‌اند که در روز قیامت، خداوند با ایشان سخن نمی‌فرماید و نظر رحمت به آنها نمی‌کند

^{۱۴۸} (۴) - هود: ۱۰۶-۱۰۷ ..

^{۱۴۹} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵/۱۹۳ ح ۱۸ ..

^{۱۵۰} (۲) - همان: ۱۹۳-۱۹۴ ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ..

^{۱۵۱} (۳) - همان: ۱۹۳-۱۹۴ ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ...

و ایشان را پاک نکرده و از برای آنها عذاب دردناکی هست، ایشان شرابخواران و تکذیب کنندگان به قدر الهی و عاق والدین اند.»^{۱۵۲}

عدم آمرزش عاق والدین

و کافی است در شقاوت عاق والدین که جبرئیل علیه السلام بر او نفرین فرمود: «هر که پدر و مادر یا یکی از آنها را درک کند و او را از خود خشنود نسازد، آمرزیده مباد و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نفرین جبرئیل آمین گفت.»^{۱۵۳} و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود: «ملعون است ملعون است کسی که والدینش را بزند و کسی که به آنها آزار رساند.»^{۱۵۴}

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۹۳ / ح ۱۸ ..

(۲) - همان: ۱۹۳ - ۱۹۴ / ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ..

(۳) - همان: ۱۹۳ - ۱۹۴ / ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ...

(۴) - همان: ۱۹۳ - ۱۹۴ / ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ..

(۵) - همان: ۱۹۲ / ح ۱۶.

(۶) - بحار الأنوار: ۷۴ / ۸۵ / ح ۹۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۰

^{۱۵۲} (۴) - همان: ۱۹۳ - ۱۹۴ / ح ۲۰، ۱۹ و ۲۶ ..

^{۱۵۳} (۵) - همان: ۱۹۲ / ح ۱۶.

^{۱۵۴} (۶) - بحار الأنوار: ۷۴ / ۸۵ / ح ۹۸ ..

نماز عاق والدین پذیرفته نیست

از حضرت صادق علیه السلام است: «کسی که به پدر و مادرش از روی غیظ بنگرد در حالی که والدین بر او ستم کرده باشند، خداوند نماز او را نمی‌پذیرد»^{۱۵۵} (پس چگونه است در صورتی که به او نیکو کار باشند؟).

جوان محتضر و شفاعت پیغمبر

«رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالین جوانی که در حال احتضار بود حاضر گردید. آن حضرت کلمه شهادت را به او تلقین فرمود لکن جوان نتوانست بگوید، پرسید: آیا مادر دارد؟ زنی که نزد او بود عرض کرد:

بلی من مادر او هستم. فرمود: آیا بر او غضبناکی؟ گفت: آری شش سال است با او حرف نزده‌ام. پس آن حضرت خواهش فرمود از او راضی شود. مادر بخاطر آن حضرت از جوان در گذشت. زبان آن جوان به کلمه توحید باز شد. حضرت به او فرمود: چه می‌بینی؟ گفت مردی سیاه و زشت روی بدبوی، مرا رها نمی‌کند. حضرت جمله‌ای یادش دادند و او خواند و عرض کرد: می‌بینم مردی سفید رنگ خوشروی، خوش بوی و خوش منظر، رو به من آورد و هیولای مهیب اولی از من دور شد. فرمود: همان جمله را تکرار کن. پس از آن گفت:

آن هیکل موخّشه به کَلّی محو گردید. پس آن حضرت شاد شد و فرمود: خدا او را آمرزید. آنگاه جوان از دنیا رفت».^{۱۵۶}

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که یکی از آثار عقوب

^{۱۵۵} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۳۴۹ / ح ۵.

^{۱۵۶} (۲) - امالی شیخ طوسی: ۶۵ / ح ۴ ..

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۳۴۹ / ح ۵.

(۲) - امالی شیخ طوسی: ۶۵ / ح ۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۱

والدین، سوء خاتمه و عاقبت به شری است که شخص بی ایمان از دنیا می رود و در نتیجه همیشه در عذاب خواهد بود. با این که تلقین کننده جوان، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود تا مادرش از او راضی نگردد نتوانست شهادت را بگوید و پس از رضایت مادر و خواندن آن کلمات به برکت رسول خدا صلی الله علیه و آله پروردگار هم از او راضی شده او را آمرزید.

عقوق چیست؟

مجلسی در شرح کافی گوید: «عقوق والدین به این است که فرزند، حرمت آنها را رعایت نکند و بی ادبی نماید و آنها را به سبب گفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار و اذیت کند و در چیزهایی که عقلاً و شرعاً مانعی ندارد، نافرمانی از آنها نماید و این عقوق، گناه کبیره است و دلیل بر حرمت آن، کتاب و سنت و اجماع خاصه و عامه است.»

از حضرت صادق علیه السلام مروی است: «کمترین عقوق (نا سپاسی والدین) گفتن اف است (به روی پدر و مادر) و اگر خدا چیزی را از آن آسانتر می دانست از آن نهی می کرد. و نیز از عقوق است به پدر یا مادر نگاه خیره و تند کردن».^{۱۵۷} و از امیرالمؤمنین مروی است: «از عقوق

^{۱۵۷} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۳۴۹ / ح ۷ ..

است محزون ساختن پدر یا مادر و از موارد قطعی عقوق که گناه کبیره است، ترک برّ واجب مانند نفقه (مخارج روزانه و لباس و مسکن) در صورت احتیاج پدر یا مادر می‌باشد و به طور کلی آزرده کردن والدین و رنجاندن و ناراحت

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۳۴۹ / ح ۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۲

ساختن آنها عقوق و حرام مسلم است».

روایات در این مقام بسیار است.

وجوب نیکی به پدر و مادر

از آیات قرآن مجید و اخبار اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که نه تنها عقوق والدین؛ یعنی آزرده و رنجاندن آنها حرام و از گناهان کبیره است بلکه احسان و نیکی کردن و ادای حق آنها واجب و ترک آنها حرام می‌باشد. اینک به بعضی از آیات اشاره می‌شود:

۱ - در سوره بقره می‌فرماید: «... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...».^{۱۵۸} «سفارش نمودیم انسان را که به والدین خود نیکی نماید».

۲ - «به انسان امر نمودیم که مرا و والدینش را سپاس گزاری نماید».^{۱۵۹}

^{۱۵۸} (۱) - بقره: ۸۳.

^{۱۵۹} (۲) - لقمان: ۱۴.

شکر از والدین را همراه شکر خود ذکر می‌فرماید و شکی در وجوب شکر پروردگار عالم عقلاً نیست، پس شکر والدین هم واجب است.

۳- «حکم کرد پروردگارت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی نمایید».^{۱۶۰}

در این جا نیکی به پدر و مادر را ردیف عبادات خود قرار داده است و چنانچه عبادت خدا واجب است، احسان به والدین هم واجب می‌باشد.

بعد می‌فرماید: «اگر پیری به پدر یا مادر یا هر دو برسد و محتاج

(۱) - بقره: ۸۳.

(۲) - لقمان: ۱۴.

(۳) - اسراء: ۲۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۳

خدمت تو گردند، به ایشان اف مگو^{۱۶۱} (در حال انزجار و به تنگ آمدن از کسی، این کلمه استعمال می‌شود)».

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر لفظی کمتر از کلمه اف در ترک عقوق والدین بود، خداوند آن را ذکر می‌فرمود و از آن نهی می‌کرد. و زجر مکن و بانگ برایشان مزن و سخن ایشان را پاسخ درشت مده و به آنها سخن نیکو از روی حرمت و ادب بگو (یعنی آنها را به نام

^{۱۶۰} (۳) - اسراء: ۲۳ ..

^{۱۶۱} (۱) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

مخوان بلکه بگو: یا اباہ! یا امّاه! یا سیدّی! یا سیدتی! و بال تذلل و فروتنی را بر ایشان فرو آور و به ایشان تکبر منما بلکه از روی رحمت و بخشش بر ایشان تَلَطّف کن (چون تا دیروز تو محتاج ایشان بودی و امروز آنها به تو نیازمندند که خدمت ایشان را بنمایی) و دعا کن درباره ایشان و بگو پروردگارا! رحم کن و ببخشای پدر و مادرم را همچنان که مرا در خردی پروراندند».

تفسیر آیه «... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...»

ابی ولّاد از حضرت صادق علیه السلام از معنی: «... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» پرسید، حضرت فرمود: «به این که در مصاحبت ایشان، نیکوکار باشی و اگر چیزی لازم داشتند، پیش از آن که از تو بخواهند، به آنها بدهی و ناگفته رفع احتیاجشان را بنمائی هر چند بی نیاز باشند».

و در معنی: «... قُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^{۱۶۲} فرمود: «اگر تو را بزنند بگو: خدا شما را بیامرزد».

و در معنی: «وَأَخْفِضْ لَهُمَا...»^{۱۶۳} فرمود: «نگاه تند به آنها مکن و

(۱) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

(۲) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

(۳) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

^{۱۶۲} (۲) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

^{۱۶۳} (۳) - اسراء: ۲۳ - ۲۴ ..

صدای خود را بلندتر از صدای ایشان منما و در راه رفتن بر ایشان پیشی
مگیر و در مجالس، بر آنها مقدم شو و دست خود را بالای دستشان قرار
مده».

علامه مجلسی می‌فرماید: «یعنی در موقع عطای به آنها دست خود را بگیر
تا آنها از دستت بردارند».^{۱۶۴}

برتر از جهاد

و هم از حضرت صادق علیه السلام است که: «مردی در خدمت حضرت
رسول آمده و عرض کرد: من مشتاق جهاد در راه خدایم. آن حضرت
فرمود: پس جهاد کن در راه خدا به درستی که اگر کشته شوی، نزد
خداوند زنده‌ای و رزق داده می‌شوی و اگر بمیری، اجر تو با خداست و
اگر به سلامت برگردی، از گناهان پاک می‌گرددی مثل روزی که از
مادر متولد شدی. عرض کرد: یا رسول الله! پدر و مادری دارم که هر
دو پیر شده‌اند و با من انس دارند و دوست ندارند که از نزد آنان بیرون
روم. آن حضرت فرمود: پس نزد ایشان بمان. قسم به خدایی که جان من
به دست اوست! هر آینه انس پدر و مادر به تو در یک شبانه روز، از جهاد
یک سال بهتر است».^{۱۶۵}

^{۱۶۴} (۱) - بحار الأنوار: ۷۴ / ۴۳ / ح ۳ ..

^{۱۶۵} (۲) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۰ / ح ۱۰ ..

و نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «نیکی کننده به والدین باش، جایث در بهشت است و اگر عاق شوی، جایث در آتش خواهد بود».^{۱۶۶}

(۱) - بحار الأنوار: ۷۴ / ۴۳ / ح ۳ ..

(۲) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۰ / ح ۱۰ ..

(۳) - همان: ۳۴۸ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۵

نیکی به والدین کفّاره گناهان

و از این حدیث شریف معلوم می‌شود که نیکی به والدین کفّاره بسیاری از گناهان است؛ چنانچه مروی است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

«کار زشتی نبوده مگر این که من انجام داده‌ام، آیا برای من توبه‌ای هست؟ حضرت فرمود: برو به پدرت نیکی کن تا کفّاره گناهانت گردد.

چون آن شخص رفت، فرمود: اگر مادرش زنده بود نیکی به او بهتر بود».^{۱۶۷}

نگاه شفقت به پدر و مادر

^{۱۶۶} (۳) - همان: ۳۴۸ / ح ۲ ..

^{۱۶۷} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۷۹ / ح ۱ ..

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نیست فرزند نیکو کار به پدر و مادرش مگر این که هر گاه از روی رحمت و محبت به والدین خود بنگرد، به هر نظری، ثواب یک حج مقبوله برایش می باشد».

گفتند: «یا رسول الله! هر گاه در روز صد مرتبه چنین کند؟».

حضرت فرمود: «بلی به هر نظر، ثواب حجّی دارد».^{۱۶۸}

خشنودی والدین خشنودی خداست

و نیز فرمود: «خشنودی خداوند با خشنودی والدین است و خشم او با خشم ایشان است».^{۱۶۹} یعنی کسی که والدین از او راضی باشند، خدا هم از او راضی است

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۷۹ / ح ۱.

(۲) - امالی شیخ طوسی: ۳۰۷ / ح ۶۵ ..

(۳) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۹۳ / ح ۱۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۶

و کسی که والدین از او ناراضی باشند، خدا هم بر او غضبناک است.

و فرمود: «نیکی کننده به والدین به یک درجه در بهشت از انبیا پایین تر است و عاق والدین در جهنّم با فرعونیان یک درجه فاصله دارد».^{۱۷۰}

^{۱۶۸} (۲) - امالی شیخ طوسی: ۳۰۷ / ح ۶۵ ..

^{۱۶۹} (۳) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۹۳ / ح ۱۸ ..

^{۱۷۰} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۷۶ / ح ۱۴ ..

دعای ملائکه برای نیکی کننده به پدر و مادر

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که: «نیکی به والدین بزرگترین واجب از واجبات الهیه است».^{۱۲۱} رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای را دو ملک است که یکی از آنها می گوید: خدایا! از هر شرّی و آفتی نیکی کننده به والدین را نگهدار. و دیگری می گوید: خدایا! هلاک کن عاق والدین ها را به سبب غضب فرمودنت به آنها (و البته دعای ملک هم مستجاب است)».^{۱۲۲}

اثر دنیوی عاق والدین

عقوبت عقوق والدین منحصر به آنچه از عقوبت های اخرویّه که ذکر شد نیست بلکه از گناهانی است که آثار وضعیه دنیویّه دارد؛ چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

«سه گناه است که خداوند عقوبت آنها را در دنیا تعجیل می فرماید: عقوق والدین، ظلم به بندگان خدا، بدی کردن در مقابل احسان (شاید حکمت در تعجیل این عقوبتها برای عبرت دیگران

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۷۶ / ح ۱۴ ..

(۲) - همان: ۱۷۸ / ح ۲۱.

(۳) - همان: ۱۷۶ / ح ۱۵ ..

^{۱۲۱} (۲) - همان: ۱۷۸ / ح ۲۱.

^{۱۲۲} (۳) - همان: ۱۷۶ / ح ۱۵ ..

است؟!». ۱۷۳

نیکی به والدین و طول عمر

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «صدقه نهانی، آتش قهر خدا را خاموش می کند و نیکی کردن به والدین و صله رحم، عمر را زیاد می کند». ۱۷۴

و در حدیث دیگر فرمود: «بخشش پنهانی و نیکی به پدر و مادر، تهیدستی را برطرف می کند و عمر را دراز می نماید و هفتاد نوع مردن بد را دور می کند». ۱۷۵

زیادتی مال و آبرو

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای من ضمانت کند صله رحم و نیکی به والدین را، من هم ضامن می شوم که مال و عمرش زیاد شود و در قبیله اش محبوبیت پیدا کند». ۱۷۶

از حضرت هادی علیه السلام است که فرمود: «عقوق والدین، کمی مال و عمر را در پی دارد و به نکبت و ذلت در دنیا می کشد». ۱۷۷

عقوق، عامل گدایی و بدبختی

۱۷۳ (۱) - امالی شیخ طوسی: ۱۳-۱۴ / ح ۱۷.

۱۷۴ (۲) - بحار الأنوار: ۷۴/۸۲-۸۳ / ح ۸۹ ..

۱۷۵ (۳) - وسائل الشیعه: ۹/۳۹۸ / ح ۹.

۱۷۶ (۴) - مستدرک الوسائل: ۱۵/۱۷۶ / ح ۱۲ ..

۱۷۷ (۵) - همان: ۱۹۴-۱۹۵ / ح ۲۹ ..

جوانی از ثروتمندان مدینه پدر پیری داشت، احسان به او را ترک نمود و از مال خود، او را محروم کرد، پس خدای تعالی اموالش را از او گرفت و فقر و تنگدستی و مرض در بدن به او روی نمود و بی چاره شد.

(۱) - امالی شیخ طوسی: ۱۳ - ۱۴ / ح ۱۷.

(۲) - بحار الأنوار: ۷۴ / ۸۲ - ۸۳ / ح ۸۹ ..

(۳) - وسائل الشیعه: ۹ / ۳۹۸ / ح ۹.

(۴) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۷۶ / ح ۱۲ ..

(۵) - همان: ۱۹۴ - ۱۹۵ / ح ۲۹ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۸

پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای کسانی که پدرها و مادرها را آزار می‌رسانید! از حال این جوان عبرت بگیرید و بدانید چنانچه دارایش در دنیا از کفش رفت، غنا و ثروت و صحتش، به فقر و مرض مبدل گشت، همچنین در آخرت هر درجه‌ای که در بهشت داشت، به واسطه این گناه از دست داد و در مقابلش از درکات آتش برایش آماده شده است».

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «چون یعقوب برای ملاقات فرزندش یوسف وارد مصر گردید، یوسف هنگام ملاقات، رعایت مقام سلطنت ظاهری را کرد و برای احترام پدر از مرکب پیاده نشد. جبرئیل نازل شد و به یوسف فرمود: دست خود را باز کن. نور روشنی از دستش

بیرون شد و به آسمان رفت. یوسف پرسید: این نور چه بود که از کف من خارج شد؟ جبرئیل فرمود: نور نبوت از صلب تو بیرون رفت به سبب آن که رعایت احترام پدر پیرت را نکردی، پس از فرزندان کسی پیغمبر نخواهد شد.^{۱۷۸} شکی نیست که پیاده نشدن یوسف از روی تکبر و بی اعتنائی به پدر نبوده و انبیا از هر گناهی منزّه‌اند بلکه برای رعایت شوکت مقام سلطنتی بوده که برای اداره کردن امور خلق و بسط عدل و ترویج دین قبول فرموده بود لکن چون رعایت احترام پدر اولی بود، برای همین ترک اولی، مورد عقوبت واقع شد.

فرجام سیاه عاق والدین

دیگر از آثار وضعیه عقوق والدین، سوء خاتمه انسان است؛

(۱) - بحار الأنوار: ۱۲ / ۲۸۱ / ح ۵۹ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۳۹

چنانچه نیکی به آنها موجب حسن خاتمت و عاقبت به خیری است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «کسی که بخواهد خداوند سختیهای جان دادن را بر او آسان فرماید، پس صله رحم کند و به والدین نیکی نماید؛ چون چنین کرد، خداوند سختیهای مرگ را بر او آسان می‌فرماید و هیچ وقت مبتلا به تهیدستی نخواهد شد.»^{۱۷۹}

استجابت دعای والدین

^{۱۷۸} (۱) - بحار الأنوار: ۱۲ / ۲۸۱ / ح ۵۹ ..

^{۱۷۹} (۱) - امالی شیخ طوسی: ۴۳۲ / ح ۲۴ ..

نیکی به والدین سبب دعای آنها درباره اولاد است؛ چنانچه بدی کردن به ایشان سبب نفرین آنهاست و از دعاهاى مستجاب بلکه سریع الاجابه، دعا و نفرین والدین نسبت به اولاد است؛ چنانچه اخبار کثیره‌ای در این مورد رسیده است.

جوان عاق و دعای مشلول

در باب فضیلت دعای مشلول رسیده که این دعا را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به جوانی که عاق پدر شده بود تعلیم فرمود. این جوان در اثر نفرین پدر، دست راستش شل شد و سه سال مبتلا بود، پس از فوت پدرش در مسجدالحرام شبها به خداوند استغاثه می کرد، پس آن حضرت بر او ترحم فرمود و این دعا را به او یاد داد و از برکات آن حضرت، خداوند او را شفا داد.^{۱۸۰}

مادر به نیکی سزاوارتر است

مستحب است در نیکی کردن، جانب مادر را بیشتر رعایت نماید

(۱) - امالی شیخ طوسی: ۴۳۲/ ح ۲۴.

(۲) - مستدرک الوسائل: ۹/ ۳۵۳ - ۳۵۴/ ح ۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۰

^{۱۸۰} (۲) - مستدرک الوسائل: ۹/ ۳۵۳ - ۳۵۴/ ح ۴ ..

و رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مرتبه امر به نیکی به مادر فرموده و در مرتبه چهارم امر به پدر کرده^{۱۸۱} و از آن حضرت سؤال شد که: «حق کدام یک از والدین بزرگتر است؟».

فرمود: «آن که نه ماه تو را در شکم گرفت و بعد به سختی تو را زایید و بعد از پستان خود تو را غذا داد».^{۱۸۲}

ادای حق پدر و مادر

و نیز از آن حضرت پرسیده شد که حق پدر چیست؟

فرمود: «این که او را اطاعت نمایی تا زنده است». سؤال کردند:

«حق مادر چیست؟».

حضرت فرمود: «هیئات! هیئات! اگر به عدد ریگهای بیابان و قطره‌های باران در خدمت مادر بایستد، معادل با یک روزی که در شکم او بوده نخواهد بود».^{۱۸۳}

جوان و مادر زمینگیر

و نیز مروی است که مردی خدمت آن حضرت آمده عرض کرد:

«مادر پیری دارم که از حرکت افتاده، او را به دوش می‌کشم و لقمه در دهانش می‌گذارم و کثافت او را پاک می‌کنم و در آن وقت برای احترامش رویم را بر می‌گردانم، آیا حقش را ادا کرده‌ام؟».

^{۱۸۱} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

^{۱۸۲} (۲) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

^{۱۸۳} (۳) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

آن حضرت فرمودند: «نه؛ زیرا شکمش مدّتی جای تو بود و از پستانش غذا و شراب تو آماده می‌شد و دست و پایش نگهدار و

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

(۲) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

(۳) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۲ / ح ۷، ۱۰ و ۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۱

نگهبان تو بود و در تمام این حالات، آرزوی دوام حیات تو را داشت و تو در این حالات خدمت به او، آرزوی مرگش را داری که زودتر راحت شوی.^{۱۸۴}

اجابت مادر در نماز مستحبی

و نیز از آن حضرت مروی است که فرمود: «اگر در نماز مستحبی باشی و پدر تو را بخواند، نماز را قطع مکن؛ ولی اگر مادر تو را خواند، نماز را رها کن!».^{۱۸۵}

آری، فرمایش پیغمبر است که: «بهشت، زیر پای مادران است».^{۱۸۶}

وجوب نیکی به والدین، چه مسلمان باشد یا کافر

^{۱۸۴} (۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۰ / ح ۳.

^{۱۸۵} (۲) - همان: ۱۸۱ / ح ۴ ..

^{۱۸۶} (۳) - همان: ۱۸۱ / ح ۴ ..

فرقی در حرام بودن عقوق و واجب بودن نیکی به والدین نیست بین این که مؤمن باشند و اهل عبادت و طاعت، یا این که کافر باشند و معصیتکار؛ چنانچه در سوره لقمان می‌فرماید:

«اگر کوشش کنند پدر و مادر که برای خدا آنچه که نمی‌دانی، شریک قرار دهی؛ یعنی از روی تقلید کورکورانه تو را امر به شرک کنند، پس ایشان را در این دستور فرمان مبر ولی با ایشان در دنیا به نیکی و خوبی مصاحبت کن که پسندیده شرع و مقتضای کرم باشد».^{۱۸۲}

(۱) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۸۰ / ح ۳.

(۲) - همان: ۱۸۱ / ح ۴ ..

(۳) - همان: ۱۸۱ / ح ۴ ..

(۴) - لقمان: ۱۵ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۲

دعا برای پدر و مادر

معمر بن خلاد از حضرت رضا علیه السلام پرسید: «آیا جایز است درباره پدر و مادر که شیعه و تابع حق نبوده‌اند دعا نمایم؟».

حضرت فرمود: «بلی درباره آنها دعا کن و برای آنها صدقه بده و اگر زنده باشند، با ایشان مدارا کن، به درستی که رسول الله فرمود:

^{۱۸۲} (۴) - لقمان: ۱۵ ..

خداوند مرا به رحمت فرستاد نه به عقوبت». ^{۱۸۸} جابر گفت: «شنیدم شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که:

«پدر و مادرم مخالف حق‌اند».

آن حضرت فرمود: «درباره ایشان نیکی کن؛ چنان که نیکی می‌کنی درباره کسانی که شیعه مایند (یعنی با آنها مثل وقتی که اهل ولایت هستند معامله کن!)». ^{۱۸۹}

تأکید فراوان بر نیکی به والدین

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «سه چیز است که خداوند استثنایی در آن قرار نداده است: ردّ امانت به صاحبش، مؤمن باشد یا کافر؛ وفای به عهد که با کسی نموده، مؤمن باشد یا کافر؛ نیکی به والدین، مؤمن باشد یا کافر». ^{۱۹۰} در ضمن مکتوب حضرت رضا علیه السلام برای مأمون که در آن شرایع اسلام را نوشتند، چنین آمده است: «و نیکی به والدین واجب است هر چند مشرک باشند و اطاعت از آنها در معصیت نباید کرد». ^{۱۹۱}

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۹ / ح ۸ ..

(۲) - همان: ۱۶۲ / ح ۱۴.

(۳) - همان: ح ۱۵.

^{۱۸۸} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۹ / ح ۸ ..

^{۱۸۹} (۲) - همان: ۱۶۲ / ح ۱۴.

^{۱۹۰} (۳) - همان: ح ۱۵.

^{۱۹۱} (۴) - حیات الامام الرضا علیه السلام: ۱ / ۱۹۲ ..

(۴) - حیات الامام الرضا علیه السلام: ۱ / ۱۹۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۳

دستور حضرت صادق علیه السلام به زکریا بن ابراهیم

زکریا بن ابراهیم - که نصرانی بود - مسلمان شد و خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف گردید و به حضرت عرض نمود: «مادر پیر و کور نصرانیّه‌ای دارم».

حضرت فرمود: «مادرت را ملاحظه کن و به او احسان نما و چون مرد، جنازه او را به دیگری واگذار مکن و خودت مباشر کارهای او باش!».

در این دو جمله، حضرت به دو امری که بعداً واقع شد خبر داد:

یکی مردن مادرش و دیگر، مسلمان شدن او.

پس از برگشت به کوفه، به مادرش خیلی مهربانی نمود و لقمه در دهانش می گذاشت و لباس در بدنش می کرد. او را تنظیف و خدمتگزاری می نمود. مادر گفت: «ای فرزند! قبلاً که بر دین نصرانیت بودی این طور با من سلوک نمی کردی چه شده که این طور با من رفتار می نمایی؟».

زکریا گفت: «آقایی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله به من این چنین امر فرموده که خدمتگزار تو باشم».

مادر پرسید؟ «آیا این مرد، پیغمبر است؟».

گفت: «نه، لکن پسر پیغمبر است».

مادر گفت: «ای فرزند! این شخص باید پیغمبر باشد؛ زیرا امری که به تو نموده، وصیت و سفارش پیغمبران است درباره مادر».

زکریا گفت: «پس از پیغمبر اسلام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نبوت به او ختم شد و دیگر پیغمبری نخواهد بود بلکه او پسر پیغمبر است».

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۴

مادر گفت: «ای فرزند! دین اسلام بهترین ادیان است که تو اختیار نمودی پس بر من نیز عرضه بدار تا من هم مسلمان شوم!». پس شهادتین را به او تلقین کرد و سایر عقاید حقّه و نماز را تعلیمش داد.

پس از این که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، در همان شب حالت احتضار به او دست داد، گفت: ای فرزند: آنچه امروز یاد من دادی، دوباره تکرار کن، آنگاه عقاید حقّه را مجدداً تکرار کرد و از دنیا رفت.^{۱۹۲}

نیکی به والدین در حال حیات و پس از مرگ

فرقی در حرمت عقوق و وجوب نیکی به والدین بین حال حیات و ممات آنها نیست؛ یعنی به مرگ، حق آنها ساقط نمی شود و هر گاه پس از مرگ، فراموش گردند و نیکی به ایشان ترک شود، فرزند، عاق والدین محسوب می شود هر چند در حال حیات، ادای حق ایشان شده و نیکی به آنها ترک نگردیده باشد.

^{۱۹۲} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۰ / ح ۱۱ ..

حقوق والدین پس از مرگ

حق والدین پس از مرگ آن است که:

اولاً: واجباتی که از آنها در حال حیات فوت شده، از قبیل: حج، نماز، روزه و همچنین اگر بدهی داشته‌اند، اولاد ادا نماید.

ثانیاً: به آنچه وصیت نموده‌اند، فرزند به آن عمل کند.

ثالثاً: آنها را تا آخر عمرش نباید فراموش نماید بلکه باید بر ایشان

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۰ / ح ۱۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۵

طلب آمرزش و رحمت کند و به نیابت آنها صدقه دهد و اعمال مستحبّه را به قصد ایشان انجام دهد و بالجمله آنچه می‌تواند از هدایا و تحف معنویّه برای آنها بفرستد.

عقوق والدین پس از مرگ

از حضرت باقر علیه السلام مروی است که: «بنده‌ای در حال حیات پدر و مادرش به آنها نیکو کار است؛ چون مردند آنها را فراموش کرد و بدهی آنها را نپرداخت و طلب رحمت برای آنها نکرد، پس خدای تعالی او را عاق والدین ثبت خواهد فرمود. و بنده دیگر عاق والدین است در حال حیات آنها؛ چون مردند، قرض آنها را ادا می‌نماید و به دعا و استغفار آنها

را یاد می‌کند، پس خدای تعالی او را باز (نیکی کننده) به والدین ثبت خواهد فرمود».^{۱۹۳}

یک عمل و ثوابهای متعدد

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «چه مانع است مردی از شما شیعیان را که در حالت حیات و مرگ والدین، به آنها احسان کند؟».

آن وقت کیفیت نیکی به والدین پس از مرگ آنها را بیان می‌فرماید به اینکه: «از طرف آنها نماز بخواند (نماز قضا یا نافله اگر قضا بر عهده نداشته باشند، خودش بخواند یا استیجار نماید) و صدقه دهد از طرف آنها، روزه بگیرد و حج کند از طرف آنها، پس آنچه را بجا آورده

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۳ / ح ۲۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۶

به والدینش خواهد رسید و مثل همان ثوابی که به آنها می‌دهند برای او هم خواهد بود و علاوه، خداوند اجرش را به سبب نیکی و صله‌ای که نموده دو چندان عنایت می‌فرماید، یکی برای اصل عملی که کرده و دیگری برای نیکی به آنها».^{۱۹۴}

لزوم استغفار و دعا برای والدین

^{۱۹۳} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۶۳ / ح ۲۱ ..

^{۱۹۴} (۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۹ / ح ۷.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که در جواب مردی که از آن حضرت پرسید: «آیا پس از مرگ والدین، چیزی از حقوق آنها باقی است یا نه؟».

حضرت فرمود: «بلی نماز و استغفار و دعا برای ایشان و گرامی داشتن دوستان آنها و صله نمودن رحم آنها».^{۱۹۵} و نیز فرمود: «کسی که به پدرش در حال حیاتش نیکی کند و پس از مردنش فراموشش کند و برایش دعا ننماید، خداوند او را عاق می‌نماید».^{۱۹۶}

خدمت به مادر در سفر حج و زیارت

درباره حق پدر و مادر - که شرحها دارد - بهتر این است که روایتی بخوانیم:

«یکی از شیعیان حضرت صادق علیه السلام مادر پیری داشت. وقتی که عازم حج و مدینه بود، از او خواست او را هم ببرد. پسر هم راستی

(۱) - اصول کافی: ۲ / ۱۵۹ / ح ۷.

(۲) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۲۰۱ / ح ۱۱ ..

(۳) - فقه الرضا علیه السلام: ۳۳۴ / باب ۸۶ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۷

^{۱۹۵} (۲) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۲۰۱ / ح ۱۱ ..

^{۱۹۶} (۳) - فقه الرضا علیه السلام: ۳۳۴ / باب ۸۶ ..

رشادت به خرج داد و این پیره زن از کار افتاده‌ای را که باید تر و خشکش کند، همراه خود آورد.

پس از تشرّف، خدمت حضرت صادق علیه السلام جریان این سفر را برای حضرت تعریف کرد که مادر پیر از کار افتاده‌ام را به در خواستش با چه زحمتی به همراه خود آورده‌ام، آیا حقّش را ادا کرده‌ام؟ توقع داشت حضرت بفرماید که تو حقّش را ادا کرده‌ای؛ امّا حضرت فرمود: (مضمون روایت شریف) اگر مادرت را به دوش گرفته بودی، جبران مدّت نه ماهی که در شکمش بودی نکرده‌ای؛ زیرا آن نه ماه، ثقل تو را نگه‌داشت با آرزوی دوام و بقای تو».

زحمتهای طاقت فرسای مادر در حمل و وضع

مادر، در این مدّت حمل، سنگینی تو را تحمل کرد. چقدر در زجر بود. برای خوابیدن و بالا و پایین شدنش کاملاً در زحمت بود و آرزوی زنده ماندن تو را داشت.

وضع حمل کردنش نیز خیلی سخت است لذا نسبت به بعضی از زنها دارد که پس از وضع حمل همه گناهانش آمرزیده می‌شود.

بالجمله امام علیه السلام فرمود: «این همه زحمت را مادر برای تو تحمّل می‌کرد با آرزوی ماندنت؛ امّا تو زحمت او را متحمّل می‌شوی با امید به رفتنش.

احترام، حقّ واجب پدر و مادر

از جمله حقوق والدین، ادب و احترام نسبت به آنهاست. وای به اولادی که با تندی به مادرش نگاه کند تا چه رسد به این که به زبانش

حرف تندی بزند. همان خشم به چشم، حرام است؛ اما نسبت به زبان، کوچکترین حرفی که موجب ناراحتی آنان شود، حرام است. از «اف» گفتن اگر کمتر بود، در قرآن مجید از آن نهی می‌فرمود.

نفرین به اولاد، عامل فقر

وای اگر مادر از روی ناراحتی نفرین کند! یک نفر خدمت امام علیه السلام از فرزندش گله و شکایت کرد. به او فرمود: «از کسانی می‌باشی که به او نفرین کرده‌ای؟» گفت: «آری».

ضمناً از چیزهایی که موجب فقر می‌شود، نفرین به اولاد است که باید پدرها و مادرها این موضوع را رعایت نمایند.

نفرین مادر و بریده شدن پای زمخشری

گویند زمخشری صاحب تفسیر کشاف، ملقب به «جار الله» یک پا نداشته است. از خودش نقل شده است که: «علتش نفرین مادرم بوده است. در کودکی پای گنجشکی را در لانه‌اش گرفتم و بیرون کشیدم. گنجشک مقاومت کرد تا بالأخره پایش در دست من کنده شد.

مادرم دید و ناراحت شد و گفت: الهی پایت بریده شود».

دعا و خیرات حق والدین پس از مرگ

بعضی ممکن است بگویند: «شکر خدای را که پدر و مادرمان مرده است و این گرفتاریها را نداریم، اما باید بدانند که حقوق والدین با مرگ آنان

از بین نمی‌رود بلکه باید به فکر آنان بود و برایشان خیرات کرد و آنان را از دعای خیر فراموش نکرد».

ازدواج اسلامی، ص: ۱۴۹

مراقبت ویژه در تربیت کودکان

اگر در پیش روی بچه فحش و ناسزا بگویی، ظالم هستی؛ چون این بچه را فحاش ده بار می‌آوری.

اگر وعده‌ای به فرزندان دادید، باید وفا کنید و گرنه ظالمید؛ زیرا بچه را مثل خود آدم بی‌تعهد بار می‌آورید و دیگر اهل قول و عهد بار نمی‌آید.

اولاد را باید طوری بار بیاورند که از همان کودکی، حسن صدق و قبح کذب را باور کند؛ یعنی بفهمد راستگویی خوب است و دروغگویی، زشت و ناپسند است.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۰

وظیفه والدین نسبت به اولاد

والدین و اولاد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که باید هر یک آنها را ادا کنند. فرزند، حق نفقه و حق تربیت دینی دارد. گاهی بعضی پدران نسبت به فرزندان که از زن اول داشتند، کاملاً بی‌اعتنایی می‌کنند، در حالی که نباید بین آنها فرق بگذارند. بلی، باید شفقت نسبت به دختر بیشتر باشد؛ مثلاً مستحب است پدر از بازار هدیه‌ای که می‌آورد اول به دخترها بدهد و بعد به پسرها. بین دخترها فرق نگذارد؛ چنانچه بین پسرها؛ چون ممکن است حسادت در آنها پیدا شود و گناهش گردن پدر

است، یا مثلاً در مقام ارث، بعضی از اولاد را محروم می‌کند که شرعاً قابل قبول نیست. بلی، اگر یکی از آنها ضعیف‌تر باشد، بابت ثلث مانعی ندارد.

پسر هم حق دارد و تا خودش مستقل نشده است، خوراک و لباس و مسکن او را باید تأمین کرد. موقعی که باید ازدواج کند نباید مسامحه کرد. دختر هم تا شوهر نکرده، نفقه و تربیت دینی‌اش به عهده پدر است، باید آنچه را که عرفاً لازم باشد، بپردازد.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۱

بعضی پدر و مادرها هستند درباره خودشان زیادتر می‌طلبند و در مقام حق فرزند، مسامحه کارند. فرزند هم همین‌طور زیادتر از حقش از پدر می‌خواهد ولی در مقام اطاعت و ادب نسبت به والدین، کوتاهی می‌کند.

حقوق اولاد نسبت به والدین زیاد است، چه بسیار اشخاصی که حق اولاد را رعایت نکرده، زیر بار حق او هستند و فردا مسؤول‌اند، اولادش را درست تربیت نکرد، تقصیر در پرورش او را داشت و در نتیجه سهل انگاری پدر، منحرف گردید، قاتل شد، البته که پدر مسؤول است. فردای قیامت می‌گوید: پدرم مرا به سینما برد، فیلم‌های شهوانی و جنایی را نشانم داد و منحرف شدم.

پدر و مادرها باید ادب بچه‌ها را مواظب باشند. این بی‌ادبی‌ها را که در بچه‌ها ملاحظه می‌کنید، رعایت بزرگترها را هیچ نمی‌کنند، سخنان لغو و رکیک می‌گویند، نتیجه بی‌بندوباری و ولنگاری پدر و مادرها است که زبان‌شان در کنترل نیست.

وای بر پدر و مادرهایی که فردای قیامت فرزندانشان دامنشان را بگیرند
و مطالبه حقوقشان را بنمایند!

لذا در قرآن مجید می‌فرماید: «روزی که شخص فرار می‌کند از برادرش
و مادر و پدرش و همسر و پسرانش».^{۱۹۷} به خاطر مطالبه حقوق آنهاست
وگرنه چگونه شخص از اولاد یا والدین خودش بگریزد، می‌ترسد که
الآن پسرش بگوید چرا مرا بدبخت کردی؟

(۱) - «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبْنَيْهِ * وَصَحْبَتِهِ وَنَبِيِّهِ» (عبس: ۳۴-۳۶) ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۲

حق پدر در جلوگیری اولاد از گناه

در کتابهای فقهی، حقوق زن و شوهر، فرزند و والدین نسبت به یکدیگر،
همسایه نسبت به همسایه و خلاصه مؤمن نسبت به مؤمن فراوان است.
مقداری که می‌شود شرح داد مختصراً یاد آوری می‌شود و با ذکر قاعده
کلی نسبت به همه موارد، می‌توان تطبیق کرد.

حقوق اولاد بر پدر و مادر این است که بر هر پدر و مادری لازم است
که اولاد را به ترک گناه وادارد و هر گناهی که موجب فساد است،
واجب است از اولاد جلوگیری کنند هر چند بچه مکلف نیست؛ اما پدر و
مادرها مکلفند.

^{۱۹۷} (۱) - «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبْنَيْهِ * وَصَحْبَتِهِ وَنَبِيِّهِ» (عبس: ۳۴-۳۶) ..

هر گناهی که فساد در آن است باید از بچه جلوگیری کنند و نسبت به گناهانی که فساد در آنها نیست بهتر است از باب تمرین، بچه را به ترک آن وادارند.

با ذکر مثال، مطلب آشکارتر می شود:

مثلاً رو به قبله بول کردن بر هر مکلفی حرام است و همچنین پشت به قبله؛ اما بچه مکلف نیست و بر او حرام نیست لکن از باب تمرین اگر بچه خواست رو به قبله بنشیند او را راهنمایی کنند که ننشیند، بسیار خوب است. اما اگر مادر خواست بچه را رو به قبله بنشاند جایز نیست؛ چون مادر خودش مکلف است هر چند بچه مکلف نیست.

نماز خواندن کودکان پیش از تکلیف

نسبت به نماز خواندن، نگو که بچه مکلف نیست، پدر و مادر

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۳

باید پیش از تکلیف بچه را نماز خوان کرده باشند، خصوص پسر از سن دوازده سالگی که باید پیش از آن نماز خوان باشند، دختر هفت ساله باید نماز خوان باشد و گرنه حقی که بر گردن پدر و مادر داشته ادا نکرده اند و در انجام وظیفه کوتاهی کرده اند و وقتی مکلف شد و نماز خوان نبود، به عهده پدر و مادر است که چرا او را نماز خوان نکردند.

سحر خیزی به برکت تمرین دادن پدر

رفیقی داشتیم، پیر مرد محترم از اهالی لار بود. این بزرگوار، چه زمستان و شبهای طولانی و چه تابستان شبهای کوتاه از دو ساعت به اذان صبح

بیدار و مشغول تهجد بود. می گفت: به قسمی عادت کرده‌ام که اگر تا نیمه شب نیز بیدار باشم، باز سر موعد بیدار می شوم و علتش این است که در کودکی پدرم مقید بود وقت سحر مرا بیدار می کرد و وا می داشت وضو بگیرم و با خودش مرا به مسجد می برد، نماز شب می خواند و یاد من هم می داد بخوانم و این موضوع برای من عادت شده است.

لزوم احساس مسؤولیت پدر

در آیه شریفه که می فرماید: «روزی که شخص از برادرش و مادر و پدرش و همسر و فرزندانش فرار می کند»، به خاطر مطالبه حقوق ایشان است. از فرزند فرار می کند چون مطالبه حقش را می کند. مبادا دامنش را بگیرد. ای پدر مسامحه کار! چرا مرا نماز خوان و روزه گیر نکردی؟ چرا احکام واجب را یاد من ندادی؟

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۴

لزوم جلوگیری از مفاسد کودکان

اما گناهانی که واجب است بر پدر و مادر از همان کوچکی از فرزند جلوگیری کنند، آنهایی است که فساد آور است؛ مانند: دروغ. باید به زبان خوش و با محبت بچه را واداری دروغ نگوید. اگر یک دفعه دروغ گفت در صورتش نخند بلکه با ملایمت او را راهنمایی کن. می ترسم بگویی اگر خود پدر، دروغگو باشد چه باید کرد؟

اگر غیبت کرد یا نمایی و فتنه انگیزی کرد، مبادا از او پذیری یا بی تفاوت باشی و گرنه یک نفر مفسد، تحویل اجتماع می دهی. باز می ترسم

بگویی مادری که خودش غیبت کننده و نمام است، چطور از غیبت کردن یا فتنه انگیزی اولاد جلوگیری کند؟

اما مخاطب ما پدران و مادران مسلمان معتقد هستند. بچه اگر غیبت کننده بار آمد از فتنه انگیزی اولاد جلوگیری کنند.

اگر جلوگیری نکردی، رعب گناه نزد او از بین می رود کم کم در کاش گناه شیرین می شود و چون مؤدب به آداب دین نشد، فاسد بار می آید.

لزوم مراقبت بیشتر مادران

در پیش اولادت اگر منکری از تو سر زد، به او ظلم کرده ای؛ مثلاً زن در حال عادت زنانه اش روزه ندارد و باید بعداً قضایش را بگیرد؛ اما حق بچه این است که در پیش رویش افطار نکند؛ زیرا بچه نمی فهمد که مادرش در حال حیض است و نباید روزه بگیرد بلکه روزه خواری برایش امری عادی می شود و در ذهنش می ماند و بعد با

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۵

اثری که بر رویش می گذارد ممکن است خودش هم روزه خور بار بیاید. همچنین ترک نماز کردنش در حال حیض نیز نباید بچه متوجه شود تا این اندازه باید مواظب بود تا مبادا انحرافی در آتیه بچه پیدا شده و بچه جری شود.

عدم جواز تنبیه بدنی در کودکان

بعضی بچه هایشان را شدیداً می زنند، این مسؤولیت دارد.

می گویند: بچه خودم است، اختیارش را دارم. کی اختیار این گونه تجاوزها را به تو داده است؟ این که تربیت نشد بلکه تشفی غیظ است؛ مثلاً فرمانش را نبرده، یا ظرف را شکسته، بچه را می زند و اسمش را تربیت می گذارد. در حالی که برای خنک شدن دلش می زند. اگر هم خون بیاید یا جای زدنش سرخ یا سیاه شود، باید دیه بدهد.

لزوم حفظ حرمت مادر

در روایتی دارد که اگر کسی بچه ای دارد، در حضور بچه اش، مادرش را ناراحت نکند.

علتش این است که بچه کوچک به مادرش خیلی علاقه دارد، وقتی می بیند مادرش ناراحت می شود، زورش هم که به پدرش نمی رسد لذا در دلش عقده می شود و می ماند تا کی اثرش آشکار گردد، چه بسا بچه را مریض می کند؛ بنابراین، باید تا می توانید با همسران با رفق و مدارا رفتار کرده، ایرادگیری را کنار بگذارید، به خصوص در حضور بچه ها.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۶

تساوی در نفقه کودکان

عدل با بچه ها را فراموش نکنید. باید خوراک و لباس فرزند که خدای تعالی در قرآن بر عهده پدر گذاشته است، رعایت کنید، نسبت به دختر تا هنوز به خانه شوهر نرفته است و پسر تا وقتی که کسب و کار و درآمد مستقلی پیدا نکرده است، بر عهده پدر است.

بعضی هستند عیال دیگر اختیار کرده اند و بچه هایی که از زن سابق دارند، زیر دست زن پدر یا بدون نفقه، گاهی بدون سرپرست رها

می کنند، اولاد تو است و نفقه اش بر تو واجب است تا وقتی شغل مستقلی پیدا کند و در آمدی داشته باشد.

وادار نمودن کودکان به نماز

بیاید فرزندان را به هر اندازه که بتوانید به نماز وادارید. دختر از هفت سالگی، پسر تا دوازده سالگی، با تشویق و ترغیب، آنان را به نماز وادارید. تا وقتی مکلف شد، نماز خوان گردد. وگرنه اگر کوتاهی کردید، وقتی مکلف شد، معلوم نیست به آسانی نماز خوان گردد، مسائل مورد ابتلا را به تدریج یادشان بدهید.

خداوند، رازق بندگان

گاه پیش می آید که شخص می گوید: «چه کنم؟ ده تا نان خور دارم». مگر بار زندگی روی دوش تو است؟ بچه که مال خداست، خودت هم مال خدا هستی. هر آن کس که دندان دهد نان دهد.

غصه می خورد که پس از من، اولادم چه می شود. او هم خدا

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۲

دارد و کارش به دست اوست. نمی خواهد غصه اش را بخوری.

وجوب نفقه فرزند بر پدر

پسر از هنگام ولادت تا وقتی که به حدّ رشد رسیده از عهده کسب و کار بر آید و بتواند معیشت خود را فراهم نماید، نفقه اش؛ یعنی خوراک، لباس و مسکن او بر پدرش واجب است. دختر هم همین است تا وقتی که به خانه شوهر رود، یا به واسطه دارایی، بی نیاز گردد.

تلاش برای ازدواج فرزندان

از حقوق پسر، سعی در ازدواج نمودنش پس از رشد و بلوغ است؛ چنانچه از حقوق دختر، رساندنش به خانه شوهر است و والدین نمی‌توانند مانع شوهر کردنش گردند؛ چنانکه در قرآن مجید صریحاً بیان می‌فرماید.^{۱۹۸}

آموزش و پرورش دینی

از حقوق اولاد، سعی در تعلیم و تربیت آنهاست که به اصول و فروع دین آشنا گردد. خصوصاً خواندن قرآن مجید را یاد بگیرند و در تأدیب آنها مسامحه ننمایند، با رعایت شرایط آن، هر چند منجر به زدن گردد، به شرحی که ان شاء الله در شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌شود. روایات کثیره‌ای در امر به مهربانی و محبت و اکرام

(۱) - نور: ۳۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۸

به فرزند رسیده، برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

مهربانی نسبت به فرزندان

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را دوست بدارید و به آنها رحم کنید. هر گاه وعده‌ای به ایشان دادید وفا کنید؛ چون امید

^{۱۹۸} (۱) - نور: ۳۲ ..

فرزند تنها به پدر و مادر است.^{۱۹۹} به درستی که خدای تعالی غضب نمی‌فرماید به چیزی مانند غضب فرمودنش درباره زن‌ها و بچه‌ها.^{۲۰۰}

نگاه شفقت و بوسیدن فرزند

و نیز فرمود: «کسی که فرزند خود را ببوسد، حسنه‌ای برایش ثبت می‌شود»^{۲۰۱} و در حدیث دیگر فرمود: «به هر بوسه‌ای، برایش درجات در بهشت خواهد بود».^{۲۰۲}

و نیز مروی است: «هر گاه پدر از روی مهر و شفقت به فرزند خود بنگرد و او را مسرور نماید، ثواب بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته می‌گردد».^{۲۰۳}

نیکی به فرزند پس از والدین

و نیز در روایت رسیده که: «مادر و فرزند خود را اکرام نمایید و به او بدی نکنید؛ زیرا فرزند شما در اثر علاقه‌ای که به مادرش دارد،

(۱) - فروع کافی: ۶ / ۴۹ / ح ۳.

(۲) - همان: ۵۰ / ح ۸ ..

(۳) - همان: ۴۹ / ح ۱ ..

^{۱۹۹} (۱) - فروع کافی: ۶ / ۴۹ / ح ۳.

^{۲۰۰} (۲) - همان: ۵۰ / ح ۸ ..

^{۲۰۱} (۳) - همان: ۴۹ / ح ۱ ..

^{۲۰۲} (۴) - وسائل الشیعه: ۲۱ / ۴۸۵ / ح ۳.

^{۲۰۳} (۵) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۶۹ / ح ۶ ..

(۴) - وسائل الشیعه: ۲۱ / ۴۸۵ / ح ۳.

(۵) - مستدرک الوسائل: ۱۵ / ۱۶۹ / ح ۶ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۵۹

دلگیر و افسرده می شود».

و باز در روایت است که: «مردی از انصار از حضرت صادق علیه السلام پرسید: نیکی چه اشخاصی بر من لازم است؟ فرمود: والدینت. گفت:

هر دو از دنیا رفته اند. حضرت فرمود: به فرزندان نیکی کن!». ^{۲۰۴}

دختر به نیکی سزاوارتر است

درباره نیکی به فرزند، نسبت به دختر، سفارش بیشتری شده است و مستحب است هدیه ای را که پدر به خانه می آورد، دختر را بر پسر مقدم بدارد، خصوصاً دختری که اسمش را فاطمه گذاشته است.

و نیز لعن و نفرین درباره اولاد نهی شده، هر چند بد رفتاری و مخالفت والدین کنند بلکه از موجبات فقر شمرده شده است.

(۱) - فروع کافی: ۶ / ۴۹ / ح ۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۰

ازدواج و زناشویی از دیدگاه احادیث و روایات

^{۲۰۴} (۱) - فروع کافی: ۶ / ۴۹ / ح ۲ ..

اهمیت ازدواج

از امام پنجم علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا مؤمن زن نگیرد که شاید خداوند به او فرزندی دهد که زمین را به لا اله الا الله سنگین سازد». ^{۲۰۵} و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده، درباره نصف دیگر، تقوا پیشه کند». ^{۲۰۶}

و نیز فرمود: «در اسلام کاخی که در نزد خدا محبوبتر از ازدواج باشد، بر افراشته نشده است». ^{۲۰۷}

و نیز فرمود: «هر که (دین و) فطرت مرا دوست دارد، باید به سنت من عمل کند و یکی از سنن من نکاح است». ^{۲۰۸}

و نیز فرمود: «هر که قدرت بر ازدواج داشته باشد و ازدواج نکند، از من نیست». ^{۲۰۹}

و نیز فرمود: «روزی را از راه ازدواج بجوید». ^{۲۱۰}

(۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۲) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۰۵} (۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۰۶} (۲) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۰۷} (۳) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۰۸} (۴) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۰۹} (۵) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۱۰} (۶) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۳) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۴) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۵) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۶) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۱

امام ششم علیه السلام فرمود: «هر که از ترس خرج و نفقه، تزویج نکند، به خدا بد گمان گشته؛ چرا که خداوند فرماید: اگر فقیر باشند، خداوند از عنایت خود، بی نیازشان گرداند»^{۲۱۱}.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ازدواج کنید که من در قیامت به زیادی شما امت می‌بالم، حتی کودک سقط شده، خشمگین بر در بهشت می‌ایستد، به او می‌گویند داخل بهشت شو، می‌گوید: تا پدر و مادرم پیش از من وارد بهشت نشوند، من وارد نخواهم شد»^{۲۱۳}.

و نیز فرمود: «دو رکعت نماز زن دار، بهتر است از یک شبانه روز عبادت عزب که روزش را روزه بگیرد و شب را نماز بخواند»^{۲۱۴}. و نیز فرمود: «بدترین مردگان، عزب‌ها هستند»^{۲۱۵}.

^{۲۱۱} (۱) - نور: ۳۲ ..

^{۲۱۲} (۲) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۱۳} (۳) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

^{۲۱۴} (۴) - همان: ۱۹۷ ..

^{۲۱۵} (۵) - همان: ۱۹۷ ..

و نیز فرمود: «ای جوانان! هر که قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند که چشم را با حیا و دامن را پاک نگه می‌دارد. و هر که قدرت ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی می‌کاهد».^{۲۱۶}

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «دو رکعت نماز همسر دار، بهتر است از هفتاد رکعت نماز عزب».^{۲۱۷}

از امام هفتم علیه السلام است که فرمود: «مردی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و حضرت به او فرمود: همسر گرفته‌ای؟ گفت: نه. امام علیه السلام فرمود:

دوست ندارم که همه دنیا از من باشد و یک شب بی زن بخوابم. و بعد فرمود: دو رکعت نماز همسر دار، بهتر است از این که عزبی شب را نماز گزارد و روز را روزه باشد».^{۲۱۸}

(۱) - نور: ۳۲ ..

(۲) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۳) - مکارم الأخلاق: ۱۹۶.

(۴) - همان: ۱۹۷ ..

(۵) - همان: ۱۹۷ ..

^{۲۱۶} (۶) - همان: ۱۹۷ ..

^{۲۱۷} (۷) - همان: ۱۹۷ ..

^{۲۱۸} (۸) - همان: ۱۹۷ ..

(۶) - همان: ۱۹۷ ..

(۷) - همان: ۱۹۷ ..

(۸) - همان: ۱۹۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۲

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «مرد هر چه بیشتر زن دوست باشد، ایمانش بیشتر است».^{۲۱۹} از آن حضرت است که فرمود: «به زنان، بسیار نیکی کنید».^{۲۲۰}

و از آن حضرت است که فرمود: «ازدواج کنید و طلاق مدهید که از طلاق، عرش به لرزه آید».^{۲۲۱}

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «ازدواج کنید و طلاق مدهید که خداوند، زن و مرد عیّاش و لذت جو را دوست ندارد».^{۲۲۲}

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «هر که از ترس فقر، همسر نگیرد، به خدا بی گمان است که می فرماید: اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان سازد».^{۲۲۳}^{۲۲۴}

^{۲۱۹} (۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

^{۲۲۰} (۲) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

^{۲۲۱} (۳) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

^{۲۲۲} (۴) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

^{۲۲۳} (۵) - نور: ۳۳ ..

^{۲۲۴} (۶) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «هر که بتواند و همسر نگیرد از من (مسلمان) نیست».^{۲۲۵}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «هر که در حال قمر در عقرب، ازدواج کند، نیکی نبیند. و روایت است که در آخر ماه ازدواج نکنید».^{۲۲۶}

بهترین و بدترین زنان

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «بهترین زنان امّتم آنانند که مهرشان کمتر و صورتشان زیباتر است».^{۲۲۷}

از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود: «از مبارکی‌های زن، کمی

(۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

(۲) مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

(۳) مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

(۴) مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

(۵) - نور: ۳۳ ..

(۶) - مکارم الأخلاق: ۱۹۷.

^{۲۲۵} (۷) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

^{۲۲۶} (۸) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

^{۲۲۷} (۹) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

(۷) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

(۸) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

(۹) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸ ...

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۳

نصفه و آسان زاییدن اوست و از شومی زن، پرخرجی و سخت زائی اوست.^{۲۲۸} امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «زن بزرگ چشم، گندم گون، بزرگ کپل، چهار شانه بگیر و اگر چنین زنی را نخواستی، صداقش و مهرش با من».^{۲۲۹}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «بهترین زنان آن است که اگر خشمگین شود، به شوهر گوید: دست من در دست تو است (یعنی اختیار من با تو است) به بستر خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی».^{۲۳۰} از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «هر که جماع (خوب) خواهد، زن کوتاه قد چهارشانه و گندمگون بگیرد و اگر لذت نبرد، مهرش به عهده من است».^{۲۳۱}

از جابر است که گفت: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر زن پنج نماز خود را بگذارد و روزه رمضان را بگیرد و دامن از زنا نگهدارد و شوهرش را اطاعت نماید، از هر دری که بخواهد به بهشت در آید».^{۲۳۲}

^{۲۲۸} (۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸.

^{۲۲۹} (۲) - همان: ۱۹۹ ...

^{۲۳۰} (۳) - همان: ۲۰۰.

^{۲۳۱} (۴) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

^{۲۳۲} (۵) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

و نیز فرمود: «هر زنی که شوهرش را بر حج و جهاد و طلب علم یاری کند، خداوند به او پاداش زن حضرت ایوب دهد». ^{۲۳۳}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین زنان ائمتّم، زیباترین و کم مهرترین آنهاست». ^{۲۳۴}

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که شوهرش را در نفقه به آنچه قدرت

(۱) - مکارم الأخلاق: ۱۹۸.

(۲) - همان: ۱۹۹ ...

(۳) - همان: ۲۰۰.

(۴) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

(۵) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

(۶) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

(۷) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۴

ندارد وادارد، خداوند هیچ عمل او را نپذیرد، مگر آن که توبه کند و از این روش باز گردد و از شوهر به قدر قدرت او بخواهد». ^{۲۳۵} و نیز فرمود:

^{۲۳۳} (۶) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

^{۲۳۴} (۷) - مکارم الأخلاق: ۲۰۱ ..

^{۲۳۵} (۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲ ..

«اگر زنی همه زر و سیم زمین را به خانه شوهر برد و روزی بر او منت نهد که: تو کی هستی؟ مال‌ها و اثاث خانه از من است، اعمال خیرش نابود شود، مگر آن که توبه کند و از شوهر عذر بخواهد».^{۲۳۶}

از سلمان فارسی رضی الله عنه است که گفت: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: زنی که از روی منت گذاشتن به شوهرش بگوید: تو از مال من می‌خوری، اگر همه مالش را در راه خدا صدقه دهد، از او پذیرفته نگردد تا وقتی که شوهرش از او راضی گردد».^{۲۳۷}

و از امیر مؤمنان است که فرمود: «از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم: هر زنی که از شوهر به ستم فاصله گیرد، در قیامت با فرعون، هامان و قارون در پست‌ترین طبقات دوزخ جای گیرد، مگر آن که توبه نماید».^{۲۳۸}

همسران شایسته

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «اگر مرد زن را برای زیبایی و یا ثروتش بگیرد، از این هر دو محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش بگیرد، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند».^{۲۳۹}

از حسین بن بشار است که گفت: «به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نوشتم من قوم و خویشی دارم که از من (دخترم را) خواستگاری کرده؛ ولی در او بد خوئی است. حضرت فرمود: اگر بد

^{۲۳۶} (۲) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

^{۲۳۷} (۳) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

^{۲۳۸} (۴) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

^{۲۳۹} (۵) - همان: ۲۰۳.

(۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

(۲) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

(۳) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

(۴) - مکارم الأخلاق: ۲۰۲.

(۵) - همان: ۲۰۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۵

اخلاق است با او ازدواج نکنید».^{۲۴۰} از حسین بن بشّار است که گفت: «به حضرت باقر علیه السلام نوشتم که مردی از من خواستگاری کرده (یعنی دختری را از خانواده‌ام) حضرت جواب نوشت: اگر خواستگاری کننده از دین و امانتش راضی هستید و هر که باشد با او ازدواج کنید (یعنی اگر دیندار نباشد به او زن ندهید) و گرنه فتنه و فساد بزرگ در زمین خواهد بود»^{۲۴۱} (یعنی غیر دین و درستی را در نظر داشتن).

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «با مرد و زنی که آشکارا زنا می‌دهد ازدواج نکنید مگر آن که بدانید توبه کرده‌اند».^{۲۴۲}

از زراره است که گفت: «از امام صادق علیه السلام در باره گفته خداوند:

^{۲۴۰} (۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۳.

^{۲۴۱} (۲) - همان: ۲۰۴ ..

^{۲۴۲} (۳) - همان: ۲۰۴ ..

مرد زنا کار جز با زن زنا کار یا مشرک ازدواج نکند و زن زنا کار را نیز جز مرد مشرک و زنا کار نگیرد^{۲۴۳} سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: مردان و زنان مشهور به زنا هستند و مردم امروز به همان منزلت می‌باشند. هر که بر او حدّ زنا جاری شود یا به زنا مشهور گردد، نباید کسی با او ازدواج کند تا توبه‌اش مسلم شود.^{۲۴۴} مردی برای مشورت ازدواج دخترش، خدمت حضرت امام حسن علیه السلام آمد، امام فرمود: «او را به مردی پاکدامن ده که اگر دوستش داشته باشد، گرامی‌اش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به او ستم نکند».^{۲۴۵}

(۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۳.

(۲) - همان: ۲۰۴ ..

(۳) - همان: ۲۰۴ ..

(۴) - نور: ۳

(۵) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴ ..

(۶) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۶

^{۲۴۳} (۴) - نور: ۳

^{۲۴۴} (۵) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴ ..

^{۲۴۵} (۶) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴ ..

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دخترش را به فاسقی دهد، قطع رحم کرده است».^{۲۴۶} و باز فرمود: «هر که شراب بنوشد، اگر خواستگاری کرد، شایسته ازدواج نیست».^{۲۴۷}

روایت است که حضرت از ابی بصیر پرسید: «اگر یکی از شما بخواهد ازدواج نماید چه می کند؟ گفت: نمی دانم. امام فرمود:

چون به این کار تصمیم گرفت، دو رکعت نماز گزارد و خدا را حمد کند و بگوید: خداوندا! من قصد ازدواج دارم، زیباترین، خوش خوترین و عقیف ترین زنان را نصیب من کن که مال من و ناموس خود را بهتر حفظ کند و از نظر رزق و برکت، از همه وسیع تر باشد و از او فرزندی پاک که در حیات و مرگ من یادگاری صالح باشد به من عنایت کن».^{۲۴۸}

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «هر که دختری را بگیرد و قصد دادن مهرش را نداشته باشد، در نزد خداوند زناکار است».^{۲۴۹}

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زینب دختر جحش را به زید بن حارثه، تزویج کردم و ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به نکاح مقداد در آوردم تا بدانید که شریف ترین شرفها اسلام است».^{۲۵۰}

شرایط و آداب زناشویی

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «عروسی را در شب قرار دهید

^{۲۴۶} (۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴.

^{۲۴۷} (۲) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴.

^{۲۴۸} (۳) - همان: ۲۰۵.

^{۲۴۹} (۴) - همان: ۲۰۷.

^{۲۵۰} (۵) - همان: ۲۰۷.

(۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴.

(۲) - مکارم الأخلاق: ۲۰۴.

(۳) - همان: ۲۰۵.

(۴) - همان: ۲۰۷ ..

(۵) - همان: ۲۰۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۲

و روز اطعام نمایید». ^{۲۵۱} از امام صادق علیه السلام روایت است که به یکی از اصحاب خود فرمود:

«چون همسرت به خانه‌ات آمد (شب عروسی)، دست به پیشانی او بگذار و رو به قبله بایست و بگو: خداوندا! امانت تو را گرفتم و با کلمات تو (صیغه عقد) ناموس و عورت او را بر خود حلال کردم، اگر از او فرزندی به من دادی، او را مبارک و سالم بدار و شیطان را در نطفه‌اش شریک مکن». ^{۲۵۲}

از کتاب نجات، روایت از ائمه علیهم السلام است که فرمودند: «چون زفاف نزدیک گشت، مستحب است که به همسرت دستور دهی دو رکعت نماز بخواند و چون بر تو وارد شد با وضو باشد و تو نیز باید همین طور نماز بخوانی و خدا را سپاس بگو و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل او

^{۲۵۱} (۱) - مکارم الأخلاق: ۲۰۸ ..

^{۲۵۲} (۲) - مکارم الأخلاق: ۲۰۸ ..

درود بفرست و بگو: خداوندا! مهر و الفت و دوستی و محبت و خشنودی او را نصیبم کن و او را وسیله خوشدلی و دلشادی من قرار ده و بین ما را به بهترین صورت و راحت ترین همکاری با هم جمع کن که تو حلال را دوست داری و از حرام بیزاری».^{۲۵۳}

از ابی سعید خدری است که گفت: «پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام وصیت فرمود: چون عروس به خانهات درآید، کفش او را بدر آر و پاهایش را بشوی و جلوی در خانهات را آب پاش و با این عمل، خداوند هفتاد هزار نوع فقر را از خانهات براند و به جایش هفتاد هزار گونه غنا و برکت فرستد و هفتاد رحمت بر سر عروست نازل سازد تا برکتش هر گوشه خانهات را بگیرد. و عروس را تا در آن خانه است، از

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۰۸ ..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۰۸ ..

(۳) - مکارم الاخلاق: ۲۰۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۸

جنون، جذام و برص نگهدارد و عروس را در هفته اول از لبنیات، سرکه، گشنیز و سیب ترش منع کن».^{۲۵۴} از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «جماع به هنگام طلوع و غروب که خورشید زرد رنگ شده، مکروه است».^{۲۵۵}

^{۲۵۳} (۳) - مکارم الاخلاق: ۲۰۸ ..

^{۲۵۴} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۰۹ ..

^{۲۵۵} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «در کشتی و رو به قبله و پشت به قبله جماع مکن».^{۲۵۶}

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از جنابت، مکروه است جماع دوباره، مگر از جنابت اول غسل کند و آلا اگر فرزندی شود و مجنون باشد، جز خودش را ملامت نکند».^{۲۵۷}

و نیز فرمود: «اگر در حال حیض با زن جماع کردی و فرزندی جذامی یا پیس به دنیا بیاید، جز خودت را ملامت مکن».^{۲۵۸}

و باز فرمود: «هر که می خواهد باقی بماند گر چه بقایی وجود ندارد، ناشتای کامل بخورد و کفش راحت بپا کند و لباس سبک بپوشد و آمیزش کم کند. پرسیدند سبکی جامه چیست؟ فرمود: کمی قرض».^{۲۵۹}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «اگر یکی از شما به همسرش نزدیک شود و سپس برخیزد و او را ارضا نکند، همسر که از زیر او برخیزد اگر به یک زنگی (سیاه بدقیافه) دست یابد، به او متوسل و متشبث شود، پس به هنگام نزدیکی، شوخی و بازی و ملاعبه کنید که لذت بخش تر و بهتر است و زن ارضا شود».^{۲۶۰}

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون زن از جای برخیزد، مادام که جایش گرم

^{۲۵۶} (۳) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

^{۲۵۷} (۴) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

^{۲۵۸} (۵) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

^{۲۵۹} (۶) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

^{۲۶۰} (۷) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

-
- (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۰۹.
- (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..
- (۳) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..
- (۴) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..
- (۵) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..
- (۶) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..
- (۷) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۶۹

است، کسی آن جا ننشیند». ^{۲۶۱} مردی به امام پنجم علیه السلام گفت: «آیا جماع با آن که حلال است در بعض اوقات مکروه می باشد؟ فرمود: آری، از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب خورشید تا مغرب و در روز خورشید گرفتگی و در شب و روزی که باد سرخ و سیاه و یا زرد می وزد، یا زلزله شود». ^{۲۶۲}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «مانعی ندارد که مرد به پیکر عریان همسرش نظاره کند». ^{۲۶۳}

^{۲۶۱} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲.

^{۲۶۲} (۲) - همان: ۲۱۳ ..

^{۲۶۳} (۳) - همان: ۲۱۳ ..

و از آن حضرت پرسیدند: «آیا غلام می‌تواند به موهای خانمش نگاه کند؟ فرمود: آری و به ساق پایش».^{۲۶۴}

از علی علیه السلام است که فرمود: «مستحب است که مرد شب اول ماه رمضان با همسر آمیزش کند به گفته خداوند متعال: شب ماه رمضان، نزدیکی با زنان حلال است».^{۲۶۵}

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی که بر بدخویی همسرش صبر کند، خداوند اجر مصایب حضرت ایوب را به وی دهد. و زنی که بر بدخویی شوهرش شکیبایی کند، خداوند ثواب آسیه را بدو دهد».^{۲۶۶}

حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر

از امام پنجم علیه السلام است که فرمود: «زنی به محضر پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: آن که فرمان او برد و مخالفت و عصیان او نکند و چیزی از خانه او بدون اجازه او

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۲.

(۲) - همان: ۲۱۳ ..

(۳) - همان: ۲۱۳ ..

(۴) - همان: ۲۱۳ ..

^{۲۶۴} (۴) - همان: ۲۱۳ ..

^{۲۶۵} (۵) - همان: ۲۱۳ ..

^{۲۶۶} (۶) - همان: ۲۱۳ - ۲۱۴ ..

(۵).- همان: ۲۱۳ ..

(۶).- همان: ۲۱۳-۲۱۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۰

صدقه ندهد و روزه مستحب جز با اجازه او نگیرد و اگر بر پشت مرکب (آماده سفر) است و شوهر از او آمیزش خواست، امتناع نکند.

و جز با اجازه او از خانه بیرون نرود که اگر بی اجازه او بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و رحمت و غضب بر او نفرین فرستند تا گاهی که به خانه برگردد.

زن پرسید: یا رسول الله! چه کسی حقش به گردن مرد بیش از همه می باشد؟

حضرت فرمود: پدر و مادر.

پرسید: چه کسی حقش بر زن بیش از همگان است؟

حضرت فرمود: شوهر.

پرسید: من هم به اندازه شوهر به گردن او حق دارم؟

حضرت فرمود: نه، و صد یک آن را نیز نداری.

پرسید: قسم به خداوندی که تو را برگزید! اختیارم را به دست هیچ شوهری نخواهم داد.^{۲۶۷} و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که شوهرش را به زبان اذیت کند، خداوند هیچ رفت و آمد (درباره

^{۲۶۷} (۱) و- مکارم الاخلاق: ۲۱۴ ..

خیرات) و حسنه‌ای را از او نمی‌پذیرد تا او را خشنود و راضی گرداند و اگر چه روزها روزه بدارد و شبها نماز گزارد و بردگان آزاد کند و آنها بر پشت اسبان در راه خدا (به جهاد) بفرستد و اوّل کسی خواهد بود که به آتش درآید و همچنین است مرد اگر بر زن ستمگری کند».^{۲۶۸}

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر

(۱) و- مکارم الاخلاق: ۲۱۴ ..

(۲) و- مکارم الاخلاق: ۲۱۴ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۱

آنچه قدرت ندارد وادارد، خداوند از او هیچ حسنه‌ای نپذیرد و خدا را خشمگین ملاقات کند».^{۲۶۹} از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «حقّ مرد بر زن این است که چراغ برایش برافروزد، طعام خوب تهیه بیند، تا در حیاط به استقبالش شتابد، به او خوشامد گوید، طشت و حوله آرد و دست او را بشوید و جز به واسطه علّتی، خود را از او منع ننماید».^{۲۷۰}

و از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «هر زنی که شب کند و شوهر بر او به حق خشمگین باشد، خداوند نماز او را قبول نکند تا از او خشنود گردد».^{۲۷۱} و نیز فرمود: «هر زنی که برای غیر شوهر عطر بزند،

^{۲۶۸} (۲) و- مکارم الاخلاق: ۲۱۴ ..

^{۲۶۹} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۴ ..

^{۲۷۰} (۲) - همان: ۲۱۴-۲۱۵ ..

^{۲۷۱} (۳) - همان: ۲۱۵ ..

خداوند نمازش را قبول نکند تا از آن غسل کند؛ چنانچه از جنابت غسل می‌کند».^{۲۷۲}

و باز فرمود: «هر زنی که در غیر خانه شوهر بی‌اجازه او جامه از تن درآرد تا وقتی که به خانه باز گردد در لعنت خدا باشد».^{۲۷۳}

از امام باقر علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا درباره زن چندان سفارش کرد تا جایی که گمان کردم که او را جز به واسطه فاحشه آشکار (زنا و بی‌عفتی علنی) طلاق نتوان داد».^{۲۷۴}

و نیز فرمود: «هر کس حتی بر یک سخن ناگوار زن، شکیبایی کند، خداوند او را از دوزخ رهایی بخشد و بهشت را برایش حتمی سازد و دویست هزار حسنه برایش بنویسد و دویست هزار گناه از او محو

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۴.

(۲) - همان: ۲۱۴ - ۲۱۵ ..

(۳) - همان: ۲۱۵ -.

(۴) - همان: ۲۱۵.

(۵) - همان: ۲۱۵.

^{۲۷۲} (۴) - همان: ۲۱۵.

^{۲۷۳} (۵) - همان: ۲۱۵.

^{۲۷۴} (۶) - همان: ۲۱۵، ۲۱۶.

(۶). همان: ۲۱۵، ۲۱۶.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۲

نماید و دویست هزار درجه بالایش برد و به هر موی تنش عبادت سالی
برایش بنویسد.^{۲۷۵} اسحاق بن عمار از امام ششم علیه السلام پرسید: «حقّ
زن به شوهر چیست؟ امام علیه السلام فرمود: شکمش را سیر کند، بدنش
را بپوشد و اگر جهالت کرد از او درگذرد. ابراهیم خلیل به خداوند از
تند خویی ساره شکوه کرد، خداوند به او وحی فرمود: زن همانند
استخوان دنده است اگر بخواهی راستش کنی می شکند و اگر با او
همچنان مدارا نمایی، از او بهره ور گردی. گفتم: این سخنان از کیست؟
حضرت خشمگین شد و فرمود: به خدا این سخن پیغمبر صلی الله علیه و
آله است.»^{۲۷۶}

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «امام صادق علیه السلام زنی
داشت که او را اذیت می کرد و امام از او در می گذشت.»^{۲۷۷}

از امام باقر علیه السلام است که فرمود: «هر که همسر دارد و لباس و
غذای ضروری او را ندهد، بر امام لازم است که بینشان جدایی
افکند.»^{۲۷۸}

^{۲۷۵} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

^{۲۷۶} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

^{۲۷۷} (۳) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

^{۲۷۸} (۴) - همان: ۲۱۷ ..

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «عیال یک مرد، اسیران اویند و محبوبترین بندگان پیش خدا کسی است که به اسیرانش نیکوکارتر باشد».^{۲۷۹}

از امام هفتم است که فرمود: «عیال یک مرد، اسیران اویند و هر که خداوند به او نعمتی دهد، بر اسیرانش وسعت دهد و گرنه ممکن است نعمت از دستش برود».^{۲۸۰}

خوله به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «من خود را برای شوهرم

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

(۳) - مکارم الاخلاق: ۲۱۶.

(۴) - همان: ۲۱۷ ..

(۵) - همان: ۲۱۷ ..

(۶) - همان: ۲۱۷ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۳

چون عروسی که به زفاف می رود، معطر و آراسته می کنم و به بستر می روم و او به من پشت می کند!! دوباره به طرف صورت او می روم، باز

^{۲۷۹} (۵) - همان: ۲۱۷ ..

^{۲۸۰} (۶) - همان: ۲۱۷ ..

به من پشت می کند!! دوباره به طرف صورت او می روم، باز به من پشت می کند!! به نظرم می رسد که از من ناراحت است، چه دستور می فرماید؟

حضرت فرمود: از خدا بترس و از همسرت اطاعت کن.

پرسید: حق من بر گردن او چیست؟

حضرت فرمود: خوراک تو را از هر چه خود می خورد تأمین نماید و از آنچه می پوشد، برای تو پوشاک بخرد و سیلی به صورت تو نزند و داد به سرت نکشد.

پرسید: حق شوهر بر من چیست؟

حضرت فرمود: جز با اجازه او بیرون نروی و روزه مستحبی بی اجازه او نگیری و بی اجازه او از خانه اش صدقه ندهی و اگر سوار مرکب باشی و تو را بخواند، اجابت کنی.^{۲۸۱} پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «زن وسیله خوشی است، هر کس زن می گیرد، او را نگه دارد و ضایع مگذارد».^{۲۸۲}

محبت به فرزندان و نامگذاری آنان

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «خداوند به مردی که به فرزند خود محبت زیاد ورزد، رحمت آرد. عمر بن یزید به حضرت عرضه داشت که: چند دختر دارم. فرمود: گویا آرزوی مرگشان را می کشی؟

^{۲۸۱} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۸ ..

^{۲۸۲} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۸ ..

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۸ ..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۴

اگر چنین باشد و بمیرند، هرگز در قیامت اجری نخواهی داشت و با حالت عصیان خدا را ملاقات خواهی کرد.^{۲۸۳} از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «کودکان را دوست بدارید و به ایشان ترحم کنید و اگر به آنها وعده‌ای دادید وفا نمایید که جز شما را برای خود روزی آوری نمی‌شناسند».^{۲۸۴}

و از آن حضرت علیه السلام آمده است که: «مردی را دید یکی از دو کودک خود را بوسید و دیگری را نبوسید، حضرت فرمود: چرا بین دو کودک مساوات نکردی؟».

و باز فرمود: «بین فرزندان به عدالت رفتار کنید؛ چنان که می‌خواهید بین شما عدالت باشد».^{۲۸۵}

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «بر فرزندان خود نامهای پیامبران را بگذارید و بهترین اسمها عبدالله و عبدالرحمان می‌باشد».^{۲۸۶}

^{۲۸۳} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۹ - همان: ۲۲۰ ..

^{۲۸۴} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۹ ..

^{۲۸۵} (۳) - همان: ۲۲۰ ..

^{۲۸۶} (۴) - همان: ۲۲۰ ..

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «از حقوق فرزند بر پدر این سه چیز است: نام خوب بر او بگذارد و به او نوشتن بیاموزد و چون بالغ شد، برایش مقدمات ازدواج را فراهم کند».^{۲۸۷}

و نیز فرمود: «کودکان خود را ببوسید که به هر بوسه‌ای درجه‌ای در بهشت برای شما خواهد بود که هر درجه پانصد سال راه است».^{۲۸۸}

از ابن عباس رحمه الله است که گفت: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که از بازار چیزی برای خانه بخرد و برای عیالش ببرد، چنان است که برای مستمندان صدقه برده است و اوّل به دختران و زنان بدهد که هر کس دخترش را خوشحال کند، چنان است که برده‌ای از خاندان اسماعیل

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۱۹ - همان: ۲۲۰ ..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۱۹ ..

(۳) - همان: ۲۲۰ ..

(۴) - همان: ۲۲۰ ..

(۵) - همان: ۲۲۰ ..

(۶) - همان: ۲۲۰ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۵

^{۲۸۷} (۵) - همان: ۲۲۰ ..

^{۲۸۸} (۶) - همان: ۲۲۰ ..

را آزاد کرده است و هر که پسرش را شاد سازد، چنان است که از خوف خدا گریسته و هر که از خشیت و خوف خدا بگرید، به بهشت درآید».^{۲۸۹}

لزوم تربیت کودکان

از امام پنجم یا ششم علیهما السلام است که فرمودند: «چون کودک سه ساله شود، هفت بار به او بگو بخوان: لا اله الا الله، بعد واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز رسد، هفت بار به او بگویند بگو: محمد رسول الله و دیگر تا چهار سالگی او را واگذار و چون چهار سالش تمام شد، هفت بار بگوید: صلی الله علی محمد و آل محمد و رها کنید تا پنج سالگی به او گفته شود: دست راست و چپ کدام است؟ وقتی فهمید، رو به قبله واداشته شود و سجده کند و باز واگذارش کنید تا شش سالگی، چون شش ساله شد، رکوع و سجود آموزد تا هفت ساله شود، در این سن دستور دهند تا دست و صورت را بشوید، وضو بگیرد، بعد به نمازش وادارند و چون نه ساله گردد، وضو یادش دهند و اگر ترک کرد، تنبیه گردد و به نماز فرمانش دهند و بر ترک آن تنبیهش کنند. و چون نماز و وضو فرا گیرد، والدینش آمرزیده شوند ان شاء الله».^{۲۹۰}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «کودک را تا هفت سال به بازی واگذار و هفت سال دیگر، تربیتش کن و هفت سال دیگر، همراه خود

(۱) - مکارم الأخلاق: ۲۲۱.

^{۲۸۹} (۱) - مکارم الأخلاق: ۲۲۱.

^{۲۹۰} (۲) - همان: ۲۲۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۶

ببر، اگر خوب شد که شده و گرنه دیگر امید خوبی نیست». ^{۲۹۱} از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «فرزندت را تا شش سال رها کن و شش سال به کتاب تربیتش کن، بعد هفت سال با خود همراه ببر و ادب یادش ده، اگر قبول ادب کرد و صالح شد که خوب و گرنه به خودش واگذار». ^{۲۹۲}

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند تا هفت سال حاکم است (یعنی آزاد) و تا هفت سال، بنده است (یعنی باید کاملاً تحت تربیت باشد) و هفت ساله سوم، وزیر است (باید مورد مشورت قرار گیرد). اگر در ۲۱ سالگی اخلاقش رضایت بخش شد که بهتر و گرنه تپایی ^{۲۹۳} به او بزن که در نزد خدا معذوری». ^{۲۹۴} و از پیغمبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: «فرزندانتان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد». ^{۲۹۵}

از حضرت رضا است که فرمود: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کودکان را از کثافات بشوید که شیطان آنها را می بوید و کودک به فریاد و فغان آید و موجب ایدای فرشتگان موکل گردد». ^{۲۹۶}

^{۲۹۱} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲..

^{۲۹۲} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲..

^{۲۹۳} (۳) - تك يا، ضربه‌ای که با سر پنجه پا به چیزی بزنند (فرهنگ عمید) ..

^{۲۹۴} (۴) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲..

^{۲۹۵} (۵) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲..

^{۲۹۶} (۶) - همان: ۲۲۳..

از امیرمؤمنان علیه السلام است که فرمود: «کودک تا شش سال آزاد است و باید به او آسان گرفته شود و هفت سال تحت تربیت قرار گیرد و هفت سال به کار گمارده شود و طول قامتش در ۲۳ سالگی و عقلش در ۳۵ سالگی کامل شود و بعد از این، آنچه به دست آرد، با تجربه است».^{۲۹۷}

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲ ..

(۲) . مکارم الاخلاق: ۲۲۲ ..

(۳) - تک پا، ضربه‌ای که با سر پنجه پا به چیزی بزنند (فرهنگ عمید) ..

(۴) - مکارم الاخلاق: ۲۲۲.

(۵) . - مکارم الاخلاق: ۲۲۲.

(۶) . - همان: ۲۲۳ ..

(۷) . - همان: ۲۲۳ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۷

از امام پنجم علیه السلام است که فرمود: «دختر و پسر چون ده ساله شوند، باید بسترشان جدا شود».^{۲۹۸} از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: باید بستر دو پسر و دو دختر و پسر و دختر، در ده سالگی جدا شود».^{۲۹۹}

^{۲۹۷} (۷) - همان: ۲۲۳ ..

^{۲۹۸} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

^{۲۹۹} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

و از آن حضرت است که فرمود: «چون دختر به شش سالگی رسید، دیگر او را نبوسید و زن، پسرش را پس از هفت سالگی نبوسد».^{۳۰۰}

از پیغمبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: «کودکان را چون هفت ساله شدند، از هم جدا بخوابانید».^{۳۰۱}

و روایت است که: «باید بستر کودکان در شش سالگی جدا باشد».^{۳۰۲}

بکر بن صالح گوید: «به حضرت هادی علیه السلام نوشتم: من پنج سال است که از بچه‌دار شدن خودداری کرده‌ام؛ چرا که همسرم فرزند نمی‌خواهد و می‌گوید به واسطه نداری، تربیت فرزند مشکل است. امام در جواب نوشت: بچه‌دار شو که خداوند روزی‌اش دهد».^{۳۰۳}

دعاهای طلب فرزند

حضرت زین العابدین به یکی از اصحاب فرمود: «برای طلب فرزند، هفتاد بار بگو: خداوندا! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی^{۳۰۴} و برایم جانشینی قرار ده که در زندگی به من احسان و نیکی کند و پس

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

^{۳۰۰} (۳) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

^{۳۰۱} (۴) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

^{۳۰۲} (۵) - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

^{۳۰۳} (۶) - همان: ۲۲۴.

^{۳۰۴} (۷) - انبیاء: ۸۹ ...

(۳). - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

(۴). - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

(۵). - مکارم الاخلاق: ۲۲۳.

(۶). - همان: ۲۲۴.

(۷). - انبیاء: ۸۹ ...

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۸

از مرگ، استغفار نماید و او را سالم و کامل بدار و شیطان را در او شریک مساز و نصیب مده. خداوندا! از تو مغفرت می‌طلبیم و به سوی تو توبه و بازگشت می‌نمایم که تو غفور و رحیمی».

اگر کسی این دعا را زیاد بخواند، خداوند آنچه از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت - که آرزو دارد - به او خواهد داد که خداوند می‌فرماید: «خدا را استغفار کنید که او غفار است و اوست که برای شما آب گوارا و روان از آسمان فرو می‌فرستد و شما را به مال و فرزند، یاری می‌نماید و برایتان باغها آفریده و نهرها جاری ساخته است»^{۳۰۵}.^{۳۰۶}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «هر کس که از شما زنش باردار است و فرزندش چهار ماهه شد، رو به قبله بایستد و آیه الكرسي بخواند و دست به پهلوی همسرش گذارد و بگوید: **خداوندا! من این فرزند را محمد نام گذارم**، خداوند این جنین را پسر کند و اگر به عهد

^{۳۰۵} (۱) - نوح: ۱۰ - ۱۲ ..

^{۳۰۶} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۴.

خود وفا کند و نام او را محمد نهد، خداوند آن را وسیله برکت او قرار دهد و گر نه اختیار با خداست که او را نگهدارد یا ببرد».^{۳۰۷}

از امام ششم علیه السلام است که فرمود: «مردی بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: یابن رسول الله! من هشت دختر پشت سر هم دارم و پسر ندارم، دعا بفرمایید که خداوند به من پسر دهد. امام علیه السلام فرمود: چون آهنگ آمیزش کردی و در دامن زن نشستی، دست راست را بر ران چپ زن نه و سوره «انا انزلنا...» را هفت بار بخوان. و سپس آمیزش کن که آنچه می خواهی می بینی و چون آثار حمل پیدا

(۱) - نوح: ۱۰-۱۲..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۴.

(۳) - همان: ۲۲۵.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۷۹

شد، هر وقت زن در شب پهلوی به پهلوی شود، دست راست خود را بر ران راست او نه و «انا انزلنا...» را هفت بار بخوان. که آنمرد گوید:

چنین کردم و هفت پسر، پشت سر هم برایم متولد شد و دیگران نیز چنین کردند و پسر دار شدند».^{۳۰۸}

زمان نامگذاری و ختنه کودک

^{۳۰۷} (۳) - همان: ۲۲۵.

^{۳۰۸} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۵.

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «مولود در روز هفتم نامگذاری شود و سرش را بتراشند و هموزن مویش، نقره صدقه دهند و از طرف او قوچی نر، عقیقه کنند و اعضای او را قطعه قطعه نمایند و بپزند و گروهی از مسلمین را به آن مهمان کنند. و مانعی ندارد که گوشتش را صدقه دهند و این عمل برای دختر و پسر یکسان است. و از عقیقه مرد (صاحب فرزند) و عیالش نخورند و پای عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله از اهل و عیال مرد باشد، لازم نیست چیزی از عقیقه ببرد و اعضایش را اگر بخواهد صدقه دهد و اگر خواهد بپزد و با آن، نان و آبگوشت بدهد و جز به اهل ولایت ندهد».^{۳۰۹}

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «مولود چون به دنیا آید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود».^{۳۱۰}

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «ختنه برای مردان، سنت (لازم) و برای زنان، مکرم است».^{۳۱۱}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «وقت ختنه کودک بگوید:

خداوندا! این سنت تو و سنت پیغمبر تو صلی الله علیه و آله است. و هم فرمانبرداری

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۵.

(۲) - همان: ۲۲۷ ..

^{۳۰۹} (۲) - همان: ۲۲۷ ..

^{۳۱۰} (۳) - همان: ۲۲۷ ..

^{۳۱۱} (۴) - همان: ۲۲۹ ..

(۳).- همان: ۲۲۷.

(۴).- همان: ۲۲۹..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۰

تو و کتاب تو است، به خواست و اراده و قضای تو، به واسطه امری که اراده کردی و قضایی که حتم نموده‌ای و فرمانی که نافذ گردانیده‌ای و سوزش آهن را در ختنه و حجامت به وی چشانیدی به سببی که خود بهتر می‌دانی.

خداوندا! او را از گناه پاک نگهدار و به عمرش بیفزای و آفات و دردها را از او بگردان و غنای بیشتر به او ده و فقر را از او دور بدار که تو آگاهی و من نمی‌دانم.^{۳۱۲} و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «هر که این دعا را در وقت ختنه فرزند خود نخوانده تا پیش از بلوغ او هر وقت شد بخواند که فرزند را از سوزش آهن، از کشته شدن و امثال آن نکه دارد.»^{۳۱۳}

چند توصیه بسیار مهم

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: دو مرد بهم نچسبند مگر آن که بین آن دو جامه‌ای فاصله باشد و هم چنین دو زن، خداوند مخنث‌ها^{۳۱۴} را لعنت کرده، آنها را از خانه برانید.»^{۳۱۵}

^{۳۱۲} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۹ ..

^{۳۱۳} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۹ ..

^{۳۱۴} (۳) - مردی که حالات و اطوار زنان را از خود بروز بدهد، زن مانند و کنایه از مرد بدکار (فرهنگ عمید).

^{۳۱۵} (۴) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «دو زن در یک لحاف
نخوابند مگر به ضرورت».^{۳۱۶}

و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «مساحقه (یعنی دو زن
عورت خود را بهم مالند تا لذت برند) در زنان چون لواط در مردان

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۲۹ ..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۲۹ ..

(۳) - مردی که حالات و اطوار زنان را از خود بروز بدهد، زن مانند و
کنایه از مرد بدکار (فرهنگ عمید).

(۴) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

(۵) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۱

است و هر زن که چنین کند، بکشیدش».^{۳۱۷} و از نبی اکرم صلی الله علیه
و آله است که فرمود: «دو مرد در یک لحاف نخوابند مگر به ضرورت، هر
یک زیر روپوش و لباس خود بخوابند و لحاف را روی هر دو بکشند و
همچنین زنان و دختر با پدر در یک لحاف نخوابد و همچنین با مادر».^{۳۱۸}

^{۳۱۶} (۵) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

^{۳۱۷} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

^{۳۱۸} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲ ..

از امام باقر علیه السلام است که فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام هنگام تولّد طفل، زنان را امر می فرمود از اطاق خارج شوند تا اوّل کسی که چشمش به عورت طفل می افتد زن نباشد».^{۳۱۹}

امیرمؤمنان علیه السلام به زنان سلام می کرد و خوشش نمی آمد که به زنان جوان سلام کند و می فرمود: «می ترسم، از صدای او خوشم آید و گناههم بر ثوابم فزونی گیرد».^{۳۲۰} ابی بصیر از امام ششم علیه السلام پرسید: «آیا مرد می تواند با زن نامحرم مصافحه کند و به او دست دهد؟ فرمود: نه مگر از پشت لباس».^{۳۲۱}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «اگر کسی چشمش به زنی افتد و چشم از او بردارد و به آسمان اندازد، یا ببندد، هنوز چشم بهم نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج نماید».^{۳۲۲}

از علی علیه السلام است که فرمود: «مهر زنان را خیلی بالا نگیرید که موجب عداوت گردد».^{۳۲۳} و از آن حضرت علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲.

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۳۲.

(۳) - همان: ۲۳۴ ..

^{۳۱۹} (۳) - همان: ۲۳۴ ..

^{۳۲۰} (۴) - همان: ۲۳۵.

^{۳۲۱} (۵) - همان: ۲۳۵.

^{۳۲۲} (۶) - همان: ۲۳۶ ..

^{۳۲۳} (۷) - همان: ۲۳۷.

(۴) - همان: ۲۳۵.

(۵) - همان: ۲۳۵.

(۶) - همان: ۲۳۶ ..

(۷) - همان: ۲۳۷.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۲

مردی مهر زن را قبل از آمیزش و عروسی بدهد خداوند بر هر دیناری، ثواب آزاد کردن بنده‌ای عنایت نماید. پرسیدند: بخشش بعد از عروسی (دخول) چگونه است؟ فرمود: آن از مودت و الفت به شمار آید.^{۳۲۴}
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دایه احمق نگیرد که فرزند با همان شیر، جوان گردد».^{۳۲۵}

امام علیه السلام فرمود: «زن در دوران حاملگی و شیر دادن، اجر مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، اجر شهید دارد».^{۳۲۶}

و نیز فرمود: «زن پس از زایمان، اولین خوراکش رطب باشد (خرمای عالی تازه) و اگر نبود تمر (خرمای متوسط) بخورد که اگر چیزی بهتر از آن بود، به مریم علیها السلام به هنگام زاییدن عیسی علیه السلام می‌داد».^{۳۲۷}

از امیر مؤمنان علیه السلام است که فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «زنا نکنید که لذت همسر از کام شما برود و شما عفت پیشه کنید

^{۳۲۴} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۷ ..

^{۳۲۵} (۲) - مکارم الاخلاق: ۲۳۷.

^{۳۲۶} (۳) - همان: ۲۳۸.

^{۳۲۷} (۴) - همان: ۲۳۸.

تا زنانان عقیف گردند. فلان قبیله زنا می کردند، زنانشان زناکار گشتند».^{۳۲۸}

و باز فرمود: «هیچ زنی نباید بخوابد تا خود را به شوهر عرضه کند و مراد از عرضه داشتن این است که لباس را در آورد و به زیر لحاف شوهر برود و به او بچسبد».^{۳۲۹}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «خداوند به کسانی که لواط دهند، نشستن بر استبرق بهشتی را حرام کرده».^{۳۳۰}

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۷ ..

(۲) - مکارم الاخلاق: ۲۳۷.

(۳) - همان: ۲۳۸.

(۴) - همان: ۲۳۸.

(۵) - همان: ۲۳۸.

(۶) - همان: ۲۳۸.

(۷) - همان: ۲۳۸.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۳

^{۳۲۸} (۵) - همان: ۲۳۸.

^{۳۲۹} (۶) - همان: ۲۳۸.

^{۳۳۰} (۷) - همان: ۲۳۸.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که پسری را به شهوت ببوسد، خداوند در قیامت دهانه آتشین به دهانش بزند». ^{۳۳۱} از علی علیه السلام است که فرمود: «هر که خود را در اختیار کسی نهد که با او بازی کند، خداوند شهوت زنان بر او افکند». ^{۳۳۲}

از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «هر که دخترش را به شرابخوار دهد، قطع رحم کرده (و خویشی خود را از او بریده) است». ^{۳۳۳}

(۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

(۲) . مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

(۳) . مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۴

فهرست منابع و مآخذ

الف

۱- اصول کافی / کلینی / محمد بن یعقوب / دار صعب / ۱۴۰۱ ه. ق. / چاپ چهارم.

^{۳۳۱} (۱) - مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

^{۳۳۲} (۲) . مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

^{۳۳۳} (۳) . مکارم الاخلاق: ۲۳۸ ..

۲- **امالی** / طوسی / محمد بن الحسن / دار الثقافة - قم / ۱۴۱۴ هـ.ق. / چاپ
اول.

ب

۳- **بحار الأنوار** / علامه مجلسی / محمد باقر / مؤسسه الوفاء - بیروت / ۱۴۰۳
هـ.ق. / چاپ سوم.

ت

۴- **تفسیر صافی** / فیض کاشانی / محمد محسن / دارالمرتضی / چاپ اول.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۵

۵- **تفسیر** / قمی / علی بن ابراهیم / چاپ نجف / ۱۳۸۷ هـ.ق.

۶- **تفسیر کبیر منهج الصادقین** / کاشانی / ملّا فتح الله / انتشارات کتابفروشی
اسلامیه / ۱۳۴۶ هـ.ش. / چاپ سوم.

۷- **تهذیب الأحکام** / طوسی / محمد بن الحسن / دار صعب - دار التعارف -
بیروت / ۱۴۰۱ هـ.ق.

ث

۸- **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال** / شیخ صدوق / محمد بن علی بن
الحسین / مكتبة الصدوق - تهران.

ج

۹- **جواهر الکلام** / نجفی / شیخ محمد حسن / دار الکتب الاسلامیه - تهران / ۱۴۰۰ ه. ق. / چاپ ششم.

ح

۱۰- **الحدائق الناضرة** / علامه بحرانی / شیخ یوسف / دفتر انتشارات اسلامی / ۱۴۰۸.

۱۱- **حلیۃ المتّقین** / علامه مجلسی / محمد باقر / انتشارات کانون پژوهش - اصفهان / ۱۳۷۸ ه. ش. / چاپ دوم.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۶

۱۲- **حیاء الامام الرضا علیه السلام** / شریف قرشی / شیخ باقر / منشورات سعید بن جبیر.

د

۱۳- **دلائل الإمامه** / طبری / ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم / مؤسسه البعثه - قم / ۱۴۱۳ ه. ق. / چاپ اول.

ر

۱۴- **الرسالة الذهبية** / (معروف به طب الرضا علیه السلام) / مطبعة الخيام - قم / ۱۴۰۲ ه. ق.

ز

۱۵- **زبدۃ البیان فی احکام القرآن** / مقدّس اردبیلی / احمد بن محمد / مکتبه المرتضویه - تهران.

ع

۱۶- **عیون اخبار الرضا** / شیخ صدوق / ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه / چاپخانه زندگی / ۱۳۶۳ ه. ش. / چاپ دوم.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۲

ف

۱۷- **فروع کافی** / کلینی / محمد بن یعقوب / دار صعب / ۱۴۰۱ ه. ق. / چاپ سوم.

۱۸- **فقه الرضا** / الفقه المنسوب للإمام رضا علیه السلام / مؤسسه آل البيت - قم / ۱۴۰۶ ه. ق. / چاپ اول.

ق

۱۹- **القواعد و الفوائد** / شهید اول / محمد بن مکی العاملی / مکتبه المفید - قم.

ل

۲۰- **لئالی الاخبار** / توسیر کانی / شیخ محمد نبی / مکتبه المحمديه - قم.

م

۲۱- **مستدرک الوسائل** / نوری طبرسی / میرزا حسین / آل البيت - قم / ۱۴۰۷ ه. ق. / چاپ اول.

۲۲- **مسند** / احمد بن حنبل / دار صادر - بیروت.

۲۳- معانی الأخبار / شیخ صدوق / محمد بن علی بن الحسین / دفتر انتشارات اسلامی / ۱۳۶۱ ه. ش.

ازدواج اسلامی، ص: ۱۸۸

۲۴- مکارم الأخلاق / طبرسی / الحسن بن الفضل / مؤسسه الأعلمی - بیروت / ۱۳۹۲ ه. ق. / چاپ ششم.

۲۵- مکاسب المحرمه / انصاری / شیخ مرتضی / دفتر انتشارات اسلامی / ۱۴۲۲ ه. ق. / چاپ اول.

۲۶- من لا یحضره الفقیه / شیخ صدوق / محمد بن علی بن الحسین / دفتر انتشارات اسلامی / ۱۴۰۴ ه. ق. / چاپ دوم.

و

۲۷- وسائل الشیعه / شیخ حرّ عاملی / محمد بن الحسن / مؤسسه آل البيت قم / ۱۴۱۶ ه. ق. / چاپ سوم.

برای دانلود کتاب های بیشتر به وب سایت www.i20.ir مراجعه کنید.

التماس دعای فرج اقا امام زمان عج